

ستاره سینما

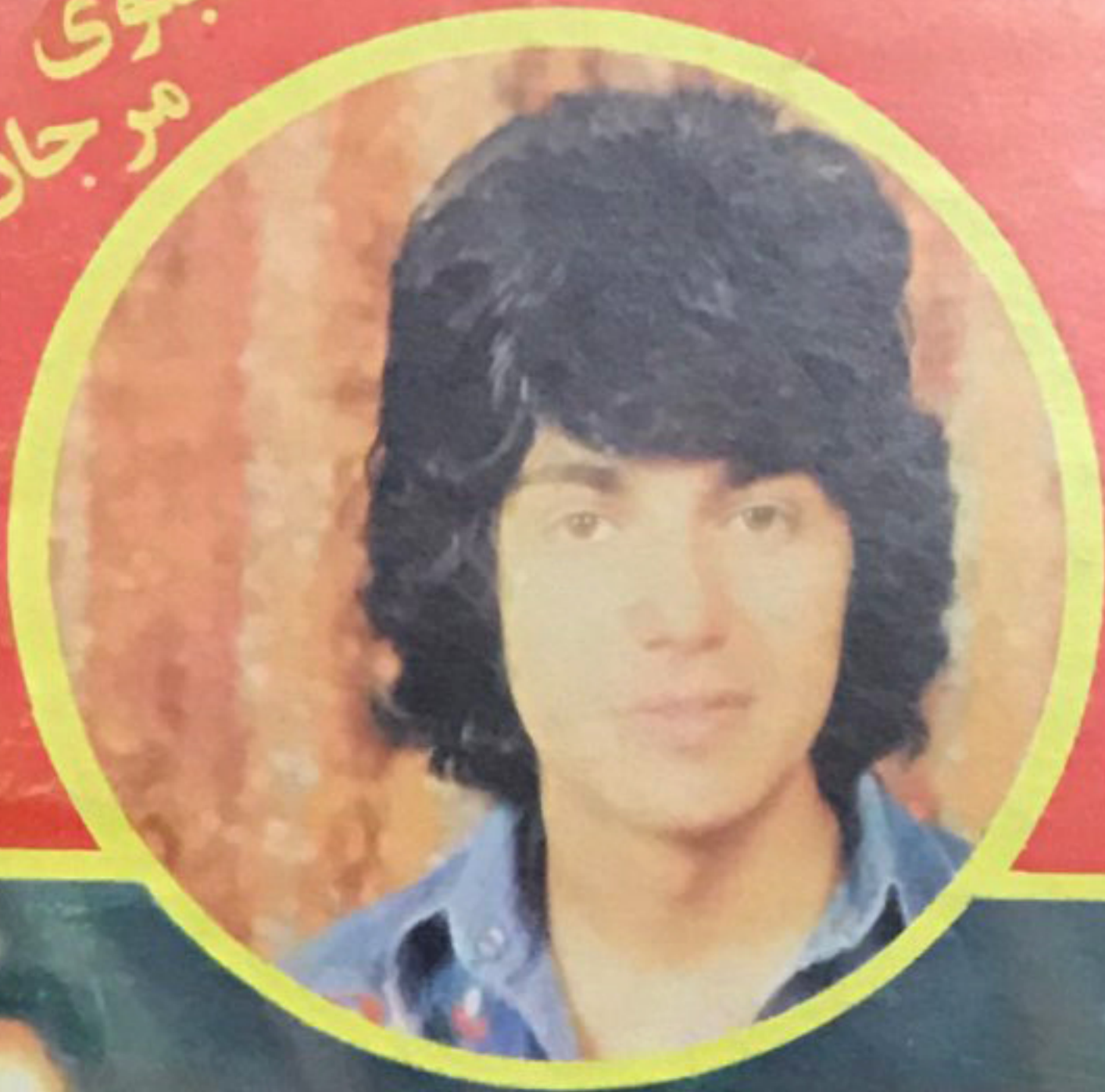
شماره ۱۶۲ - شنبه بیست و نهم آبانماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی - پناه ۲۵۰۰ ریال

تکته‌هایی طنز آمیز در باره
گویندگان زیبای تلویزیون..!

ستاره سینما بیاری گروه‌های تئاتری
تهران و شهرستانها بر می‌خیزد.

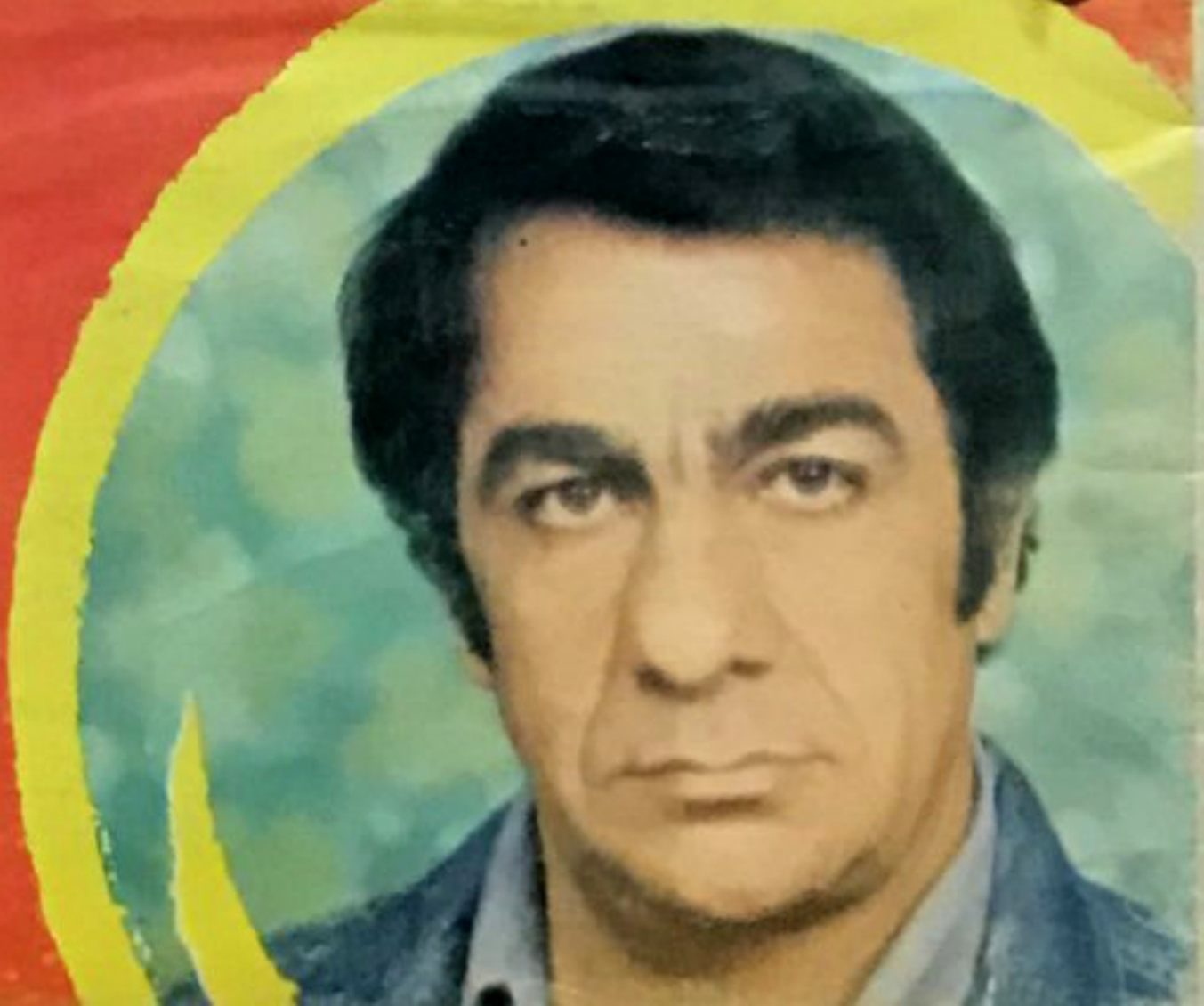
چرا فرزندان دلجو و آیلین ویگن از یکدیگر جدا می‌شوند؟

تابلوی
مرجان



آیاناتالی وود، دعوت فرزندان دلجو را می‌پذیرد!۱۹

ستارگان معروف
سینما، به
جنگ می‌روند!



جلال →



آسیا - رکس - شهوند - نیتون - لیدو - ژاله
 المپیا - جرخ فلک - پاسارگاد - ناتالی - توسکا -

برنامه اشب قویترین گروه
 سینمایی پایتخت



برهنه شیری اندامی - پیر -
 و جلال همراه با هیئری

راز

ساخته: نظام ضابطی

سوزی یاشار، مهدوی قسمر
 پیرمیساک، خلیل پور، کور، سزیمه مسمر

۵۵۵

فیلمبرداری: محمدی، موسیقی: حسن و ایشق، نورپردازی: شاکر، طراحی صحنه: ...

ستاره سینما

دارنده امتیاز: پ - گشتیان
رولت: خوری یونسگان

شماره ۱۶۶ (دوره جدید) مسلسل ۹۶۸ (مادریست سوم)
شماره ۱ چهارم روزنامه ستاره سینما روزنامه شماره ۲ - آبان ۱۰ - تیر ۱۳۹۷ شماره منقوش ۱۹۴۷
فیلد کوی و رنگ و ساز و رنگی: گراورسازی مهر ایران - تیر ۱۳۹۷ ۳۶۲۲۱۳
چاپ: چاپ و رنگ و متن از: چاپ مازگار گشتیان - تیر ۱۳۹۷ ۸۲۱۲۵۰ - ۸۲۱۲۶۰

هفتای کتاب

برویم کتاب بخوایم و برویم بخوانیم

□ در ایام روز شنبه ۲۳ آبانماه «هفتای کتاب» با نمایشگاه و تره‌های فروش کتاب در نخل جنوب غربی پارکفرخ بیستام نهمین جشن فرهنگسهر با حضور آقای امیرعلی هویدا نخست‌وزیر گشتیان یافت. در کاخخانه مرکزی پارکفرخیز در همان تاریخ مراسمی با حضور وزیر فرهنگسهر و وزیر آموزش و پرورش و گروهی از نویسندگان و ناشران برگزار شد.
«هفتای کتاب» است. «هفتای خوانند» یا آثار خوانند یا رفتن بوی خوانند است. «هفتای توجه بیشتر» به معنای و تکراری دوباره به درون است. آبا تا حال چند کتاب خوانده‌اید؟ و اگر خوانده‌اید، تا حال چه کتابهایی را خوانده‌اید؟
اگر کتاب یا کتابهایی خوانده‌اند، فضا به حال است و قدمی را در پهن فکر کردن و بهتر زندگی کردن برداشته‌اند. اینجاست که می‌توان گفت همه نیست چه خوانده‌اند و چرا خوانده‌اند!
در هفتای کتاب، بیشتر نظرها به‌جای کتاب و کتابخوانی جلب می‌شود و چشمان است که اگر توجی نیز به «کتاب خوانند» بلود.

شناخت سینمای ایران ...

جنس‌واره تیر آن تحول سینمای بومی را دنبال میکند

سینمای ایرانی، مرور بر فیلمهای ایرانی، دقیقاً مسیر این جشنواره را روشن می‌کند. اگر بخواهیم عملکرد جشنواره را در دوره سازندگی سینمای خودمان بررسی کنیم بهترین برنامهای مرور بر می‌خوریم. کاتبه این‌سوی می‌توانیم فیلمهای ایرانی اثرکرت در ساخته‌است که جایزه برن و با برده‌اندان مسئله نیست. همین که ارزشهای شرکت در یک چنین جشنواره‌ای را دارند، خود را با احترام و ستودنی است. برای برنامهای مرور، یک آثار مهم داشته‌ایم و آن اینکه ارزشیست فیلمی که ترکیبی دو فیلمساز از فرهنگ‌اند است که میدانیم فیلمسازان نطفه‌های روشن و عطف سینمای است. بر اضافی تکمیل فیلمهای «اربابیم گشتان» هم به‌عنوان ارزشی که در دوره‌هایم دارد و مهم‌ترین نمایش - که این مورد، طرف توجه جشنواره است - جا برای نمایش حتی در جشنواره داشت. نیز کار «هفتای گرمی» که میدانیم بزرگ «در دهکده» این سفر از ارزشی کار، سینمای خاص خود بود و جهت نمایش ارزشی می‌خواست درین مورد، له نمایش درآید. در هر حال، این کار جشنواره نشاندهنده‌ی حسن‌نیت جشنواره‌است در خلق سینمای ایران.

□ جشنواره جهانی فیلم‌ترین در برگزاری اصالت، ارزشمندی ایران غافل نباشد. تحت عنوان «دعایه سال سینمای ایران»، برنامه‌های مرور است بر فیلمهای ایرانی که بگونه‌ای سازندگی اثرگذار این جشنواره‌اند.
این حسن‌نیت است که هر حال شناسایی از سینمای بومی ارائه می‌دهد نیز برای روشنی و ابرایش و می‌گذارد. تا هر آنکه به نشانای فیلمی می‌نشد به تحول سینما در درون‌های آگاهی بیندازد.
خط فیلمسازان در ایران که دنبال کیم به نوعیست کولواش هم‌رسیم و عتیق‌کنگریم و متضاد، سینما در نوعی می‌توانیم با ناصفا از گشته و در خلق کمیتوان بر این خط «آثار سینمای بومی راه اکنون یونسفیلد» نطفه‌های روشن، هنر و استواری را بدید. حال فیلمسازان هستند که ارزشمندی، راه به جشنواره‌های جهانی سرتد است از جمله سینمای خودمان. همان «فیلمهای یونسفیلد» که نگاه محافل سینمایی دنیا را به جنبش‌های سینمای ایران معطوف داشته‌اند. برای نشانگر خارجی و همچنین ایران معطوف داشته‌اند. برای نشانگر خارجی و همچنین

دو کلام ...

از تلویزیون و کویکس برنامه‌های. تا بدان اندازه نوشته‌ایم که دیگر، ظم احسان بیچاره کی می‌کند از مسجودهایش. گشتیان را گفته‌ایم و گفته‌ایم که: سگت‌های فضاحت ملامت و نعت اویسر. یک کلام گشتان. از نوشته‌هایش نوشته‌ایم و دیگر جای آن نمی‌ماند تا حرف گفته از نو آغاز کنیم.

غرض، برنامه‌ی بین‌المللی است که اینروزها، می‌نماید فرجی باشد تا برنامه‌های فارسی را تحمل کسی؟ برنامه‌های جمجمه‌چوری دارد با فیلمهای سینمایی - گاه به فیلم باجه‌های فیلم در روز - که اگر چه تکراری است ولی به نمایش می‌آورد و در واقع باید گفت که هر چه هست از برای این‌ها می‌نماید که بکسر فارسی است تا به نظر است که جای شکر همدار است.

□ جشنواره فیلمسازان آمریکا، جشنواره‌ی هفت، جشنواره‌ی بین‌المللی کودکان، جشنواره جهانی تهران - برپایی این جشنواره‌ها، فراهم آوردن هوای پاک و سالمی است که هر عشق سیه جاک سارا، به وجه می‌آورد. این جشنواره‌ها، که مسجبتی برپایه را به پشتوانی خود دارد، از حوشیاتی، با چنان استقبال دارد، گرم و گسترده‌ای مواجهه می‌شود که هر خاطر بی‌غلوئی را به‌سرس وجو می‌کشد. که چه خبر است! و آبا این کلمات نیست؟ آبا آهنگر گزینی هر جشنواره‌ی هنری، روح دانستن راسخ هر، در روز درمان نیست؟ جوانی میگفت: «مینی ۸» را «حدی نگاه نمی‌کرم. اصلاً سینه‌ها حاشش نمی‌آورد تا بساز دوستی». رفتن و فیلمسازان جشنواره‌ی ۸ را بدیده درجه‌ای نازمانیستی حدی، تکرار رنگر و تصنیف‌شده روس‌رومی گشوده شد.

می که شما را از روی سرتد های عوسمی می‌شاهتم بیشتر است. نمی‌توانستیم بیدرم که ارزش فلسفما به امان طهری آن نیست و نمی‌تواند از کار «۸» هم، نیایشی ساخت و نمایشی را بدید. دیگر گویی این جوان که آگاهانه نگری، درمی‌یابیم که جشنواره‌ها، آخر خوش را خوش یافته‌اند.

حالا به پیشاز جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران مروریم. تا آن قدری را که از کتب فیلمهای بین‌المللی، احسان می‌کنیم بر آموزش بسیار. تا با جلوه‌های یک سبب دستورالعمل گشتی نگاری در باغ سینما و صحن گشتی نگاری تا این من - من توخی، عشق سینماست ششم و از سر صحن، باغ سرسبز شما را مظهر گوی.

نهمین جشن فرهنگ و هنر، پربازتر از همیشه... پایگاهی برای احیاء و تجلی هنرهای ملی

سینما در جشن فرهنگ و هنر



جشن فرهنگ و هنر

- هدف و موضوع اصلی آغاز شد
- گسترش فرهنگ ملی
 - شناخت هویت ملی و پاسداری از میراث کهن
 - احیاء هنرهای اصیل ایرانی
 - آشنا کردن مردم با آثار بزرگان فرهنگ
- جشن اصیل، پربازتر از همیشه بود
- گسترش آن با برنامه‌های متنوع و متنوع با زبان نایب‌های بودارنام هنرهای اجرای برنامه‌های هنری بسیار آفریننده های تئاتر به‌علاوه مختلف و برگزاری نمایشگاهی و شعرخوانی و نظیر آن برگزار شد
- جلسات مختلف سخنرانی درباره فرهنگ و هنر ملی، برنامه‌های نمایشگاهی متنوع و احیاء موزه‌های بسیار، رای نمایش آثار کهن کمرش در فرهنگ ملی را برسد
- گرایش موزه‌های سلسله هنری، برگزاری نمایشگاه تاریخ و فرهنگ هزاران، گرایش نمایشگاه آخرین کشفیات پستان‌سنان سینما، بازیهای عورت ملی، بازیهای کانونها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و سایر روای انحصاری حفظ آثار باستانی و یادگاری تاریخی، برنامه‌های جشن فرهنگ و هنر اصیل را تشکیل می‌دهند.

جشن فرهنگ و هنر که با پایبندی ما به آداب، همین سال برایش رایت سر می‌گذارد، سرود، آه عنوان پایگاهی محکم برای احیاء و پرورش هنرهای ملی، چه آنها که در معرض فراموشی نمانند و چه آنها که از توجهی کمیاب برخوردارند، از راههای خود را می‌یابند.

ماده پررنگ آن، رای ملت ایران ستاد تعویلات بسیار بوسه‌هاست و از این دست که برگزاری جشن فرهنگ و هنر در چنین ماهی، زمینه و فرصت است.

ایست که با پایبندی یافتن این جشنواره ملی، تنها چند روز گذشته داریم، به حرمت می‌توان ادعا کرد که جشن جشنواره‌های ما چنین ایستاد، چه از نظر مدت آن - یک ماه - و چه از جهت گسترش برنامه‌های آن - به سطح کشور، درجهای بی‌همتای سال به سال نیز راه تکمیل راه می‌یابند.

فرهنگ و هنر ملی ایران که قدمتش به هزاره‌های پیش می‌رسد و اگرچه کهن‌ترین، بلکه یکی از کهن‌ترین و پربارترین

است.

جشن فرهنگ و هنر، با ارزشهای برشمرده انکارناشدنی‌اش، هندارست و کوشش‌های به یک ملت با ارزشهای فرهنگی و هنری که می‌تواند نماینده پیوند ملی در طی قرون بوده‌است، غافل نماند.

نهمین جشن فرهنگ و هنر، با چهار

مرد اول ...

بخش تازه‌ترین سریال پرویز کاردان و قضاوت تماشاگر ...

با سابقه‌ای که از پرویز کاردان در سریال‌ها و تئاترهای نمایشی می‌گذرد، و نسبی می‌توانیم این امیدواری را داشته باشیم که سریال جدیدش، بتواند نظر مردم را به سوی بازیگرانش جلب کند و به اصطلاح سریال مرد اول ناموفق بود.

سریال مرد اول کارگردانان تلوویزیون را جذب و همکارانش که این بار با مسئولیت‌های متعددی در کنار او کار کرده‌اند، با موفقیت چشم‌اندازش را به پیش می‌برد.

در سریال خوش بازی‌نمایدانه باشد، طبعاً با تسلط بیشتری می‌تواند بر کار سایر بازیگران نظارت بکند. در نتیجه امکان اینکه مجموعه، وضع بهتری بخشد بگیرد خیلی بیشتر می‌شود.

حوزه سریال مرد اول در روال کار - های فنی کاردان نیست و در فضایی کاملاً متفاوت با فضای دو سریال برادرزهی و آدم‌کش جریان پیدا می‌کند. این سریال از شبکه سراسری تلوویزیون ملی ایران پخش می‌شود. داستان آن ضمن پیوسته بودن، به هر قسمت هم مسائل را مطرح می‌کند که می‌تواند برای همان قسمت، یک داستان مجزا را حساب نماید.

فرمان سیما تلوویزیون شرکت دارند که افرادی تعداد این بازیگران، خبر اوسع بودن موزه سریال مرد اول می‌دهند. در این سریال ولی سرتیتمانی همین تها بی‌خبر و شاعرانه، اسماعیل مهرابی، آرتیسا لاجینی، حسین حسینی، چهره‌آزاد آتش خیر، شهرزاد صدیقی، کرنا روفی، میندی، درویش، گیتی‌جاء، حمیدفاش، نعمت‌گرچی، شاهین کو شرکت دارند و هر یک از آنها بازی‌های خود را با عزم می‌کنند.

پرویز کاردان برای اولین بار در سریال‌ها ساخت خوش شرکت دارد و این موضوع، از یک طرف نشان‌دهنده موفقیت این سریال است و آن‌را است که موفقیت کارگردانی

پرویز کاردان کارگردان و بازیگر معروف تلوویزیون که مدتها قبل از او سریال بر طرفدار خانه‌بوس را دیدیم و سپس دنبال وفاداری، سریال «آدم‌کش» را خیره‌کننده بود، ماموق و شکست‌خورده بخش تلوویزیون بود. ایستاد پرویز کاردان با میندی بسیاری کارترین کارش بنام «مرد اول» در عرض فضاهای تماشاگران تلوویزیون است و بعد از آن که پس از مدتها، برای بار دیگر بهترین موفقیت و محبوبیت را بجست.

در سریال تازه پرویز کاردان که طبق اعلام تلوویزیون، قرار بود چند هفته قبل پخش شود و نتواند، گروهی از بازیگران



بدنبال دعوت از ستارگان معروف

سینمای جهان:

برای اولین بار فرزانه دلجو و آیلین ویگن در کنار ناتالی وود...

فرزانه دلجو بر سر رفته بود. کفای شایعه اخلاق و کفای نیز خبر آتش - امسا بهر حال ، تا این تاریخ حوله هم این دو دلدانه جوان را در کنار هم می بینیم . در کنار هم بودن این زوج ، در چند فیلم موفق انیمه ایست و در میان این فیلمها ، چهارمای دیگر در کنارشان ظاهر شد که می توانست بود در کنار هم بودن شانفرمای را ببیند . گویا گوش در فیلم شب فریاد این حالت را بوجود آورد که بدنبال پایان گرفتن فیلم شب فریاد نیز نیمه نمره محل شد و باز بحالت دو نفره درآمد .

از جمله شایعاتی که در حال حاضر در اطراف این گروه همچنان در سالنهای فیلمهای جوان پسند ، بیشتر از هر شایعه ای به گوش می رسد ، موضوع تنوع این بازیگران از ناتیالی وود ستاره زیبای و مشهور سینمای جهان است . بیشتر دقت کردن به این شایعه که گویا هنوز بررسی ناکند نشده است ، می توان این فکر را بوجود آورد که آیا در صورت پذیرش این دعوت از طرف ناتیالی وود و آمدن او به ایران ، می توانست میان آیلین و فرزانه دلجو جدایی بیفتد و به اصطلاح زوج سینمایی آیلین و فرزانه تبدیل به زوج ناتیالی وود و فرزانه دلجو نماید یا نه ؟

در سینمای فارسی از اینگونه شایعات بسیار آمده و می آید . گاه شایعه شناری شدن فلان ستاره ایرانی را با فلان بازیگر معروف سینمای آمریکا می شنویم ! گاه می شنویم که بروی فلان ستاره معروف سینمای ایتالیا به ایران می آید و این هر شایعه معروف ایرانی در کشور در چند فیلم صلاح حال شرکت می کند !

اینگونه شایعات ، اخیرا مدور شده و در واقع هنوز ما هم ندانیم که شایعه آمدن ناتیالی وود به ایران و شرکت او در فیلمی از امیرحاجد ، محمد دلجو ، تا چه حد واقعیت دارد و تا چه حد در ریف شایعات دیگر مبتدای است .

در حال حاضر از مجاهد و دلجو ، فیلمی نظیر هزار آماده نمایش است که در این فیلم فرزانه دلجو ، آیلین ویگن ، نهرام شب پره ، محراب شاهرخی و آرمان شرکت دارند .



□ سینمای جوانها امروزها بیش از هر سینمای مورد توجه قرار گرفته است و فیلمسازان مختلفی سعی می کنند کارهایشان را در این روال سازند . از جمله اینگونه فیلمسازان ، محمد دلجو و امیرحاجد ، دو جوان پر انرژی و پر جوش و خروش که با چند فیلم پرمشورتی ، محبوبیت فوق العاده ای در میان جوانان و نقدکنندگان سینمای جوان دست آورده اند . این دو هره که فیلمهایشان را پیوسته در کنار یکدیگر و با نامهم ، می سازند ، نیمی دوتیره و به اصطلاح پاک روح سینمای جوان تازه نس را در فیلمهای خود عرضه کرده اند که معروفیت خوبی در میان سایر بازیگران سینما کسب کرده اند .

فرزانه دلجو و آیلین ویگن ، با همسر و پاک دختر ، با شغلی صمیمی که ابتدا از صحنه فیلمبرداری آغاز شد و اینک به صحنه زندگی روزمره نیز داخل شده و موجب پدید آمدن شایعاتی در این زمینه شده است . مدتها شایعه ازدواج آیلین ویگن و

ناتالی وود

فیلم دیگری نیز از این گروه نزدیک به آماده نمایش شدن است بنام ماهیا در حالت میسراند که بروی ایران خواهند شد . نام فیلمی که قرار است ناتیالی وود در آن شرکت جوید هنوز معلوم نیست و همین از نام سایر بازیگران آن نیز سر می آید . با احتمال زیاد همین روزها تاریخ دقیق ورود ناتیالی وود به ایران اعلام میشود و تا این اعلان شدن ، واقعی بودن یا نبودن خبر شرکت این ستاره زیبای جهانی در بازیهای ایرانی معلوم نمیشود . در هر صورت ،

اگرچه مفاتیح درسی نمیتواند سازد ، ولی آیا آمدن ناتیالی وود به ایران ، روح سینمای فرزان دلجو و آیلین ویگن را هم پاشیده میشود و بطول معروف ناتیالی وود جای آیلین ویگن را در فیلمها جوان پسند این گروه تازه نس می گیرد یا نه ؟ در صورتی که فرضی است دعوت در گفتگویی با فرزان دلجو ، امیرحاجد و آیلین ویگن ، این سؤال نیز پاسخ درست و واقعی دریافت می چاریم ...

سیدماپینا و کنسرت هائی مجانی در شهر ستانها!..

تازه ترین اقدام «علی نصیریان» چیست؟

● چرا «مهدی علیمحمدی» کلاس هنر پیشگی باز میکند؟ ● بهروز وثوقی برای مدتی در فیلمها شرکت نمی کند ● ژاله سام برای دومین بار فعالیت تازه ای را در سینما آغاز می کند ● ابی و شهرام در کنار یک خواننده فرانسوی!

تاری سال، انجام می گیرد. تقریباً نهصد و این رسم نیمسال کارکنان و نیم سال در سکون بودن را از میان بردارد در امور سازمانها و فعالیت نصیریان در نزدیک ناس دارند، شنیده ایم که برای همین منظور از هم اکنون نصیریان گروههای مختلف تئاتری را تحت اختیار عملهای از صاحب نظران و نویسندگان باصلاحیت فراز دانسته آنها را برای بروی صحنه آوردن پس های گوناگون در طول سال و در کشمکش های بعضی کانتلف آنها معمولاً بدون استناد میماند، آماده کند.



□ شنیده ایم که علی نصیریان تازگی برودت تئاتر و سینما که اخیراً به ریاست اداره تئاتر منصوب شده است، تصمیم دارد در سه روز بروی صحنه آمدن پس های مختلف که همواره در اوقات باقی بقیه پس سروز



کنسرتها اعلام کرده اند و یکی دو تن از این خوانندگان مدیست که در کنسرت سیمابینا همروزه در مجلس جمع می شود جواب مختلف کار امروزه برسی و طاقه قرار میدهد. گویا قرار شده است که کار این گروه مرید دوست و علاقه مندین امیل ایرانی، از نوروز سال ۱۳۳۳ آید خواهد شد و اولین کنسرت خود را در شهر شهباز برگزار خواهد کرد و بلافاصله به سایر شهرهای دیگر کشور میروند و کارشان را ادامه میدهد.

□ شنیده ایم که «مهدی علیمحمدی» هریشه و کارگردان معروف نمایشهای رادیویی و شوهر سابق مرجان سارمبا دست به اقدام تازه ای زده و در کنسرت فعالیت شدید خود در زمینه نمایشهای اقتصادی کلاسی دایر کند که در آن به علاقه مندان تازگی در رادیو و جوانانی که باید در آینده گویسه با هریشه تازگی بنشیند، تعلیمات لازم را میدهد و از تجربیات خود برای پرورش تازگیان جدید برای نمایشهای رادیو استفاده کند. همین علیمحمدی از باستانترین هریشه گان اقتصادی که روزگاری از محبوبیت فوق العاده ای در میان نسل جوان برخوردار بود و در حال حاضر از محبوبترین چهره های رادیویی است. او هم اکنون هنوز با دوام در برنامه های رادیویی شرکت می کند و در کنار کارهای تازگی، و کارگردانی نمایشهای



بگفته ایم که شنیده ایم. تاکنون در حدود هفت تن از خوانندگان معسوفه موافقت خود را برای شرکت در این

اول سال در انتظار بروی صحنه آمدن نمایشها در نیمه دوم سال بنشیند آنگونه شنیده ایم علی نصیریان بدینال گرفتن این تصمیم، طرحهای دیگری را نیز می خواهد پیاده کند که به ندرت در وضع کنونی تئاتر کشور، پیوستی حاصل خواهد نمود. بهر حال، همانگونه که انتظار میرفت، گویایش نصیریان همون پیش بازیگر تئاتر که حالا در صحنه اداره تئاتر قرار گرفته، بخوبی دارد به آرزوهای دیرینه دست اندرست کاران و علاقه مندان تئاتر، جامعه عمل می یوتواند. علی نصیریان در حال حاضر در حال فراهم آوردن مقدمات تئاتر شهر ستانها است و از نظر میرسد که روزهای خوبی را در تئاتر این مرکز و بوم خواهد داشت.

□ شنیده ایم که سیمابینا خواسته بودی برنامه های امیل ایرانی و برنامه های محلی بدینال خواندن یکی دو برنامه ای با دو وزیر حسین کارم، قصد دارد به انسانی چندین از خوانندگانی که در حوض انبوهای امیلها تازگی دارند، گروه تشکیل بدهد و همگی با هم کنسرتی بر سر در شهر ستانهای های کوچک و بزرگ ترتیب بدهند و بدینوسیله موسیقی امیل ایرانی را مردم را با این نوع موسیقی آشنا بدهند. در این زمینه یکی از خوانندگانی که گویا در این گروه فعالیت خواهد داشت میکت. سیمابینا بطور جدی درصدد پیاده کردن این طرح است و بطوریکه اعلام کرده، از خرج کردن هر مقدار پول و وقت برای با انجام رساندن آن خودداری روا نمیکند و در دو صورتی که از طرف رادیو و تلویزیون با نامهای امیل مشمول حمایت عم نشود بخرج خود و خوانندگان دیگر، ترتیب برگزاری این کنسرتها را خواهد داد و به اتفاق گروه، بهادلت شهر ستانها میروند و برای مردم طرز معانی و رایگان برنامه اجرا خواهد کرد.

بگفته ایم که شنیده ایم. تاکنون در حدود هفت تن از خوانندگان معسوفه موافقت خود را برای شرکت در این

بیر میزدارد ، گویا هفتی تبلیغیست
در محافل گشت است که در میان جوانان
و علاقمندان بازیگری در رادیو اصفهان
های فشنهای وجود دارند که کمتر ترس
عرض اندام پیدایی کند و نظری در بیخ
وخم و سال آردی ، سردرگم میشوند که
بروی از کار حسه شده و میدان راحتی
می کند.

در حالیکه رادیو در حال حاضر شنیده
به هر هفته های جوان و تازه های اصفهان
دارد و من بعنوان یک هزینه فشنی می-
خواهم قسمی در این راه بردارم و نا آگاهی
که می توانم به این جوانان کمک کنم و راه
نارهای پیش پایتان بگذارم...

شنیدم که هر روز نوبت بازیگری منهور
و پر فنم سینمای ایران که بازیگر فیلماهی
متوجهشگر را از او دیدم ، بهما بیایان
رسانش فیلم ملوک از ساخته های عزیز
هریاش که برای شرکت در جشنواره های
فیلم تهران آماده شده ، مثل کوه ایست
که از ماکو (محل فیلم برداری) به تهران
مراجعت کرده و قسمی دارم پس از مدتی
اسراحت و رفع حسگی ، باروجهی تازه
و سرجال خود را برای شرکت در فیلماهی
آینده آماده نماید . در اسبوره شنیدم
که هر روز وقتی تصمیم گرفته است که از
این بند شنیده در مورد فیلماهی تهران
در آنها باقی بماند میشود مستغری می-
نماید و ساری و ساری در این فیلماها چندین بار
و بدت خواهد بود و چون مناسبترین
پیشنهاد بازی بر آنها را پذیرد ، البته فیلماهی
قبل هر روز وقتی ، بطور کلی فیلماهی
قابل بحثی بود ، ولیکن ایرانیکس
پیشنور که در موقعیت خوبی از هنرپسنگی
قرار دارد ، می خواهد از این پس ، از اسناد
فیلماهی خود ، نکامد و در عوض در فیلماهی
کمپنی ارشدنی بازی نماید ، او در اسبوره
از چندین از دوستانش که در کار سینما
دریستات نیز خبریسانی دارد در معامه
سازوکار کمک خواهد گرفت و تا بتواند

فیلماهی را برای بازی انتخاب نماید نه
از طر ساری و همین کارگردان در
موقعیت خوبی قرار داشته باشد ، طول یکی
از همکاران ، مگر هر هفته های خوب ،
توانند بافت و مستغری های منطقی-
خط سینمای فارسی را بیخ کنند چینی
منطقی به داستانها و سوزهای آن بعد...
سما بطوریکه شنیدم بهر روز سما
اواخر سال جاری برای بازی در فیلمی که
قرار است با سرمایه کارلوپوشی جشنوری
دوربین برود ، رهیار اپاتیا خواهد گرفتند
فلا در این باره ، مطالبی داشته ام و حسینی
کارلوپوشی عهده کننده معروف اپاتیا
سین سرخو ، با ایران شرکت هر روز را در
فیلمی با سرمایه حدود ، نالید کرده بود
و افزوده .

هر روز در این فیلم داستان هر فین -
برت انگس و چند چهره سینمای ملی دیگر
همراهی می نمود . هرچرا این یک موقعیت
نارز برای هر روز است . هر روز فلا سینور
فیلماهی را با چند بازیگر سینمای ارجمه
اسپورتو سین و الکتروم و کورتیورنگر
و نمای دیگر همکاری نمودند ، منتهی
این فیلم محصول مونژوژها ، بویابیان
هر روز در یک معاریب منطقی می خواهد
برفت با برنگ سینمای جهان بر برابر
□ شنیدم که ژاله امام بازیگر
کم کار ولی مخاطب و مشتک پس ، سینمای
فارسی که مدتی از سناکاره گیری کرده
در این اواخر فقط در یک فیلم تاروش
از یک کارگردان نسلگرفته شرکت کرده
است ، مجددا فعالیت با همکاری را در
زمنه بازیگری در سنا آغاز خواهد کرد
و این بار تصمیم دارد فقط با کارگردانهای
شناخته شده که تا بحال کارهای ارزنده ای
از خود نشان داده اند کار کند . ژاله امام
و فلا در یکی تو فیلما تقریبا معبر ارجمه
هفتص روز همه در کنار فرانیه ناسان
و حسن بهرامی دیدم . اما این اواخر
تبدیل شرکت در فیلمی که در بالا ذکر

	دیدیم	
	خواندیم	
	شنیدیم	
	دیدیم	
	خواندیم	
	شنیدیم	

ند ، نارمقن از گشته و غنای بازی در
با جمع سازگان فعلی سینمای فارسی می-
است و قصد دارد نگارند بوفصت کونی
خود را با ظاهر نند دره فیلما حفر
سندازند و در میان انواع سینمای نجات
کونی شرف نتود ، او میگوید برای سنا
سازگی سنا ، کیفیت کار خیلی مهمتر
از کسب آن است و به همین دلیل بعودم
اجازه نمیدم با شرکت در فیلماهی زرد
نوحالی ، ارزش کار سنا را سنازا پالو
ناروم و در عوض کوشش می کنم حالا
که مجددا به سنا باز گشتم ، در مکان
جوی از سنا قرار بگیرم و بخاطر پول با
نهر نستر ن به شرکت در هر فیلمی که
بشهادت شد انهم . بخورگه شنیدم ژاله
سما در آخرین و تازه ترین فیلم خود بازی
درخواستی ارائه داده است و با روی کار
آمدن آن ، برای ناروم بوفصت خوبی



فروش فیلمهای روز ایرانی

□ فیلم «آنها جانی»، ساخته فریدون ژورک که محصولی است از پاناس و در آن فریدون ژورک، مرجان ، میری ، ملیلی ، جمال و بیگانهانوردی شرکت دارند طی دوهفته نمایش در گروه اونیورسال حدود ۴۵۰ هزار تومان فروش نموده است.

□ فیلم «بیمانه» ساخته کاروان قدکچیان که محصولی است از فیلمکوبلینز و در آن ناصر ملک مطیعی ، لایلا فروهر ، رسیبا کرم رضائی ، شهرام و شهاب تهرانی شرکت دارند طی دوهفته نمایش در گروه آسا حدود ۸۷۰ هزار تومان فروش نموده است .

□ فیلم «قاصدک» ساخته مصفا که محصولی است از خانه فیلم ایران و در آن سعیدراد ، نوش آفرین، گرجی ، ملیحه نصیری ، شهاب، قاجار، بلبل و آرمین شرکت دارند طی یک هفته نمایش در گروه نیگاگارا حدود ۷۴۰ هزار تومان فروش نموده است و نمایش آن برای هفته دوم ادامه دارد.



فیلم تازه فرمان آراء

بازیگران سرپال تلخ و شیرین بازی دارند و حسن واتلی هم موزیک متن این فیلم را ساخته است .

پشت حنجر

□ ابرح قادری تاکنون یکساعت از کارنامه اش را موزیک به «پشت حنجر» سپرده است . در این فیلم که قادری خانودیه کارگردانی خود تهیه کرده آن نیز هست و توسط فرح حیدری فیلمبرداری میشود ابرح قادری ، فروزان ، بهمن منید و مسوری بازی رلهای نخست را بازی میکنند.

بن فروش

□ خبر ارائه بهادری ناچند هفته دیگر کارگردانی فیلم تازه اش را موزیک به «بانک» مازده برایان ساریوی از احمدنیریزاده برای سازمان سینمایی پاناسیت آغاز میکنند . در این فیلم که ممکن است نام آن به «بن فروش» تغییر نیابد قرار است سعیدراد و لیدقوهر نقشهای اصلی را بازی نمایند.

حاکم عشق ادامه دارد

□ فیلمبرداری کار تازه رضا عشقی موزیک به «حاکم عشق» که سرانجام ساریوی از خودش میسازد توسط حسنی ارائه دارد . در این فیلم که موزیک فیلمبرداری آن در آرزو با فیلم انجام میشود ترانسسی عشقی، نورانگیر طاهریان ، حسن چندی، شیوا ، نازده ، پروین طیمانی ، گرجی و امیر افغانی شرکت دارند . بعد از «حدا

□ بهمن فرمان آراء سازنده فیلم «مازده احسان» بروی کارگردانی فیلمسازی را آغاز میکنند که ابتکار نقش اصلی آن پرورد و توفی است و محصولی میباشد از شرکت گسترش صنایع سینمایی ایران . در شاره های آینده نام این فیلمو سایر کارگردانان و سازنده آنرا با اطلاع خواهیم رساند .

سونه دلان جلوی دوربین

□ تاکنون یکبارگی کار تازه عشقی حسنی موزیک به «سوندلان» که محصولی است از سازمان سینمایی پیام بطور رنگی توسط هوشنگ بهارلو فیلمبرداری شده است . در این فیلم که تهیه کنندش عشقی حسنی است توسط حسنی تلخ و پخش میشود پرورد و توفی ، گوگوش ، پرویز فیرزاده و چندین ستاره های فخری خورش و ندای دیگر شرکت دارند .

«دل آرزو»

موزیک به فیلم «دره» از او آماده نمایش است ، بروی فیلم نگاره ای را برایان ساریوی که یکبارگی نوشته اند در آورده است ، آغاز می کند . در فیلم «دره» که محصول خانه فیلم ایران می باشد و توسط قدرت الله احسانی فیلمبرداری شده است ، بهمن منید ، سیدبا ، شهرام - جمال - فریده بیان - نازده - نانا - سعیدراد و عباس حکمت آراء و لیدیا



□ نمایی از فیلم «دره» ساخته یوسف ابروایی (بهمن منید، شهرام، پرویز فیرزاده، ندای، حنجر، توفی)

حاجف کوچولو» ، حاکم عشق دومین فیلمی است که در نمایش ساربت فیلمهای ایرانی کارگردانی میکنند .

خانم دلش عورتور میخواند

□ با انجام صداپردازی و سایر امور فی محصول تازه سازمان سینمایی تقاضوسر موزیک به «خانم دلش عورتور» میخواند این فیلم ناچند هفته دیگر آماده نمایش خواهد شد . در این فیلم که تهیه کنندو کارگردان آن جمشید شیبانی است و ساریوی را حنی رهنم نوشته است بهمن منید، پوری نانی کارگردان فیلم .

گمشده

□ پرویز توری برای سازمان را در تلویزیون ایران کارگردانی فیلمی را آغاز میکنند موزیک به «گمشده» که توسط رضا محازی بطور رنگی فیلمبرداری میشود . این فیلم که توری آنرا برایان ساریوی از خودش میسازد داون رشیدی و ندای دیگر از بازیگران سرشان تلویزیون و نتاز شرکت دارند .



□ نمازوری از فیلم تازه اسماعیل پورسید موزیک به «تازه عروس» (مجموعه راتوق - موباسک، شرابانی و مرام و مرامت در توسعه شرکت دارند) (فیلم)



«سپاجک» فیلمی از ایرج قادری (ملاک طبعی و قادری برحمتی از فیلم)

می‌آید. در این فیلم ناصر ملک مطیعی ایفاگر پاترل استانی است و علاوه بر این گلی رنگ نیز در این فیلم نورل مختلف برهنه دارد. این فیلم در جشنواره بین‌المللی فیلم‌ها شرکت کرده است.

قادری اپروها سرگرم بازی در فیلم کوه بتکارگردانی ماسوئلس خاچیگیان می‌باشد و صفا نصفا سرگرم بسیاری کارگردانی فیلم دیگری است که در آریا پوری تالی - فروزان و پهن‌پهن‌بهاری است.

فیلمهای عیدقربان

برنامه‌های گروه سمایش نهدنی فیلمهای ایرانی در عید قربان بحر گروه اوبورسال بطور قطع همین نهدانی - گسرو - آسیا فیلم «طنهای حره» کار محمدناصر و امیر معاهد را که در آن کمدیان فرزنان ناندو، آیلین و کین شهرام شیشه، محراب شاهری، جلال وآرمان شرکت دارند نمایش میدهد. گروه نیاکارا فیلم «هیولا» کار سیاحت پاسی را که در آن سیک ایپابوری، نفیس آرام، موجهر والی‌زاده، نفیس آرام و موجهر پور شرکت دارند نمایش خواهد کرد و گروه اوبورسال هم «احتلال» فیلم «برخسته» محصول پارس‌فیلم و «باجلم» «صیح خاکستر» ساخته نفیس قطار ■

مردود باقیمت را نمایش خواهد داد. همچنین گننه میشود. منکرات گروه مزبور در این فیلم «یک اسمانی» در سرزمین حیره کار نازوحجت را نمایش دهد که هر حال هنوز هیچکدام این فیلمها برای نمایش در عید قربان قطعی‌نیافته‌اند.

□ همانطور که برنامه عید قربان گروههای آسیا نیاکارا مشخص شد هنوز برنامه نوروز گروه اوبورسال نیز معلوم نشده‌است. نوروز ۳۳۳۳ گروه آسیا فیلم «موندلان» کارنلی جانی را که در آن پیروزوفی و گوگوش شرکت دارند نمایش میدهد و گروه نیاکارا فیلم «هنگامی» را که در آن فیلازوف، وگا، کزرجانی، جمشید بهرمان، جلال‌وفالی، صحت آزان است کار فیلم برخسته ناسد نوروز برای اکران نیامد. گروه اوبورسال توقع این فیلم را نمایش دهد در غیر این صورت یکی از دو فیلم فریاد زریب یا شرکت فرانسه نالیسی، پیروز به زاده، شهره موتلی و داریوش و باجلم «عشق بالاتر» و پیغمه، با شرکت میخندان و نوش آفرین.

بدنبال بقشه

□ منصور پورمند سارنشی سریال برپیننده «تلخ و شیرین» مشغول ساخت یک سریال شش قسمتی رنگی برای نمایش در ایام نوروز میباشد. «بدنبال بقشه» نامدار، در این سریال کامتوس خانی فیلمسرداری می‌نویسد و پیروز در ژانر فرودراندنی دیگر با بازیگران سینما نوزادین شرکت دارند، زیرا قاسمی‌بعوان دنیسار پورمند در ساخت این سریال بازی میکند.

سینمای سرد

□ در حالیکه چند هفته است فصل سرما شروع شده و نامیستهای درجه اول و دوم و سوم سنگسهای گرم کت‌خود را کنار گذاشته‌اند ولی هنوز سینمای اسپیکت که طاهرا از سینمای دهه اول به‌سرا در آن چنین کاری اقدام ننموده و در نتیجه نامتاکران فیلمهای این سینما از سیرا پول خود و فلیپیند گننه و همکاران نیمه‌کاره ترک نمی‌نمایند.

این موضوع در وهله نخست به فروش زودانه این سینما نگوید. و آرد آورده‌است.

اعتقاد جلوی دوربین

□ نظام فاطمی که این هفته فیلم «راز» لوروی اکران آمدنات کارگردانی فیلم نارهش را موسوم به «اعتقاد» که محصولی است از سیرا فیلم و پارس‌سازویی از امتداد سیرانه میباید آغاز نمود. در این فیلم که تهیه کنندگان هندی صمیمیت و توسط جمشید فرحی فیلم‌داری میشود. «یک نامانوروی، نوزادینگر طباطبائی، جلال آریه‌اند و عده‌ای دیگر شرکت دارند.

میراث

□ با انجام صدرداری کار نهاره عدالته خیانی موسوم به «میراث» این فیلم ناندینوز دیگر جذاب و آمادنه نمایش خواهد شد. در میراث که تهیه کننده و فیلمسردار آن بارنظاری است و خیانی آرز ابراس سارویی از خوشتر خرم‌آباد کارگردانی نموده پوری یانی، موجهر اصمدی، عنایت بختری، پروین ملکونی و موجهر فرید شرکت دارند.

تا چند روز دیگر صدرداری کار

تا چند روز دیگر صدرداری کار تا روداد معلومی موسوم به «پرستش» زسیر نظر موجهر اسماعیل انجام خواهد شد. در این فیلم که تهیه کننده آن محمدتقی شکرانی است و اسماعیلی آرز ابراس سارویی از طی اکر شکاربان ساخته است بر تنفسی تقیلی، شلالوف، محسن‌بهنوی، جهانگیر فرور، نادره، گشتی فرور و چهره جدید محسن فولادپازو شرکت دارند. پرستش را رجب‌جانی فیلم‌داری کرده‌است.

آخرین مراحل فیلم‌داری

□ آخرین مراحل فیلم‌داری محصول نامانای فیلم موسوم به «این آقایون بازیته» توسط تروج پورمروت طی میشود. در این فیلم که امیرشروان پارسا سارویی از جیدطنلی میبازد و نیمه کدهتاش رضا شبانی است یک‌نامانوروی، محمدسواد، نوزادینگر طباطبائی، علی آزاد و میری شرکت دارند. این آقایون بازیته توسط سارکام سینمای لور فیلم و سینا زریب‌زاد پرویز صدایی بخش میشود.

اکران:

□ محصول آمادنه نمایش آریانا فیلم موسوم به سه چاک که توسط ایرج قادری بازی و کارگردانی شده بزودی پروی اکران

«یک داستان پیش با افتاده» در جشنواره



«میلا» نویسنده و سارنست‌جوان که باحال سازی پیش ازده فیلم سینمایی نوشته است. «میسرا کار» فیلمی است خود را با کارگردانی یک فیلم کوتاه، ۲۵ دقیقه‌ای آغاز کرده‌است. این فیلم که در واقع «پاسورن» میلا برای ورود به سحر کارگردانی است. «یک داستان» پیش با افتاده، نامدار که مراحل فیلم‌داری آن هفته گذشته خاتمه یافته و در حال حاضر در دست‌نویس است. «پارسا سارواری» که برای نمایش در جشنواره بین‌المللی فیلم، پهران آمادنه شروع سازی این اثر را خود میباید نوشته است. «بازنگران آن غلامحسین طبعی و حمید لحد» دو تن از دانشجویان رشته تئاتر هستند که هر دو برای دانشکده پهران میباشند. «یک داستان» پیش با افتاده، را امیر رفیعی انجام داد. «نامانوروی» نیز آن در مهرگان فیلم انجام میشود.

«میلا» بلافاصله پس از اتمام این فیلم کارگردانی اولین فیلم بلند سینمایی خود را با نام «مهر» برای استودیو مهرگان فیلم آغاز خواهد کرد که هنوز هنریستگان آن بطور قطع انتخاب نشده‌اند.

جنجال بوسه اجرای ترانه‌های بندری ... خوانندگان بندری: بتی، ضیاء و عهدیه را متهم



خوانندگان محبوب و ساخته شده - ماههای
علاقه داران هرچه زمان بگذرد یکسوار
راهنمای محلی اجرا شده توسط خوانندگان
محبوب - بر سر راهی است

توسعه سالخورده است راهنمای
بندری - خیلی از خوانندگان را برافروخت
ایرانی راهنمای بندری اندامهاست
پی از ساخته و آغاسی که روحان
راهنمای بندری در رامین تونیون ساخته
نارنگه سیاه پشترای بندری نام «مادریوس»
را اجرا نمود و بیکیاره لقب شد راهنمای
بندری - یکبار دیگر شروع پیدا کرد
سیاه پی از مادریوس پشترای دیگر

از سر راهنمای بندری نام «صالجانوه»
اجرا کرد که بارها بر سر راهی افتاد و توجه
بسی آید پی مردم به راهنمای بندری پای
خوانندگان دیگری را همجان کنند بسیاری
از خوانندگان راهنمای بندری از جنوب
راهنای ایران شده و در کارها به اجرای
براه پرداختند و حتی در بسیاری از مقامها
بزرگراه و رقصهای پر تحرک بندری
برای جلب تماشاگران استفاده گردید و
اینها بین چند خواننده معروف دیگر هم
به فکر اجرای راهنمای بندری افتادند که
از جمله آنها را می توان نام برد: و آغاسی
هم نام!

اما اخیراً بسیاری از خوانندگان
با سبب راهنمای بندری که از خانه طلب
نماندند - برای اجرا را به خوانندگان
معروف دیگر که راهنمای بندری را اجرا
می کنند همانند!

بتی: من و ضیاء و عهدیه فقط برای جلب هر چه بیشتر مردم طرف ترانه‌های محلی نالان
می گیم
ضیاء: اگر قرار باشد کسی روی ترانه‌های بندری ادعا داشته باشد، این من هستم که باید
نامع نمایان کشیده شود!

تعمیر ترانه‌های بندری را اجرا کرده و
می گیم و اکنون من ترانه که اجرای غلط
ترانه‌های بندری توسط خواندگانی که
مردم را از اینگونه ترانه‌ها خسته کنند
پی از خوانندگانی این خوانندگان
که در مورد اجرای راهنمای بندری من
هستند - بدینست حرفهای شیاه و بی اثر
هم که بدینجا از جانب خوانندگانی و نیز
عهدیه که در حال حاضر بر ایرانی است
نویسند، زیرا که این بی در حال حاضر
از عهدیه - هدف جمله خوانندگان قبلیست

آری که علاوه بر اجرای ترانه‌های
بندری - راهنمای فارس زیادی هم اجرا
کرده است می گوید:

- من نسخه شاهم که یکبار حدود
ده سال پیش ترانه «جمال جانو» را اجرا
کرد و در عوض سیاه کهنکی دوستی بیشتر
یست این ترانه بندری را اجرا کرده است
در حال حاضر من این ترانه معروف
قدیمی است!

نمیتواند آغاسی می گوید:

- من میدانم که من اهل خانه پاک
حسب هستم و نباید بگویم که از قدیم و

سنا و لها بتوانند هم‌اندام بود که
با نالند این و آن زور بگیرند و دیگر
هرچیز بیشتر مرا سبب گردید

□ همکاری مداوم با نظام فاشی
روی چه اشکالی ادعا یافته است و طوریک
در مورد این همکاری و تشریح سنا
چه می گوئی؟

- من سیمارا با نظام فاشی شناختم
و در قلمبندی او - کار با رنگی نام را اجرا
کردم و دوام همکاری نام نالان کارگردان
علاوه بر اینکه مرا پیش ارتش فاشیست
هنکاری تلافی ساخت - بلکه تعداد دیگری
را نیز برایم بهرکه داشت و آهم اینکه
نظام فاشی ریسک سیرت زلهای متکبر
قلمبندی را با من - متحمل گردید و همه
در هر فیلم نظام فاشی نهایت محسوسه
را برای اینکه نامت کم ارتش ریسک او را
دانستم - او را دانستم و فکر می کنم برای
دل اول آخرین فیلم نظام فاشی (از راه)
این زمان اوج این همکاری منجاس می آید
و امیدوارم شرحهای بهتر این همکاری
در آینده ادعا نماید.

□ و آهای همکاری را شروع با
عدم همکاری با سایر فیلسوفان نمی گم!



شایدی در من می گردد چه در این هنگام
است که می توان ارتش وجودی خود را
نماندند و در مقام «مغایبه» سرنگ گردید
و اما اینکه من چه چیزی را دانستم
می گم و بتوانم در این راه جست - مربوط
می شود به آلمان که سیمارا آغاز کرد
بماندند تا بی تا یک موقعیت نسبت نامت

حرفهای یکی از ستارگان سینمای ایران را بخوانید

پرستو: تو جیح می دهی که کم کارترین ستاره این سینما باشم و در عوض کارنامه سینمایی خود را با فیلمهای «مبتذل» سیاه نکنم!

من با هیچک از ستارگان سینمای ایران - سر جنگ و جدل ندارم
و رفاهت با هر کس از آنها را که ادعای دارند - با دل و جان
پذیرا هستم!

پرستو کار بازیگری در سینمای ایران
را به پنج سیزدهم است و اکنون نامش همون
ستاره نخست یک فیلم مطرح است - فیلم
«از راه» سر آغاز کارهایش برای این ستاره
زنیای سینما ما - گمشود کوشش
با وی معزل آورده اند و بدینست کمروزی
با این گمشود بکنیم

□ می آید که در سینمای ایران - کم نیست و بوی این
میان چه کسی را ندانم کسی و بشنواخت
در این راه چیست؟

- وجود چه چیزی مختلف در این
سینما که اصطلاحاً «ستاره» نامت می گم
قبل از آنکه بر آید - نامت ایجاد کنوج

می کنند!

راههای مختلفی هستند.
شیام می گوید:

— اگر قرار باشد کسی روی ترانه های بدی ایضا داشته باشد، این من هستم که باید نامی پیش کشیده بودم. چون اجرای ترانه اندری هلزیوس توسط من، مردی را بطرف ترانه های بدی جلب کرده و حالا که همه به اجرای ترانه های بدی رو آورده اند و به نوبت بیشتر رسیده اند، من حضور نداشتم و این واقعاً تعجب است که بجای اشتر از تلاش من برای جلب مردم جانب انگیزه ترانه ها، مرا هم هدف حقه فرسار دانده اند!

ش می گوید:

— همانطوریکه باربر گفته شده است، ترانه های محلی، متعلق به هاست و هر گونه ادعای شخصی در این مورد، بی پایه و اساس است و چه شیام چه عدیه چه من و هر خواننده دیگر را تشویق این است که ترانه های محلی را هر چه بیشتر بر سر زبان ها بیاوریم و لکن می گویم که این امر جای برتری داشته باشد!

— در حال حاضر من به جهت این جهت، حرف های من را بیرون اجرای ترانه های محلی و خصوصاً ترانه های بدی بر سر زبان ها آورده است. ممکن نبود است و چندین حرف های نامرتبی در این حواله، عنوان خود این بحث را دنبال خواهیم نمود.

— بهیچوجه، شیام حرفه و هنری نیست که دست اندر کاران آن خود را «قدید» کنند. من نمی چرمی که حد با این ترانه های ناملاطقی بنظر بهتر از هر فیلم ساز دیگری، بهار وای کار بازیگری من است. بنابراین دست و ملاحظه کاری من است. فیلم ساز پرانیه، اجراییان زیادی برای من بهرام داشته است که در ادامه کارم در دستم نگار می آید.

□ در مورد ماهیهای کونی خود در سیما حرف دیگری داری؟

— من ترجیح می دهم که کم کارترین ستاره سینمای ایران باشم و در عوض کارنامه سینمای خود را با ماهیهای پر رنگم که یادآوری آنها جرافسون و پشیمان چیز دیگری برایم به یاد آورده اند. با چنین طرز فکری و شعور از هر گونه حشال و حتی برآکی های زیبایی و اسامی سینما را دنبال نمی کنم و باید که بتوانم همیشه روی ایمن ایضا و عقایم، با فداکاری نمایم. من سزا هیچک از ستارگان این سینما، سر جگ و جمل ندارم و رقابت با هر کدام از آنها را که انتالی دارند، با تلویحان پذیرا هستم!

نام

* محمد زرین دست به ایران بازگشته است ...

از این پس، همه عشق به سینما می کنم!

هزینه میکساز فیلم من به اندازه مخارج تهیه یک فیلم فارسی است!



□ محمدرزین دست، از سینماگران است که مراحل کلیاتیک سینما را در آمریکا خوانده است اما وی در فیلمهایش، به حسر مقداری بصر تکنیکی، نشانه های روحاندهایش هایش را نشان داده است. زین دست ضمن فیلمش در آمریکا با نام «جانانای بر روی شیشه» ساخت و پس از بازگشت به ایران، با حشال سیما، فیلم «عالم خان» را تحت عنوان «فیلمی برای بازیهای جهانی» ساخته و پراخته کرد. فیلمهای بعدی او ماند و سوشیطان، جاده نیکان، شکوه شاهنومان و شهر آفتاب بوده است.

□ گفتیم که در این زمینه شروع می کردیم:

— در مورد ماهیهای اسامی من گریه می کنم. همیشه ماهیها حالت دستم میزدند. یعنی ماهیها در وقت که در شرایط و با امکانات سینمای ایران، ما ضمن فیلمی برای بازیهای جهانی می ساختیم، کفر قرار است برای بازیهای جهانی ساخته شود، باید هر روز از امکانات کافی باشد. در کار فیلمها، مسئولیتها عظیم بود و حال آنکه در سینمای ایران چنین نیست و کارگردان نام باقی بود از روی زور و کار و دستیارهای نوم و سوم راه نظام می دهد. بر کارهای من فیلم خوبتر می کند. مخصوصاً در شرایط کارگردانهای ایرانی برای بیشتر ساختن و ساخته پراخته اند. من حتی کاشی را در آرزو داشته ام و بیشتر از همه کاشیها برای من بوده بودم فیلم حرص و جوش میزدند.

از طرفی نوع سرمایه گذاری نیز غلط و محدود کننده است. برای به کار گرفتن هزینه مورد نظر باید فکر همه جوانب را کرد و تازه هزینه نمی تواند تمام وقت در اختیار فیلم باشد. لوازمی بسیار مستعمل

می گوید: در حالیکه اگر مقصود، کار دنیا باشد، می توان چند کار دنیا را به سینما فست راهیم. سینما فست فیلم سازی بسیار آسان است. تنها ما کار دنیا را به سینما فست می توانیم راهیم. در حالی که کار دنیا را به سینما فست می توانیم راهیم. در حالی که کار دنیا را به سینما فست می توانیم راهیم.

نگاری درونی است. پسر از جوانی فیلم ساز است که دست فیلم ساز را در پوست گری می گذارد. این که دارد حضور در ایران نصیبت خدا در بر صحنه را به دست و همیشه بجای بازگویی دنیا تو گما شده است. شاعری می کند و بسیاری مشکلات دیگر که به تولیدی او باعث شده است تا سینمای ایران پاره از مرزهای ایران قرار نگیرد. پس از دستم تواریان، او دوباره به آمریکا بازگشت.

در بازگشت دوباره به آمریکا، خود را با هم و موجه شد که می توانی را در کنار کشید ببرد و از آن پس می گویم تا گام بر راهی هم نمی آید از آثار خرد می گویم.

شاید من فیلم «پلش آنکس» را در (کنسرت) را ساخته ام که من اینجایی را در قرار استند جنسار. جانی فیلم تهران ما را داده بود. این فیلم کدر حاشیه ما را بزرگ بود. واقعی من در دستم بودی را در این نیز به ما را می بردند.

در سفر اولم به ایران، بسیار متعجب شدم از اینکه سینما را به تشایع و کسب قانون و بیم در حالیکه ما باقی از آن فیلمهای جورج لیبیس، سیما و ولطی سینما و برای او را به سینمای ایران.



□ معنای از فیلم «پلش آنکس، بکن، فیلی کترین دست در آمریکا ساخته است.

طنزی باسیستم «سکام» ایروانی!

☆ از میان این گویندگان زیبارو ...

چه کسی می تیق را تقدیم عزیز



که برگشته اند، هنوز معلوم نیست چه کسی

☆ **آزاده وزیری** *
☆ **گوینده و شوگرل!**
چند ماه کارشان را از «مسیر» شروع می‌کند و به «زیر صفر» میرسد!

مستند. اگرچه ملاحظه عکس چهارمیانان را بجهت نادمایم، ولی گروهی دیگر کسر خدمتشان را می‌بینیم و حال فقیه را می‌کنیم!

☆ گویند مرا چو زاد مادر

هر دم تیقی شنیدن آموخت
بسی تلویزیون نداشت و

بر من رهنم حور دن آموخت
یک حرف و دو حرف بر زبانم

رسم منتک بر اندن آموخت
گر با ادب و تمیز باشی

نرده‌ه گس عزیز باشی!!

☆ متن

☆ حاشیه:

شول معروف «حسنت نمون» می‌کند
مورموند. من همیشه این طریق صدایان
تلویزیون می‌زند و وسط اوقات ما و ایلام
برنامه می‌فرماید و بعد هیچ و تیق
مطرح می‌شود. این یکبار هم
نامش خواهم سخن آشنای نبودم و شرمه
بروی وسط برنامه‌هاشان و نامش بود
نشان آشنای برنامه‌های رنگین و سبک
و برنامه‌های آهنگین و آوازین خلاق و کرم
(یک سنت بگوید اگر برنامه‌های تلویزیون
توضیح است، ایها چه گاهی دارد)!

بایان زمین برنامه‌های تلویزیون
تلویزیون، با گمان گویندگان خوش سرو
رسان تلویزیون برنامه‌های آماده کسری
تلویزیون یعنی برای برنامه‌های رنگین
و در واقع بحث تلویزیونی که در کارشان
بوده است. در گروه خارج شده
رفتند گفتی تا بماند همیشه. کلاس گویندگان
بسته و برگرداند!

اما رفگان بهار بودند و آمدگان
انت منتک گویانی چه از این نیستند
رسان را از روزگار کردند و عذرشان را لایه
بخت و محبت بر کلاس مذاکره استند
و جانان را خلاص کردند. لیکن این‌ها



تواند بهترین تماشاگران بنماید!؟

نیش و نوشی شیرین با: آزاده وزیری - مریم خموش - شهناز خاغانی و دلارام کشمیری ...



دوم تلویزیون شروع کرد و در سایه استاگران عزیز تلویزیون روزه بیخاتی که برد و اشتباهات اینی کسه نکرد بید دوقریت چربامه اول تلویزیون رسید و باغافل برید وسط سایفه «چشور گوش» غلوهوش و وحش از کله مارک (حیف شد که آنوقها تلویزیون رنگسی

نمایش

فراغال در اثر ایسواز احسان
نمایشان چابره دوست سانبه مزبور
چنان میدان را از دست جاب سامان کمانی
و انواع و اقسام گوشتگان «مسره»
سانبه فوی الکرگنده که «نوموس»
ومن بیچشمو - نوابرومن انارکسان
اروا

اخیرا نیز حضرتان را دربرسان
غیبهی «بجرمه» زیارت فرمودیم کسه
ایشا چساک - بندرموده بودد بااسواع
واقسام شوهرهای مختلف و دانش مندانت
که چگونه می توان سرو مع جاب شوهررا
در «مچورکوبید» قابل توجه نوجوانان
که لاله میزند برای باغتریش تویجهیل
زن گرفتن!

او زیبات (سرمنکرش لغت ا)
نیق نیرینه (سر دیوقگو ا) در کلاس
گویندگی قول شده است (لایه «انت»
کتیبه ا) و ماحد لایپکه - برمانههای
رنگی نیز رنگ و جلالی پخشیده (مواظ
باشید رنگی ننویید) ا! ازخوشی گشته -
شک نیست که آزادوزیری رامی سوزان
ضربین و حاینترین گویندگان تلویزیون
حساب آورد - (راستی یاد دوشیزه عالم
«انومی» بخیر که تویهای لندینی تحویل
حضرات تماشاگر تلویزیون میداند!



* مریم خموش

* متخصص لبخندهای ملبغ

سلام تماشاگران عزیز (لند) خا
بچههای عزیز و فتنگ چطور (لند)
حالا به سراغ بی لنگ مستغیاب بوجت
برمانید (بایرس مغدلت پورجند)
مریم «خموش» رامی توان فطیما
آقای «درویش زانده» داشت گویند
است که خوشبختانه «سوز شوگر» شد
گویند که آقای فرحاندوز اخیرا خیل
به پرویای شوهای غیبه میبچند و با
علی الله ، میبینی که دارن توی لالوز
تو اجرا می کند!

مریم خموش هم خوشبختانه بر ک
گویندگی - بدون تجدیدی قول شد
(لایه از روی دست آزاده وزیری نظ
گردمان) گویندهای هندی که تا بوم
با یک لحن طبع رفع درخوش می
(قابل توجه دوشیزه انومی که انگار
کم آوردمان)!

کریستوفر یون در بوزس است



□ چندیت یک نام. توجه فیلسازان را بخود جلب کرد است. نام یک هریست. نام «کریستوفر یون»

کریستوفر یون ماریس اسکورسیس، «آیس دیگر ایضا زندگی می کند» به شهرت رسیده. در این فیلم که او به نقش متوفی آیس ظاهر شده بود اما پیش از آن نیز سابقه ای در نویسندگی او را به بازی گرفته بود. یکی از آن کارتونهای گنده که هنوز در ایران نمایش داده شده است،

دیگر «سرافرونگاری سارا را به یاد» که چند ماه پیش نمایش درآمد او در این فیلم بود. نویسنده و تولیدکننده وی با فیلم «آیس...» بود که اثر در حضور چهارم فیلم هرامش نمایش دادند.

هنرمندی درخشان وی در این فیلم نگاه فیلساز را بسوی او کشید و اینانی نقش اول فیلم «دیوایوری که از چشم دنیا افتاده بود» سر مستند وی در این فیلم به نقش دیوایوری ظاهر شده است که یک درگیری عاطفی با بیورن ریپای (سارا ریپای) زین فیلم است. در حالی که پس از نوجوان این زن، مخالف راهی مادرش با ریپایورن جهان سینما بود.

فیلم دیگر کریس که فیلسازان به پایان رسیده است، «وسون تارماستار» یک موزیکال معروف. «ستاره» متولد می شود. چندین سال پیش یک بارنامه شده بود و در نسخه تازه کریس گرسون و باربارا استرایسد سا بکنیگر همبازی شده اند.

اگر «ستاره» متولد می شود همچون «وسون» اولین نمایش به موفقیت دست یابد باید منتظر ظهور یک ستاره تازه بر جهان سینما بود.



□ «کارت» نام فیلمی است به کارگردانی مایکل کولتر که در آن فیلسازان و دو مجاهد زیر بازی دارند ساریسوی این فیلم را جزئی از مجموعه است که آرتیستون و گاری استرایسد اثر برای بیورنالی تهیه می کند.

□ «پرواز» که فیلساز معروف فرانسوی که در فیلم معروف او ماجراجویان و جوانان بر اثر آتش نمایش داده شده است، فیلمی به نام «امروز صبح» آماده نمایش دارد. ساریسوی این فیلم را از یکو بانکست به شکل جاری بر نمایش بولی افرانسیس ریخت نوشته است. در مامور مریس، نونی ریپایس، مارلین دورویلین سواره ترک ندارد. فیلساز فیلم «این مگر» است.

□ «زان» نام فیلمی است که فیلساز فرانسوی، فیلمی به نام «پیروزی اولدهو» را کارگردانی می کند. در این فیلم ژان کاکت، ژانگلیو، ژانگلیو، ژانگلیو کاترین ریولون شرکت دارند. تهیه کننده فیلم، ژانگلیو است.

□ «فرز» نام فیلمی است که در آن فرانسویان و فرانسویان در آن شرکت دارند. نامشمار و ریپایس فرسون بازی دارند. این فیلم بر اساس رمانی از ویلیام گیبس ساخته می شود.

□ «دوگانه» از فرانسویان و جان گینهار هریتینگ فیلمی به نام «جانب» هستند که آن را ساسی آرا کارگردانی کرده است. ساریسوی فیلم را بیورنالی نوشته و تولیدکننده آن تهیه می کند.

□ «تول» فیلمی است که فیلساز فرانسوی، «پرواز» برای تهیه فیلم از ریولون نامشمار و ریپایس، یکی از «جانب» و دیگر «فرز» کارگردانی کرده. وی به عنوان یک کارگردان آمریکایی شناخته شده است. ساریسوی این فیلم را ریپایس و فرانسوی هریتینگ فیلم فرانسوی (سایکل) بود. پیتر ریپایس و وی (آرا) در این فیلم نیز شرکت کنند.

□ «پس از آمریکا» نام فیلمی است که فیلساز فرانسوی، «پرواز» برای تهیه فیلم از ریولون نامشمار و ریپایس، یکی از «جانب» و دیگر «فرز» کارگردانی کرده. وی به عنوان یک کارگردان آمریکایی شناخته شده است. ساریسوی این فیلم را ریپایس و فرانسوی هریتینگ فیلم فرانسوی (سایکل) بود. پیتر ریپایس و وی (آرا) در این فیلم نیز شرکت کنند.

پرت ریولوز: پشت دور بین!

در فیلمهای مریح حادثه ای، در نخستین ساخته اش نیز شنیدار این روزهای «پرت ریولوز» است و در «کیتور» نخستین سنی ریولوز، معروف حادثه آفرینی و خلق جهان برای متحرک کردن تماشاگر خدمات مخصوص آنکه در فیلم «سحری تعقیب (چه بسا انجیل و چه باقی)» به فراوانی گنجانده شده است. در عین حال کیتور از یک نام جهانی و سیاسی نیز برخوردار است که ممکن است اندکی برای نخستین ساخته بازیگر سابق و کارگردان کونی و جهانای کسب کند. هریتینگ که در کار پرت ریولوز نقش آفرینی کرده است، «جک وستون» و «دوری هانت» از همکاران نویسنده سابق او هستند که مهارت ریولوز را در اولین تجربه کارگردانی اش نصیب می کند. آنها علاوه بر آنکه کارگردان فیلمان را در انتخاب نقش و ژانرهای «پرت ریولوز» چهارم دست می دهند، ویدیا و در رهبری هریتینگ و دارا بودن هنر کارگردانی نیز موفقیت می کنند. اما به گنهی «دوستان» مایه امیدوار کننده است. فیلسازان و به نظر می آید اولین دستیار آقای ریولوز نصیب گرفت!

□ پرت ریولوز بازیگر مشهور سینما، نخستین فیلمش را در مقام کارگردانی به نام «پرت ریولوز» است و در «کیتور» نخستین سنی ریولوز، معروف حادثه آفرینی و خلق جهان برای متحرک کردن تماشاگر خدمات مخصوص آنکه در فیلم «سحری تعقیب (چه بسا انجیل و چه باقی)» به فراوانی گنجانده شده است. در عین حال کیتور از یک نام جهانی و سیاسی نیز برخوردار است که ممکن است اندکی برای نخستین ساخته بازیگر سابق و کارگردان کونی و جهانای کسب کند. هریتینگ که در کار پرت ریولوز نقش آفرینی کرده است، «جک وستون» و «دوری هانت» از همکاران نویسنده سابق او هستند که مهارت ریولوز را در اولین تجربه کارگردانی اش نصیب می کند. آنها علاوه بر آنکه کارگردان فیلمان را در انتخاب نقش و ژانرهای «پرت ریولوز» چهارم دست می دهند، ویدیا و در رهبری هریتینگ و دارا بودن هنر کارگردانی نیز موفقیت می کنند. اما به گنهی «دوستان» مایه امیدوار کننده است. فیلسازان و به نظر می آید اولین دستیار آقای ریولوز نصیب گرفت!

□ پرت ریولوز بازیگر مشهور سینما، نخستین فیلمش را در مقام کارگردانی به نام «پرت ریولوز» است و در «کیتور» نخستین سنی ریولوز، معروف حادثه آفرینی و خلق جهان برای متحرک کردن تماشاگر خدمات مخصوص آنکه در فیلم «سحری تعقیب (چه بسا انجیل و چه باقی)» به فراوانی گنجانده شده است. در عین حال کیتور از یک نام جهانی و سیاسی نیز برخوردار است که ممکن است اندکی برای نخستین ساخته بازیگر سابق و کارگردان کونی و جهانای کسب کند. هریتینگ که در کار پرت ریولوز نقش آفرینی کرده است، «جک وستون» و «دوری هانت» از همکاران نویسنده سابق او هستند که مهارت ریولوز را در اولین تجربه کارگردانی اش نصیب می کند. آنها علاوه بر آنکه کارگردان فیلمان را در انتخاب نقش و ژانرهای «پرت ریولوز» چهارم دست می دهند، ویدیا و در رهبری هریتینگ و دارا بودن هنر کارگردانی نیز موفقیت می کنند. اما به گنهی «دوستان» مایه امیدوار کننده است. فیلسازان و به نظر می آید اولین دستیار آقای ریولوز نصیب گرفت!

□ پرت ریولوز بازیگر مشهور سینما، نخستین فیلمش را در مقام کارگردانی به نام «پرت ریولوز» است و در «کیتور» نخستین سنی ریولوز، معروف حادثه آفرینی و خلق جهان برای متحرک کردن تماشاگر خدمات مخصوص آنکه در فیلم «سحری تعقیب (چه بسا انجیل و چه باقی)» به فراوانی گنجانده شده است. در عین حال کیتور از یک نام جهانی و سیاسی نیز برخوردار است که ممکن است اندکی برای نخستین ساخته بازیگر سابق و کارگردان کونی و جهانای کسب کند. هریتینگ که در کار پرت ریولوز نقش آفرینی کرده است، «جک وستون» و «دوری هانت» از همکاران نویسنده سابق او هستند که مهارت ریولوز را در اولین تجربه کارگردانی اش نصیب می کند. آنها علاوه بر آنکه کارگردان فیلمان را در انتخاب نقش و ژانرهای «پرت ریولوز» چهارم دست می دهند، ویدیا و در رهبری هریتینگ و دارا بودن هنر کارگردانی نیز موفقیت می کنند. اما به گنهی «دوستان» مایه امیدوار کننده است. فیلسازان و به نظر می آید اولین دستیار آقای ریولوز نصیب گرفت!

آنچه که از فرانسوی می آید، حاکی از این است که ریولوز به خاطر مشاورت شرکت



آنچه که از فرانسوی می آید، حاکی از این است که ریولوز به خاطر مشاورت شرکت

تئاتر



درد دلی با «منتقدین تئاتر»!

از : داریوش ایران نژاد

مؤلفان کردن فاصله اند

زمانی که شد تئاتر دست بستگی...
گفت ، از روی تانگی گرفتند و آگاهی
بست می آمد که شوق بود و رابط مایل
گشته ، در برسی های تئاتری امروزیش
هر چیز ناقص است که آزار مینهد مالا
لبه صق و استاد از نوشته نیز مینکوست
می شود آگاهی ها و تانیا را بدون آگاهی
و تانیا ، چرا که یک نمایش بدون متوسط
حاصل تانیا ۳ ۴۰۰ تیروی اناسی با
آگاهی ها و اثرهای متفاوت است که دوری
۳ ۴ ساعت و در دلی بین یکاه نسا
یکسال برای کارشان وقت صرف می کنند
حال آن که یک تیروی تئاتری در یک روز
و در مدت یک تا ۵ ساعت توسط یک کسبر
شکل میکشند و نگاه بر نام آن رحسان تانیا
نیز خط معلق میکنند. مشتاقان که نقد
بلیه در صفحه ۳۳

این ایراد یا ناروا نیست که به کسی
گرن آید و فقط برخی است چندبرده
جواب که گفته تئاتر همانوقت با ناو نمانجی
هم ادوات و همه سعی رسانند که گران این
هر آنچه با مردم ، هوان نماند حاصل
کارشان تیروی در راه باشد (که تانیا که
گاه حتی تانیا را چون کالای بی تانیا
میلروند) و در این راه هر کسی تا آنجا
که بتواند یا بتواند لانتش را میکشند چه
شایسته که این تانیا را در این عهد که فاصله
مردم با تانیا چندان هم کم نیست پشتیبان
اگر نیست کسی راهش را صحیحتر ازانه
نهدو راهگشایی باشد برای ایجاد رابطه
مجموع بین مردم و تانیا ، گویندیش تا آن
پایه که در عطف بگردند و در دستود از تانیا
که آغاز کرده نیز روایت...
گویی مستقیم که حشرین روابط
اجداد این رابطه اند مانند پامپو ، در بی

توجه :

* ستاره سینما به یاری گروه های
تئاتری تهران و شهرستانها بر
می خیزد

پیامی برای گروه های تئاتری در تهران و شهرستانها

میروند رفع مشکل شود و باشد
که باین نزدیک برای اجرای
تئاترهای شهرستان در تهران نیز
امکان پایی گردد و بیجا نیست اگر
که گروه های تئاتری در تهران نیز
با مادر نفس باشد تا در صورت
نیاز کسی را که علاقه به همکاری
هستد در رابطه با آنها فراردم

سح اینکه دست اند گران
تئاتر در شهرستان فرد یا جمع
نفس باین صحنه نیازشان را سا
ما در میان هند تاگر نمایشنامه
می خوانند یا کشتن گویو پامپو
طری در تانیا که کارشان را ببیند
و با هر چه دیگر ، با باری ساند و
بزرگان این فن که سبک دربع

* جای حالی شناختی در

صحنه ..

شناختی روزگاری پای ثابت صحنه
بود ، از آفتاب که میسازند کمتر در تانیا
به بازی پرداخت . «آنتیگونه اثر ژان
آبوی گویا آخرین کار صحنه ای او بود
شناختی حالا بکمره خود را وقت سبنا
کرده است . در حالیکه صحنه و تانیا گران
صحنه چشمانش بازگشت او بود ، و اینکه
باز هم او را همچنان بر قدرت بر صحنه حاکم
می بینند . به صفت شناختی از صحنه بازیگری است
که بوف بود در یک نمایش در صحنه
زدگی میکند تانیا ... با امید و روزگاری
شناختی به عالی اول و عزیز برگردد
و ایستار «هنیته ماندگار» بود.

* این نویسندگان جوان ..

با توجه به کم کاری نمایشنامه نویسان

فالگوشی



سراسر این بازار ، که کسوف بر پیشی حاصل
آورد و می آورد ، موج زادهای رحمانه که
نمایشان ماریم دوام آورد و با کسوف و ونس
بست بطنان شبی را حیران کند . رهبر
رامدی ، محمد افرا و ... از جمله
آنانند . فقط کاش میراث آنان صحنه ای اجرای
مثلا روشنگرانه پیدا کند که سراسر دنیا
چین شد.

* اسعیل شنگله و سکوت ...

شنگله از نمایشگردهای تانیا است
در آغاز رگشش با زبان نمایشنامه کسوف
را به صحنه آورد و پس از آن گرد اجزای
سایش در صحنه میگفت و نهاده بازی بر
چند پس پرداخت گشتی اینکه شنگله
و «واضی» رهبر سابق اداره تانیا با هم

بر خورده های داشت و این خود با پذیرش سکوت
شنگله بود ، توجه به تعبیر در کنار
رهبری تانیا ، مداریکه شنگله فغانیسی
باز را شروع کند سکوت یک تصمیمگیر
تانیا ، باسی فراوان بنام می آورد .





● سینمای جنگ ، بزرگان سینمای جهان را بخدمت فراخوانده است

همه ستارگان به جنگ می

● میلیونها دلار برای جان بخشیدن به صحنه های جنگی خرج شده است

تربوی جنگ حی باشت بیدار شدن «ص» در رنج سینماگران شد. با رهبر نوبه های قابل تاملش، می توان «ویبور» سیکارادار بود که شاهکارهای فراوانی آفرید است. با موزیگان و بازمیان رفتن - یا کمتر شدن - سایر جنگ، قدر خلاقه اش تحلیل رفت تا اینکه در «آخرین سفر» نانهای از «دستگاه» بر چند انورتورالینب. در خود نشانست.

جنگ جهانی دوم، دلیل دیگری هم برای بزرگ شدن داشت؛ وجود انجمنی با نام «هیتلر» که بسیاری یوانه ای بودند. او که جهانی را سازی گرفت، با تنها خود روزی بسیاری ارفیضا شد. تنها خود گردید تا در انقب فیلمهای جنگی، باک رقیبه به آلمان زمان جنگ ارنسناط یاند.

شاید اگر غوغای هیتلر و آلمان زمان جنگ نبود، ایمنه فیلم از جنگ جهانی دوم ساخته نمی شد. ایمنه ای که در اکثر فیلمهای جنگی، برای بیان رشادتها و خلق هیجان، شاهد نبرد بین یک کشور با آلمان هستند که - تنوعاً - ستافت به مغلوب شدن آلمانیا می انجامد. البته اغلب این فیلمها باخاند «عرق ملی» سازندگانش، تحریف شده و کجایه یزدانت شده اند. با این جهت، قادیمنی توان گفت کتابت کتب و مغلوب کردن در زمینه فیلمهای واقع گرا نفعناط ترابط انحصاری سیاسی بسیار اندک است. تنها راهی شرق اروپا هستند که پرداختن باخاند، رناییشی را این گونه فیلمها نشان، دور از مضمون خنده آفرین و هجاسازی

است. در سینمای اروپای غربی، رفیو کثیری از فیلمها نشان، بر محور جنگ دور می زند که در این میان، تا این جهت در اصنام، بیشتر مدظ است. با این جهت انقب فیلمهای جنگی آنها، بیرون از جنگ جهانی داخلی، نظیر جنگهای ایتالیا، آمریکا، جنگهای داخلی اسپانیا و بیسر جنگهای معروف بین دو کشور مائوئوتورالینب. جنگ کره و نظایر آن نیز به سینما کینه شده است. هوز هم بهترین منبع سندی سینمای جنگ، جنگ جهانی دوم است. از این گنیم که سینمای جنگ بیشتر در این حادثه سازی و خلق هیجان است. در این رو - سینماگران، کنگر را به ندرت وقایع بر حادثه های جنگ جهانی دوم ساینده و دیگران، وقایع را ناچستی هیجان خنده، برکت کرده اند اما رقم فیلمهای کانه از سینمای از جنگ جهانی دوم ساینده، بدون آنکه حوادث وقوع باقی را بازسازی کنند بسیار زیاد است. فیلمهای کسفا جنگ را نشانده اما ماجرا کفا ساخته و پرداخته نمی سینماگران بودند. بیشتر «فیلم» پرداخته اند.

□ «فرانسوی فوردا کاپولا»، «رهبر» آن بارون»، «جاناروس» و «سایرین» به سینماگران اریسماگران نامی هستند که به تاریکی ماهه گرفتن از جنگ، در حال ساختن فیلمهای در این زمینه اند و نسای آنها با تکرار گرفتن با رنگرین سرنگ، می کشند انصار این سینما را به آن ساد گردانند انتیاری که ساها از دسترس

کوریات، «جورج اندروز» نویی چارلس جون، «شاهراه و گدای ریچارد لیتلر...» □ «سینمای جنگ» بیشترین دستمای هاش را از جنگ جهانی دوم گرفته است. تعداد فیلمهای نیمه از جنگ جهانی اول، بسیار اندک است و این مختلط نوربورین قلمبندی زمان، زمان زمانی می گردد و اطمینان دارد اما اختصار سینمای غرب و پشت از اسازی، در دسترس که امکان کرد هاش را از «جنگ و دراز» بکشد. «ویور» در انقب، مدنی مغربوش سرنده و پرداختن جنگ، مختلط مغربوش بودن، سینماگران را از اطاق برانده کرد. حتی آنکه سینمای غربی، بسیاری از شاهکارهای را بدون «جنگ و دراز» جنگی است و سینمای گندی نیز، روفوشی مختلط از در میان فیلمهای جنگی صحنه می کشد.

اما ایست، گوی نیسیان را کاید سینمای مختصر غرب نموده شده و رخی دوباره به آن چندین دست، مسوقست فیلمهای همچون «جنگ»، «بدرخواست»، «آسمان خنجر»، «کوه»، «نجات برناه گداری» - با رنگ - روی فیلمهای پرخرج و نسای کسودان طاق خاندوز، را به حواسشان باز گردانیدند.

فیلمهای پرخرج در چند سال اخیر، از جانب دیگران باورده شد که نشان از صاف برناه گداری است. موج دور می زند اما ایست چنین نیست. موج از هر جهت، «پرخوش پیش می آید» و در انقی سینما، با دیگر ترهای را کازی فیلمهای با مضمون «عشق» شده اند و در انقی نیز در زمان، «بار و کینون» انسانی

□ «تورکالیم ایتالیا»، «سینمای مستقیم جنگ جهانی دوم و انگلیس صحنه های مردم ایتالیای زمان جنگ - و پس از آن - در سینما بود». «ویور» و «سنگ» و «چهاره روانی» - از سردمداران معکس کسودان «اصحیح جنگ در دسترس باخاند» «ساز» دیگر، از بیرون مکتب تورکالیم بودند.

بارنگران فیلم «برد نهاره» رابرت واگنر -
کلیف رازسون - رابرت میچو - سوشیرو
میوه - هال هابروک - جیم کارنستری
فوندا و چارلتون هون .



□ سمت (چپ) جیم کارنستری، میانی کلایف رازسون و راست رابرت میچو -
آنتونی هاکیگر در فیلم «ایلی در دور دست»

روند!

یونانیان تا آوار سما برای رقیب شدن
مان ، پیاوستاند و ناپ «سرمه»
بودن را یکی از راهبانند .



□ فرانسس فورد کاپولا سازنده
نو «پرسونا»، فیلی درباری چان
وینام میارد ، آرناز و بوخ وینلان-
نمراد پاره‌ای ماجرا که می‌کوند از
نخبل برهبر کند .

این فیلم «اکون فاجه» ناپارده که
اقیاسی است از کراب «قلب تاریکی»
نوسای «جورف کرانه» - ساروی فیلم
کاپولا به اتفاق جان میلیوس سازنده
فیلمهای مشهوری همچون شیر و بانوی شیر
نوشه است .

کاپولا ، فیلیس را بر این برداری
برگینده و ناگروهی، اکون در آن کشور
به سربرد از بانک مالیش ، مسلمان
همه‌ای فیلم در فیلیس آغاز شده و طس
بر آورد انجام شده ، هرندی فلسفه را
نورانه میسون نازر تخمین زنده است
بیشک ، نامشکالی کینه زارگی پیش آمده
است . این مغلزایش خواهد یافت .
نخست قرار بود «اسنوبک کولین»
نشان اول را بازی کند اما او به میلودن
سینرد جوانی که موافقت نند ولسی
سوزان کبابی مصرا حواسار شرکت
اوند فیلم بودند از این روی یکی از نشهای
دیگر را با او نشانند کردند تا ستمرد
در نمایش «فیلم» همان‌گونه بار اول
گفته بود بهان جهت نشی او به مارون
راندو میول شد ، این ، برای کاپولا که
فرد در پرسونا به باراندو همکاری داشته
است ، را میسر بود ، بجزو ، مارلین تین و
رابرت نیول لیزر «اکون فاجه» شرکت
دارند و نا همه‌ی کویتن مقدمان ، فیلم‌داری
بیش از دوام به‌قول خواهد انجامید .
«رهبان آن روی ندرت ماجرای جنگی
بین آمریکا و آلمان را در زمان ۱۹۴۴ ،
جولی وولین میبرد آن‌بارو پیش از این ،
بیشر ناموان یک بازیگر خوب ، آواره



□ تصویری از فیلم «ایلی در دور دست»



□ مایکل کین در «عقاب به زمین نشسته»
هر رانگر ، نشی کوتاه در انداخت و
برنگ پلی در دورست نیز می‌واند نشی
در عور برای نام بازیگرانش داشته باشد
و آنها هم هرک در گونه‌های طغر می‌نود .
«عقاب با زمین نشسته» نیز کیش ازان
را پس از «ایستگاه زرهه بار دیگر شهری
جنگ حوی دانستد ووقف باستان ،
یک گروه کماندوی آلمانی و استندون
چریکل هند که نعلل آرام آخسر

□ نامی از فیلم «برد نیمه راه»
و لیاوولس ، جورای اوین همه کشنده
سروشاس ، باصرف هرندی بسیار ، این فیلم
را که با اکون در هند ، فیلم‌داری می‌نود ،
همه می‌کند ساروی این فیلم را که
«ایلی در دورست» نامدار ، و لیام کینس
رایان کانی از کرلیوس رایسان نوشته
ایلی در دورست با بهمه سازش ،
با اختیار آلمانا بنیاد دولیلم طولانی
روز و «آپارینس میسوده» می‌اندزیرا
این دولیزر فیلمهای پر شمارای بودند که

□ صدای از فیلم «اکون فاجه»
داشته و بازی درخشان در فیلم داستهای
ش - «اتفاق اسنوبک کولین» - هوزر
در خاطرها باقی‌مانده است . او این‌ساز
خیل سازگار برای جان بنشیند به گونه‌ای
از جک ، گردنود جمع آورده است ، به
نماها توجه کند که هر یک می‌وانند بار
موفقیت یک فیلم را بسوزش کنند : درک
نون
کاری ، الیوت گلد ، جین‌هاکن ، آنتونی
هاکیگر ، هارنی گروگر ، لانس بویز ،
رایان اولیول ، رابرت فورد و کاسینیلان

برنامه اول خام، برنامه دوم نیمه پز !!



خیلی خواننده کم داشتیم، حالا
دارند جدیدش را هم برایشان
تزیین می کنند! ؟

□ اولین برنامه استودیو یازده، در دو جمعیت و
دومین آن در جمع قبل پیش که یک چیز را نام کرد.
اینکه ما واقعا به خوانندگان برای احتیاج داریم که
برعکس جدیدهای قدیم، خیلی هم سروبان داره شد
و آیم در درسته درسته فورتم میبندد !!
مظوم دوشیزه «فهرسه» بسیار جالب و موهوم بود
است که بجای هرگونه خوانندگی، پارازیت های بی ربط
و بجزیه تحویل میبندد و لابد خیلی هم نویز میبندد که
جلوی دوربین تلوزیون زبانشان بند نیامده است!
اولین قسمت برنامه استودیو یازده، جناب براماف
های جشن مدارس در روزهای تعطیل هم ابتدائی تر و
خالی تر بود. عنایا خوانندگی نوجوان هم زیاده نو
جوان بودند و می دانیم که سالهاست می خوانند و چون
چیزی نشده اند. کوئی این برنامه در خدمت لایه کمین
بقیه در صفحه ۳۵

عرض دارم

صادق عبداللہی

داود رشیدی مسئول سریالها و تئاترها ...
محمد تقی سی مسئول شوها و مسابقات و غیره و غیره ...

مسابقه ای بی ادعا، مردان شش میلیون دلاری با محتوایی ملموس ...



است، پس لابد بهترین طرح که طرحی با این بود
دارد، بهترین خوبی هم می تواند باشد،
لابد باید یک نمونه ساده معلوم نوجوان
مردم جالب است. ولی ابتکار اینکند
یعنی صرف نمیکند! پس هیرو پست
شش عدد بسیار تازه و مهم در خدمت
بودند! آفتوت مثل سریال شکست
هره قسمت را قاطع میکند تا سگر
داختن یک قسمت حاصل نبود!
واقعا که تصویب کردن طرح اینها
سریال نان و آبدار، خیلی هفت میبندد
و حیثیت کاری، راستی آقای رشیدی!
یاران (۱) اینها ساریو را چه جور می
خواند!



□ در اینکه اخیرا تولید تلوزیون
و واحد نمایش بخشش تکالی دانشجویش
پاره شده شکی نیست و بیاد است که هر کسی
باز فرقه طرح سریال پانز باستان گرفته
دشش و رفته بدرنگه، جانش بر آورده
شده و امیدش نامید نشده است. البته این
هم جای خوشحالی دارد و هم جای نگرانی!
بر حال دارند ثابت میکنند که میخوانند
با استعدادی نوشته، میدان عرض اندام
بشد و جای نگارنی دارد از این جهت که
کشف بازار و فروش هم خودشان را عالی
بند جا کردند و ناخواهی بیسی چه کسی
میداند و چه کسی نمیداند. ناگهان بیسی
که سریال سگ عیار تخت اوسترو پوزیک
و نهرن شیراز از کتکول و باقی قضایا رفته
روی آنتن و ناخواهی سسی تازه کسی می
بسی که اول مثل توتوه و دو و نهره ها و
استودیوهای بارنه و دو و نهره ها و ... با هنرمند
و فریضه و نهره و داناگ، دارند از سرو
کولف بالا میروند و روتک نوی کسبست
میگرداند!
اگر تا چند ماه پیش سریال جدیدی
داشتیم، این هم را داشتیم که شها چه

□ متأسفانه در تلوزیون آستدر
برنامه های بی شانسانه دیدیم که دیگر
قسمت بطرف نوشتن برای یک برنامه خوب،
سختی پیش میروند!
یکی دو قسمت از این مسابقه پیش
شده است. اجرائی نمیزد دارد که اگر چه
خیلی هم حرفهای نیست، ولی مثل و شش
ندارد و راحت و آسوده حرکت میکند.
گویا در حوالی ساعت شش و نیم، هفت
روزهای یکشنبه از شبکه سرتاسری پیش
میروند. یک قسمت را دیدیم. سوزه این
مسابقه در حالیکه بطور کلی تاریکی ندارد
و قبلا نوشته های فوخر بر پیشانی شده، ولی
حالا که بطور مستقیم و در مقابل پیش برنامه
ترجمه میبندد، بهتر از نوشته های نامت
رشدن خیلی است. گویا نوشته های نامت
حالا که حرفهای خوبی دارد و بداند
میخواند قسمت میبندد و میبازان را که نو
ترتک گنده (دو و نهره) میبندد بودند
و دو شرکت کننده دیگر (مادر و دختر)
میبازان و قرار بود که میبازان سسی کند.
میبندد را داناگ و میبندد هم سسی کند!
در مورد البته بخورنی که هیچکند داناگور
نمود.
شرکت کنندگان در مسابقه حساب
بازی کردند و زوری خیلی از بازیگران
حرفه ای رسانید نمودند!
چرا این مسابقه خوانندگی را در
وقت بهترین پیش نمیکند؟ اگر در مسابقه
وقت دور افتاده که اغلب به جای تلوزیون
بقیه در صفحه ۳۶

عرض دارم!

صادق عبداللہی

در باره قطعه‌های کوتاه «کشول» از تلویزیون اصفهان: فکر نمی‌کنم اصفهانیها اینقدر بی‌مزه باشند!!

آسمانی هرمنسز و اهل کارنر از بازیگران کشول پیدا نشود، چون کاش بهتر از این جو کھا بافت می‌گردد!

بدنل ارجام بند و حسن هرمنسز... اینست چشمان به جلال کشولیان محترم روشن که زنده روی بست مربوطه و لطمه های سرفت نمدشان! حال آدم بهم میخورد از نشانای آن قسمتی که آن جوگ لنگ مال شده آواز خواندن و صدای سگه حسابیه را می‌گفت و حلقشان رانگد کرد، چند شب

● تازه تازه از اثر برنامه مربوطه خلاص شده بودیم که شکوه افتابیهایی دوستان اسمعیلی از راه رسید و محل آسایش شد!

«کشول» عواض برنامه‌های کوتاهی است که جو کھای تکراری را از غز سبختین حالت منگه و سرپالش های جاندار را برده‌اند در حالی که جو کھانگانز میندھا آبا تلویزیون اسمهان پس از سالها اهن و لولوپ، نامکارش همین است و سر اسمهان.

فین سرپالش «ملاصلا» را تصویر کرده... شکوه زنده بر هر چه سرپالش است... چند تری تری کوچکی ندوا می‌کنند و جاب ملا... لاجاش را بنوش می‌گیره که پروانه نسبه سرز بیازورد که با اندام بدون لاجا برمی‌گردد و میگویند ندوا برسر لاجاش بود!!

حنا که «ملاصلا» را «ملاصلا» را می‌خواند کسی که نشانگر را ملاصلا را «ملاصلا» را می‌خواند و هر بختی را باخش می‌بندد!

در باره شوی «پنجره‌ها» ساخته‌ی بردان شیروان یگی مخلوطی قاراشمیش از برنامه‌های سابق تلویزیون!



توضیح:

شاعر میگوید یک سوز بخودت بزنی و یک جوالتوز بدیگران، حالاننده در باره برنامه‌های که خودم هم یکی از نویسندگانش بودم، عرض‌هایی دارم!؟

مژده!

● به اطلاع کلیه سرورانی که در این صفحات (از سرویفله) مخابری به تن ساختن هایشان ماییده شده، می‌رسانم که در هستی آینده خبر بسیار بسیار دلچسپی برایشان دارم که توصیه می‌کنم حتماً آنرا مطالعه فرمایند و لذت ببرند و برجان ما دنا فرمایند!

توضیح و پوزش

● در چندین هفته قبل بنده ضمن یکی از مطالب نوشته بونم که کارگردان فی برنامهای که پرویز شایان ساخته بود، نشانی نقاشی اظهار داشته و بدیناقل فری که بایدند گمانته بود، سر فرار حاضر نشدند و دوا می‌عرفی کرده بود.

ضمن ملاقاتی اتفاقی که با آقای «نامبر» داشتیم، دانستم که نقشی از جانب ایشان نبوده و بدیناست که شخص دیگری بنا بهاسیانی (1) تلقین کرده بود!

بناتاری لازم میدادم ضمن توضیح این مطلب، اگر بهوا ایرادیتی وجتجستش آقای دوا می (که تلقین نکرده بودند) گردیده، از ایشان بپوش خودم و شفقت کسی را که خودشان را بجای ایشان معرفی کرده بودند، ستایش نمایم!!

(البته حالا بدیناست که تلقین از طرف چه شخص بوده است؟)

هم نبودیم... خانم گیتی فوق‌العاده خوب می‌خواند... سلی بد نمی‌خواند... ای خوب می‌خواند... ولی آیا ترانه‌هایی که از این خوانندگان برای «شوه» انتخاب شده بود، مناسبیت داشت و مطولانی بودند آنها، حوصلای نشانگر را سر نمانورد؟! راضی آن‌دو چندین تریزی که برچسب خوانند جدید برخواستن گوینده بود، کی بود که آینه آمد بود و به‌کجا میرفت... دو شب، فغانی نیدادم چی‌چی رفته (1) را می‌گویم! با آن خوانند با جوجو ما جوجش... اینا گویان به‌موجودها راجعند در لایزای خوانندگانم و رسیدارم آدم ثابت نمی‌کند و پوشش را نمی‌گیرد!! نباید بیرون نشستی «پنجره‌ها» کارهای رضیانی (ملاصلا را بدین) بود... قسمت اول

کبید... ناگهان دختر خرمشالم گفت: الان میگه باید منو موقع دیدار کردن ماچ کسی!!

این از تکراری بودن جوگ مرزور و اما میرسیم به پایان جوگ که آقاسی فکجه‌جان گفتن را سبب نگهدارن طرف گوگوش و چند تانبه به او نگاه کرد، که یخی اینا تلقین این جوگ باور نامم شد و باید بندهید!

● دو حجتی قبل با سلام و صلوات و در میان جوجی از آغوش‌های بی‌دیرپو روزگی، بالاخره شوی «پنجره‌ها» بعد از اخبار شب از شبکه سراسری تلویزیون پخش شد و داغ دلان را با بیاد آوردن برنامه‌های خوبی مثل «خارج از محدوده» و دوست دارم، دوست دارم تازه کرد... ما حاصل اینکه اگر برنامه هم بود، همان برنامه‌های قدیم و اگر تو هم بود... همان توهای سابق!

(یعنی ما که طرز ساختن جو کھان کوتاه را توسط حمید میرطهری دیدیم باید خیلی خوب باشیم که قبول می‌کنیم این محترم این جو کھای که کارنران خیلسی واردند)!!

تستیم که زبانی گفتند: ما برنامه‌ای جدید برای خوانندگان داریم و آنها را فضای بازی داریم و از فید دکور و کلبه‌ها بیرونشان آوردیم! آبا و احوال خوانند یک خوانند در میان چهار تا درخت و سف، کار تازمون اولی است... و آبا سالیسا قبل کار برنامه‌های موسیقی ایرانی یا فلا برنامه «نغمه‌ها» با چنین خوانندگانی آشنا شدیم!؟ یک ساعت و نیم در وقتان در چه حالی گشت!

در حالی که گرم نشانای چندین و چند ترانه‌های و کز کشولیم بدیناقل

فصل داکتری ندارم و بی‌جا نیست اگر نگویم بهر حال، شوی پنجره‌ها از برنامه‌های خوبه‌ها یعنی بهرانی بهتر بود و جاقاقل اینکه کم و بیش به نشانگر رفتن می‌آرید، اما اشکال کار در اینجاست که امروزه هر شب با یک خوانندگانی خوانند و چندین سارد، میزاد به صحرای گریلا دست سه دامن پسانندی برنامه‌های خوب قدیمی میشود... یعنی تا سرت را برگردانی، و یکپو می‌بینی که چندین و چند جوگ تکراری ججات را در لایزای یکدو سبب برنامه‌های مکرر در مکرر در مدت برایت پخش و پلا می‌کنند و اسمش را هم می‌گذارند «شوی جدید»!

بنول محض بودنالی طنز نویس محله‌ی ناخ: تا آقای فکجه‌جان به خانم گوگوش گفت حتماً در ساعت پنج صبح دیدار



يك ستاره آمریکائی در: تهران

● بدعوت خانه فیلم ایران «جین لتر» ستاره معروف سینمای آمریکای شرکت در يك فیلم ایرانی بتهران میاید...

از این دعوت کرد تا برای شرکت در يك فیلم ایرانی با ایران سفر کنند. جین لتر يك بعد از اتمام يك برنامه تئاتری و فیزیکی در ایالتیا متحول بازی در آریست در اوائل سال آینده بتهران سفر خواهد کرد. جین لتر که عضو سینمای هنری نیویورک است اینک ۳۲ ساله است. او متولد ۱۹۵۲ است و فارغ التحصیل دانشکده برام از هیوستون آمریکاست. وی بعد از اتمام تحصیل در سه دوره مختلف هنرپیشگی و نقش براس ایالت نیویورک - نیوجرسی و شیکاگو طی کرده است و آنگاه از سال قبلوزاره فعالیت های هنری شده است.

در زمینه تئاتری در پیس های معروفی چون سالومیت کت معمورگر - آنتیگن - بومب - برندا - سوزان - جون - آنا لاسکا ولیندا کریستی بازی داشته است. در تئاترهای خیابانی و دانشگاهی بیش از ۱۸ بار شرکت داشته و یکبار در نمایشنامه ای که در مراسم آمریکایرویی صحنه آمده شرکت کرده است.

هنگاری سینه ای را با اکتیپ لوسیان آثار و عنوان مستر تهیه و منیر هنرپیشگان فیلم انتخاب و متحول کار شد.

حالت است بدانند که در آمریکا اصولا شته کار بداند صورت که در کشور ما مطرح است. مطرح نیست. فردی که شغل علاقتند سینما و کارهای هنری بسازند حاضر است در فرزندهای کار کند. زیرا تجربه برای او بیشتر از بازی اهمیت است دارد. همین علت نیز یکی از کارگردانان تئاترهای نیویورک که در زمان اقامت اکتیپ ایرانی برنامه ای روی صحنه بوده بسیاری پیدا کردن محل های فیلم برداری گروه سازندگان ساخت ایران را بازی می کرد و برای خانه فیلم ایران کار می کرد.

در هر حال جین لتر با مدارا بودن کارنامه بازی در ۶ فیلم طولی سینمایی ۴ برنامه تلویزیونی و بیش از چهل برنامه تئاتری در مراسم آمریکا پذیرفته شده با خانه فیلم ایران همکاری نماید و در جریان این همکاری بود که اظهار علاقه کرده برای بازی با ایران شرکت در همین علت علی مرتضوی

از تئاترهای برادوی اینک تبدیل به نمایشنامه سازگان برادوی از محبوبیت بسیار برخوردار بوده و سعی از آنان چون جولی اندروز سینما کشیده می شوند و گروهی چون میزیولندز - جون لیسون - جین سلست - جین براون بازی گرفته اند. همین طست است که در نیویورک گروه بازیگران سینما و تلویزیون از حد اعز و شهرت است و در بسیاری موارد کار انجام است که بسیاری از بازیگران کوچک - بیش از ۱۰ بازیگر وجود دارند. آنها بازیگرانی که در کارنامه فعالیت های آنها نقش در فیلم های معروف وجود ندارند. برای مثال بسیاری از افرادی که در فیلم داستان ایران بازی داشته اند، و اما بازیگرانی که در فیلم های بزرگی چون پسر خوانده و پسر خوانده دوم و سیا زندگی سگی بوده اند.

در هر حال در میان فیلم بازیگرانی که خانه فیلم ایران مراجعه بودند، جیمز - جین - لور - بنتن - ارمه - جیمز - جیمز - ارنه وی توانست نقش نصرت زن فیلم «ساعت ایران» را بر عهده گیرد. مهلا

□ در طول اقامت علی مرتضوی در نیویورک کمپنطور تهیه فیلم ساعت ایران رفت بود. بسیاری از بازیگران برضای نیویورکی طی آگهی گذار طرف خانه فیلم ایران در جرارد نیویورک تئاتر رفت پیشگاه همکاری جهت بازی در فیلم دانه و سا برنامه بهتر خانه فیلم ایران از مشورت یک ماهه کشید ایرانی و اکتیپ هنرمندان آشنا شدند که بسیاری از آنان در نقش های بزرگ و کوچک فیلم مورد اشاره قرار گرفته و در فیلم شرکت کردند و گروهی دیگر که موفق بکسب نفی در فیلم شدند برای فیلم های آینده با فیلم ایران گفتند که می آیند.

از میان گروه سینمایی که بدختر فیلمان ایرانی مراجعه بودند، پوند بازیگرانی که از معروفیت چندانی برخوردار بودند در فیلم های متعدد ظاهر شدند. جولی کتی اینک ملاز - رجا نیویورک که با صنعت سینمای نیایضاب میاید نیویورک مرکز فعالیت بسیار شدیدی در زمینه سینما، تئاتر و تلویزیون است و آنگاه بسیاری



Jeanne Latter





ستاره سینما

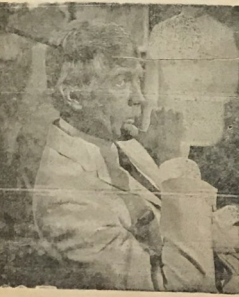






جیمز کاربن :

خشونت ظاهر، مهربانی پنهان...!



از وقتی که غوغای افسانه‌ای «لیسا» محور فر و لیرسک سازمان ضد جاسوسی غرب در دنیا ایجاد، چهره‌ی باره‌ای به سالن‌های پر و برهنه‌سینمای نیویورک و جلاکی جیمزبند را نا مدهشیا و جلاکی جلاکی حویث در راه بود. این مأمور کسی جز جیمز کاربن بازیگر مینال و افسانه‌ی آمریکایی بود، که هر جا پا می‌گذاشت آنجا می‌شد، لعنت‌های میلیونرها می‌ریخت. کاربن خیلی زود متوجهی یکسواختی و کمال دانمی این نقش شد، و قبل از اینکه در وجود او این نقش نشست بود، از لاک تکراری خود بیرون جزید و راه ناره‌ای در سینما برای خود گشود. نشانگر سینمای غرب (المخصوص) به این دردهمستی مسلما بوده که در انتخاب بازیگر محبوب و مورد علاقه، همواره جاذبه‌های شخصی او را مدافعی نظر داشته، و محور زیبایی‌های صوری وی بوده. جیمز کاربن نیز همیشه‌بار این اصل روگردان بوده است که اگر در سینمای غربی صاحب اعتباری نکته و مثال و جایزه‌های خاطر بازی در هیچ‌یک از فیلمهایش دریافت نکرده، لاف‌های از پشتیبانی نشانگر حرفه‌ای سینما روگردان بوده، چون صاحب نام آن حسیاس وویز گهای پک بازیگر هه فن حرفی بوده است، تا آنجا که از چتر حمایت سام یکنی پا در فیلم «سرگردانی» نیز بر خوردار می‌شود. و در دوره‌ی بازیگر پر قدرت «چارلتون هسطن» هر نمای می‌کند. جیمز کاربن در فیلم فر از بزرگ (جان استورجن)، مفری برای بازی در یکی از سرخوش‌ساز ترین فیلم‌هایش می‌یابد. استار او در لیس پک زمانی آمریکایی می‌خزد که رنده از سلول نازیها فر می‌کند و نشانگر را با حرکات مجرب اغتول خود سرگرم می‌سازد.

این فیلم مددعی ورود کاربن را به سینما متوع تری فراهم آورد، که حاشیای آثار کمکی است چون: «در جنگ چه کردی پدر؟» «چاه شماره سه»، «کنتی» و «سرویند رفیق» در جنگ چه کردی پدر؟ کاربن توری بود از پیش‌جبهه‌ی جنگ نوم جهانی و از ورود سر باران آمریکایی در ایتالیا. این فیلم را بلک اند وایز کنتینسار خوش فریحتی آمریکایی ساخته بود، و جیمز کاربن در آن در هات یکی از سر بازار خوشگنبران و بی‌خیال آمریکایی ظاهر می‌شود. که در جواب دخترش که بعدها از او می‌پرسد در جنگ چه کرده‌است؟ لال‌بوی می‌گردد!

«چاه شماره سه» قب‌باک‌سوز کسک را برای کاربن خلق کرد، و کاربن نیز الحق با آن باهای بلندش

■ آقای کاربن یک سؤال
بقیه در صفحه ۷۲

شنگ نتهی شیرینی ارائه می‌داد. «کنتی» پک کنتی روانشاه و آغشته از مگر بود، که دهیای و رویاهای پک دختر محصل را در سر می‌گرفت، و در یکی از «پاره‌های فیلم جیمز کاربن در نقش پرشوری ظاهر می‌شد که در رویای دخترک بناگاه در پوست کودکهای خود می‌خلد و بازی ناره‌ای از فروجانومی افرید. و اما «سرویند رفیق» نقش بازیگر لندی اهل شکار را برای جیمز کاربن به ارمغان می‌آورد. پک لندی باغوش وریزک که در هر برخورد دنیای شرمخورد می‌کند و وجودش در پک آب خوردن، مایه‌ی نمای حواصت فیلم است.

جیمز کاربن بازیگری از برای پذیرد فیلم «سر دلبراه» فراقت حاصل کرده‌است. وی در این فیلم با بازیگران نراز اولی چون: چارلتون هسطن، هری فوندا، گلن فورد، توشیرو مینوه، رابرت میچام، کلدیبر نونو و رابرت واکس مبارزی است، این فیلم که به حواصت جنگ می‌پردازد چهره‌ی غی‌السویه از کاربن ساخته است، و آن چهره‌ی پک مرد جنگی و مفران است. فراموش نکنیم که کاربن همواره در طول بازیگری‌اش دو چهره داشته‌است، اول چهره‌ی کیمیک لوئیدی او در فیلم‌های چون: در جنگ چه کردی پدر؟، «سرویند رفیق» و دوم چهره‌ی دیگر او که در خلال آثاری چون سرگردانی و تا حدودی فیلم «روان شناسی رئیس جمهور» شاهد بوده‌ایم.

جیمز کاربن اینک در سن چهل سالگی به نیز جنگی و فیرایی روزهای جوانی، در میدان سینما ترکتاری می‌کند، حرف می‌زند، گویی می‌خواهد ثابت کند که توانایی قدرت سابق هنوز در رگ و پی او حوالان می‌دهد.

■ کاربن طی آخرین نشست خود با یکی از خبرنگاران مجلات سینمایی آمریکا، نقطه نظرهای خود را راجع به سینمای دنیروز و امروز دنیا اینگونه بیان می‌دارد:

سینمای دنیروز، سینمای هالیوود بود، که با آثار با شکوه و عظیم خود، غولهای بزرگ و سوپر استاری تحویل سینما داد. این غولها و جبهه‌ی بین‌المللی خود را بواسطه‌ی بازی در فیلمهای تاریخی و حادثه‌ای بدست آوردند. سینمای امروز بناو قسم است، اول سینمای که دنباله‌ی هسان سینمای هالیوود است، و به روخوانی طغالی شبیه است. و دیگر موج نوی سینمایی که مثل مهر بارنکی راه خود را در کنار این روخوانی می‌زود.

از چهره‌های خواننده . چندبار خودش گفت که دیگر مباحث نخواهد شد ! نام آن‌فول و فرادانگ چندی برقرار بود . سار وشی از استای و عدم پذیرش حساسه مسالمت‌آمیز ، مطلق گرم لوح برخطوام مجرد و باوعده و وعده‌های بسیار مرا مباح می‌کرد . دلش از دست خانم حسون بود . نمی‌بود که در تمام سال زندگی زانویشان ، هرگز با او این چنین رفتار ننماید .

هدایای بسیار برایم می‌بخرد گاهی - راستی از آنها استفاده کنم . چندبار زسرت به خواندندم که در آن مقداری جواهرات گزینا قرار داشت . اما به نتیجه و بلا استفاده منتهی نگردانم . در چه سنجی برمی‌آمد . کارها آوردم . آقاغضد بود که بالاخره روش خانم همینطور اداه داشته‌باشد . از او جدا شده و زندگی را با من بطور واقع ادا خواهد داد .

پاک شد از آقاخوانم که سعی کند مایه پندار پیشو بیاید . خیلی ناراحت شد مگر فرو رفت و خودش را با تمام زور و مکتش بدیخ جس کرد . باو گفتم که نزد خانم خواهم رفت و وسایلت را بکنم که است باوی استا باشد . پذیرفت . من گفتم اگر برای تو می‌مانم و آگسر جابرم سعی و پیشم را فدایت کنم . باین دلیل است که دوست دارم . اما خانم دیگری آن حس را می‌بست . کوچکترین استای من ندارد و حتی گاهی از نگاهش سسرت را میخوانم !

تصمیم گرفتم برای راحتی و جان خودم ، بدون اینکه آفاینبدم ، باخانم صحبت کنم و طوری بهر آقا قرار داد دلش جاسی بدم که سابق جای داشت .

پاک شد آقا برای سرگشتی به‌مزارع و مستطالاش ، بخانه نمی‌آمد . من چیسری گفتم و خانم فقط گفت که موافق خودش باشد !

آتش هردو ، من و خانم خیال‌سازان راحت بود . من از اینکه مزاحم نخواهند شدو حاضر اینکه وجودش را در اتاق کنار ناخن حس نخواهد کرد . بعد از صرف ناه ، خانم از راه خشکی بسیار گردو من گفت که باید زودتر بخواند . در اتاق رفت و در راهی خودش شد ، باکف خدمتکار پیر . من شام را جمع گردیدم و آرام و بیصدا هرات باقی خواندم رفتم .

دوی نخت دراز کشیدم ، در تاریکی اتاق ، زندگی خلیفلم سینما از دهم می‌گشت . دوربین پند و مادرش ننگ شده بود آنها را آن‌گرددوبه بسیار اینکه آروشان دارم درخونم ، دیگر سرانی از من نمی‌گرفتند . آنکه می‌دانستم که نامدم ، شب‌روز تنگسرت من خواهد بود و چون پسر مرد خدمتکار که از افوازم نامدم بود ، گاهی بد می‌رفتند و هجران من و هجران آنها را بیان خبر می‌آورد . کسرت زندگی می‌کردم . در ضمن هرگز سز میل بازگفت بد را ندانستم . جسم گشته ، همیشه برایم زجر آرز بود است . آتش هم بخاطر اینکه از گشته جدا نمود ، از نعت پلین آمدم ، چراغ را روشن کردو

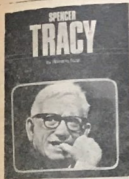


مخواست داد میزد ، بهانه می‌گرفت و هر چه که بدستم می‌رسید می‌گسخت . تصمیم گرفتم نزد خانم رفتم و بیدارش کنم ، باو بگویم که ناراحتی و بیخوابی منطقتی کارش بچه در سینه ۳۳

دکتر گشته بوده که از چهار ماهگی باید از تحصیل دست‌نویسم و اگر بخوانم اداه‌دهد ، باید موزول بعد از زایمان نمایم . حوصله‌ام بر سرده بود . خواب بچشم‌ام نمی‌آمد و حالتی غمناک داشتم . دلم بود سعی می‌کردم کسی از حاشیه‌ها آگاه‌نشد .

اسپنسر تریسی

ترجمه و تنظیم: مصطفی گل آور



کوچک رانفته بود. نایتکه بالاخره طی واقعه ای، پک ماهی بزرگ و سنگین در اسیر قلاب ماهیگیرانش میبود. او با تلاش فراوان سعی کند ماهی را بافتن هرچه بیشتر از آب بیرون نکند. اما در آخرین لحظات ناموفقش تلاش او نقش بر آب میشود و کوسهای خشمگین باحالت خشمگین خود ماهی بزرگ، نیتابه رینه از زواری ماهیگیر بیروقیتر میزدند. آن ماهی بزرگ، بحر اسکناس میبوی گشت و محقر، چیزی باقی نمیگذاشت. فیلم مرد بیرونی بالاخره پس از دو سال تلاش پیگیر اهداء اسودوسی برادران وارنر با مخارجی معادل شش میلیون دلار و نامی ۸۶ دقیقه آماده نمایش شد.

فیلم مرد بیرونی در نمایش عمومی موفقیتی دست نیامد و از لحاظ تجاری با شکستی وحشتناک روبرو گردید. اما برای درخشندگی اسپنسر تریسی در نقش ماهیگیر فقیر کوبالی، سخت مورد توجه منتقدین و صاحب نظران محافل سینمایی هالیوود قرار گرفت و اسپنسر تریسی برای ششبار نامزد دریافت جایزه اسکار گردید. دنبال نمایش ناموفق فیلم خوب مرد بیرونی دریا، اسپنسر تریسی مجدد توسط «جان فورد» به همکاری دعوت شد.



□ زندگی برجسته و جوش اسپنسر تریسی سرشار از لحظات فراموش نشدنی بوده است.....



تریسی و عشق جاودانی زندگی اش کاترین هیون



□ تریسی در یکی دیگر از فیلمهای با نام کارل کینگ

توسط اسودوسی پارلمونت، کمپانی برادران وارنر بالاخره ساروی فیلم مرد بیرونی دریا، نوشته ارست هیسگوی رابری فیلمبرداری آماده کرد و برای نقش اول این فیلم اسپنسر تریسی را به همکاری دعوت کرد.

در سال ۱۹۵۶ فیلمبرداری فیلم مرد بیرونی دریا در «کوبه» آغاز شد. لیکن بهت بدی آبوهوا و مساعد نبودن شرایط، ادامه فیلمبرداری ممکن نشد و در نتیجه، کتبه وسایل و دکورهای فیلم را اجاراً به محل اسودوسی برادران وارنر منتقل کردند و قرار شد که برای ادامه فیلمبرداری، دریاچه ای مصنوعی با ظرفیت شصت میلیون لیتر آب در اسودوسی ساخته شود.

اسپنسر تریسی تا آماده شدن دریاچه مصنوعی مورد نظر، وقت زیادی داشت و میبایست به کارهای دیگر خود برسد. به همین دلیل نیز ساروی را که کارل کینگ بیرونه اویسهاذ کرده بود پذیرفت و هر دو به اتفاق، این فیلمبرداری سال ۱۹۵۷ برای اسودوسی فوکس فونیشن سازی کردند و بلافاصله پس از پایان گرفتن فیلم مورد نظر، اسپنسر تریسی مجدداً به اسودوسی برادران وارنر جهت ادامه فیلمبرداری فیلم مرد بیرونی دریا مراجعت کرد.

داستان مرد بیرونی دریا اثر نویسندهور آمریکائی ارست هیسگوی، داستان یک ماهیگیر فقیر کوبالی بود که ماهیهای جدید ناشی از دامادختن حتی یک ماهی

انته اسپنسر تریسی بهتاً پس در سال ۱۹۶۳ در یک فیلم دیگر از همین کمپانی بازی کرد. فیلم با نام کوبه غرب سحر شد.

در همین اوقات (سال ۱۹۵۵) اسپنسر تریسی با پیشنهادی از طرف کمپانی پارلمونت روبرو شد که برای اجرای شرکت در فیلمی با نام کوهستان، دعوت کردند که اسپنسر تریسی با مقامات فراوان، ساروی فیلم کوهستان را پسندد و پیشنهاد کمپانی پارلمونت پاسخ دادند و خود را برای بازی در این فیلم آماده کرد.

اسپنسر تریسی بعد از پایان رساندن آخرین فیلم خود در اسودوسی متروکدین مایر و نام شد مدت افراد را با اسودوسی مزبور، پیشنهاد بازی در فیلم بعدی را بهت دعوت ساروی پذیرفت و نامت مندین با این اسودوسی قرارداد دیگری منعقد ساخت.

او در این زمان پنجاه و پنج سال داشت و فارغ از هر تعهدی لقب اوقات به عنوان دست سارویهای مختلف میزداد. در واقع زمان استراحت او روبرو میبایست بدون ششبه خاطر آنگونه که میل داشت زندگی کند و در نهایت آسایش و آرامش بسربرد.

اسپنسر تریسی در این اوقات یک مورخ بسیار محبوب و مورد توجه بود و برای شرکت در هر فیلمی، دستمزدی معادل سصد هزار دلار و پورسانتی از مبالغ فروش فیلم دریافت می کرد. این پول، پول هنگمن بود که می توانست تاثیرترین زندگیها را برای این بازیگر پرباشه میسافراهم آورد و واقعاً که اسپنسر نیز خوبی از این موقعیت استفاده کرد و وسایل آسایش و رفاه زن و فرزندان خود را در بالاترین سطح ممکن فراهم آورد. و در کارنامه ای این واقع مانع، زندگی خانگانه او با کاترین هیون همچنان ادامه داشت و هر روز که میگذشت، رشتهای این عشق جاودانی میان دو دامادار صادق، محکمتر میشد و اتفاق پر از شوکه و رمز را در فضای راز کار پیکار میگرداند.

او در این زمان نام سارویهای پیشنهادی را بدون استتکاء مردود میگرد و گوی دیگر هرگز قصد شرکت در فیلمی را نداشت.

پس او «جان تریسی» در این ایام فارغالتحصیل کالج شده بود و در اسودوسی و اندرسنی برای فیلمهای کارل کینگ نقاشی می کرد.

«تولی تریسی» دختر اسپنسر تریسی نیز به کالج بروک میرفت و کاری نکار پدر عاشقانه داشت.

کلوت و کمکاری اسپنسر تریسی نوری ناپدید و بالاخره پس از چند ماهه مطالعه و بررسی، ساروی با نام «کوهستان» را که از طرف اسودوسی پارلمونت پیشنهاد شده بود، قبول کرد و در سال ۱۹۵۶ بعد از مدتی کاره گیری از سینما، در فیلم «کوهستان» به اتفاق رابرت واکر ظاهر شد.

تدلیل پایان رسیدن فیلمبرداری فیلم کوهستان



قسمت یست و دوم

«لحن کمندی در «دکتر استرجالو» به عنوان نوعی برد هوشی برای بیان نقطه نظر های سیاسی فیلساز بکار رفته بود.

«کندی» کمندی ای بود که در کلیت بی هوشی نوعی هدف نائل می آمد!

«جایزه ۳۵۰ میلیون دلاری» یک کمندی با سوژه و پرداختی تازه.

سینمای کمندی به روایت استانی کوریک

«دکتر استرجالو» یا «چگونه می توان به ام و دوست داشت» ساخته استانی کوریک، یک آینه دیگری بحسن است درباره اشکل بروز جنگ بین دو اوربنت بزرگ جهان.

لحن کیمیک در این فیلم به عنوان دهنی پیش در آمدن هوایی برای بیان نقطه نظرهای سیاسی فیلساز و به عبارتی دیگر برآمده می بکار رفته بود. زیرا در نزد بسیاری از فیلسازان تئوری آمریکایی که قصد پرستری و حشدار به مقامات مسئول دارانند، کمندی ساده ترین شیوهی

بیانی است که به سبج رمانی سورانه و سه کتاب را کوریک این زمینه را طی فیلم جولان رانه، به نحوی که احساس خود را بیان مطلب در یک فیلم هست. مثل صبر داشتن کاپیتان هوایسی جنگی با سب در صاف سخته نیراندازی کتل آمریکایی با مسلسل به درون صحر و مسحه های طولانی جروبحث درمیزگرد. فیلم در فضایی که افراد نوگروه متخاصم اشتهاها بخود می چسبند. شکل طنز آمیز متفکرانه ای در مدعت جاک بخود می گیرد.

«پیتسبرگ» در این فیلم در سه بخش - از جمله استرجالو - ظاهر می شود. و بازی روان و یکپارچه ای ارائه می دهد. و فیلم روایتی کمندی از استانی کوریک، فیلساز اهل فلسفه و هنر جلوی دیدمانگر می گذارد.

«کندی» و «جایزه ۳۵۰ میلیون دلاری» دو نمونه ای دیگر از کمندیهای مطرح آمریکایی بودند که شیوه های بیانی مسخر برهنه و خاص خویش داشتند.

آشنگی، یک کامپوزی دهنی فیلساز در «کندی» است. آشنگی ای به مثابه ای رویای یک دختر مجسمه آمریکایی با خصوصیات خاص «اوا اولین» اثر - مطالعه ای در نبعیات خروشان این دختر مجسمه است که به سبج و اقیانان شسته او در خابرو پراهین با نافرین سه دیوانی هم آغوش می شود، که نعرایش طایان افراوان دارد. با یرتک منهدون آشنای خود که یک بیمار را جلوی روی همه به پیوسته دعوت می کند، در حالیکه فضای کلیتیک او بی شایسته به ریتابوکس ریت است! و در بین بیمار نامی و اسائل برقی ارشمه بریس برا فیروز کردن رانوبو گرام قرار داده!

«بامرد دیگری آنتا می شود که هکدام معاشقه همدی مردودهای محض گرد آید» حلقه می زند و با کشاکش و واکنش زل زنده و به آنها نگاه می کند!

«در جایی دیگر» دختر خود را با یک مراض هندی می بیند که در پانچامین بزرگ معدی ساخته و طی یک پناه - به

فیلم در صفحه ۲۲



از: محمدجعفری (قسمت پانزدهم)

(۳) ناتورالیسم و غریزه

امیر نادری در ادامه شیوهی واقع گر اانه، تنگنا، سازدهنی و تنگسیر را ساخت ...



□ فنا و موسیقی «فانده احتجاب» در تقید جالت عصبی و هجانی فیلم تندبا موثر بوده است، نگاه کش در اشتیاق عناصر روی دیوار ارتشمیرها و طایفه های آفرینی تا شاهای گوزله و ادوات شکار که بخوبی در خدمت بیان غریزی فیلساز در آمده اند. و ایضا سیر تکوینات کالنا و حوسنی دغرانی که انگاری زیر می کند، و بهرمد های پشت را بر نره در می آورد. و این دلفناهان فنا و پیراونی است که در اصل کتاب «هوشک گشیرو» آمده، و حالا این رتته از انبیاء به نام مستقل شده.

«فراده» پیشکار شازده از شخصیت های دیگر فیلم است که فیلساز برای تریسه روحیه ای از طبیعت او مدد گرفته است. ظهور او در فیلم همواره با نوعی دلشوره همراه است، چون هر وقت سروهکلی او در فیلم ظاهر شود، عینش این است که کسی مرده با اتفاق سونی روی خواهد داد!

قران دیروز لاتی بر سجانده راحت کرد و عرش را داد بشما.

او قاصد مرگ است و از خدمت درد پایش - که در اثر تصادف در شکار شازده حاصل شده - رنج می برد، و برای همین پس از ایران هر خبر مرگ، در جنبه های نگران خاوهی زل می زند تا از آثار درد و شنگهای روحی وی کسب کند، و سنت آخر نیر این آتوب و آزار به نهایت می - گراید، چون ایسا «فرانه» خبر مرگ خود شازده را برای او می آورد!

و حالا این شازده است که با رامسیرد در پانچ هلیزیسه و پنج در بیج، نشی سونی روشایی می جوید. در حالیکه سگواره راهی به نور بندد.

و مراد آخرین جنبش های روی او این است که از پیدائش بیداری در او خبر می دهد. با تکسش فایه ای تنگ روی دیوار، بروز می دهد. گویا این تنها فعلی است که می تواند او را از سنت ناطوق آگاه معبود و نورش برهاند.

□ □ □ «امیر نادری» در ادامه شیوهی واقع گر اانه ای فیلم تنگنا، دو فیلم «ساز دهنی» و «تنگسیر» را می سازد، که هر دو از یک زبانی فوی رالیستی و شیوهی

بیانی طبیعت گر اانه برخوردارند. این طبیعت گرایی مربوط می شود به کشف حالات غریزی یک کودک ایلی بندریسی که در طی زمان حوق به بیداری درون آتوبوشش می شود، و با نوعی دریافت کودکانه، جنبه عناصری که حواسش را او وارنده پیام می کند.

فیلم در نظر وزن زبانی طبیعت گر اانه دارد، این نحوه کاندی و آرای خاصی شروع می شود و رفته رفته صحنه - گرد، تا اینکه در پایان با سبک حرکت تند انگاری منظر می شود. و این دقیقا در خدمت تریسه روحیه ای آدمی فیلم، که از نظروانی چنین وزن را می گرداند، در آمده است. اثر، با آتوبوشش منحنی بجهای بندری شروع می شود، کشای باره ایان یکی از بچههارا از خود طرد می کند. این تند انگاری منظر با ساردهنی روح و دهنی تکایک کودکان نمود می کند، و آنها را که ساردهنی منظر را کاندی - وارنده است، تحت اختیار خود در می آورد، و با کوهلی گرفتن از آنها و دریافت میوه شیرینی اجازت می دهد، نفس در ساردهنی بندد.

در غایت، کودکان تحت نمود ظالم کسین و اساتان را می کوند، و منظوم سیرین آنها، ساردهنی را که کسین استارشن و بندد در بمانی اندازد، و بدین ترتیب خود را از تر و سوسنی که امیرش ساخته رها می کند.

فیلم بیشتر روی احساس بسنداری کودک منظوم، نافرمانی صود به آگاهی تاکید می ورزد، و به شرایط ویژه طبی که به این طبیعت منح می پردازد.

تنگسیر فیلم هندی امیر نادری آلبانی است از روی گای همین نام نوشتاری «صانع چوبک» ویسندی ناتورالیستی بودی که فیلساز توانسته خود را از جاندسی دهنی نویسنده رها کند. انطالی (به معنی جریان تفریزی که از آرمسیر موجودات، خشن ترین موجودات را می سازد) اصول فیلم است. و مثل نادری در این فیلم بی اختیار مانگرا با فیلساز طبیعت گر اای آمریکایی «تام پکن» می اندازد. منسلا در «سگهای بونالی» آینی مطرح است.

فیلم در صفحه ۲۲



تصویری از فیلم «کانی»...



آناتومی

□□

ترجمه و تنظیم از: ایرج صابری

□□

سال بیست و هشتم ۱۹۵۶ جوایز اسکار برای سینمای ۱۹۵۵ ننوق ایتالیایی

□ شب بیست و یکم جوایز سال ۱۹۵۶ - فی که سینمای سال ۱۹۵۵ مورد تصویب آکادمی فرانسیسگرفت - در واقع در اختیار ایتالیاییها است و مشخص «مامامیا» که برای اظهار تعجب و شگفتی بکار میرود، تکیه تمام این مجلس میشود.

مارنی، فیلمی که خیلی ساده و کم خرج تهیه شده بود، از یک جوان صواب ایتالیایی که کمتر محله بروکلی نیویورک زندگی میکند و عاقل ظاهر نامشایی، عشق برای او متکشف شده بود. این فیلم با بازی چند بازیگر جوان - برین فیلم این شب چهارشنبه میشود.

جوایزی که نصیب «مارنی» میشود عبارتند از جایزه بهترین فیلم سال، جایزه بهترین آکترس (ارست بورگان) - جایزه بهترین ساریس سال (پای جاسکی) جایزه بهترین کارگردان سال (پولزان) سینمای ایتالیایی، آکترس پر انرژی سینمای ایتالیایی، بازی در اولین فیلم امریکائی خود یعنی بازیگر زن سال شناخته و برنده اسکار میشود.

هنگامی که این خبر در امریکا اعلام میشد اوتر آیرنماش در دم خوابید بود که نامادری زنده نفس از خواب بیدار میشود.

و فی این خبر را به او اطلاع میدهند آنجا ناامور میگردد. - این با یک روایتی که نمیتواند واقعیت داشته باشد، من رقم که دوساره بخوابد.

اما آورنده خبر اصرار میوردن تا بالاخره آثار او گوردهر میرود و فراموش کند که: - اگر با من شوخی کرده باشی، منکتندم...

و این خبر خوش نبود و آن در یک رفات بسیار دردناک و حسنی باجورین هیوارد برنده شد و موران برای بهترین بازیگر زن خورده بودم در حالیکه او را

ایمانی از یک زن الکلی در فیلم «فردا گریه خواهم کرده توجه صاحب نظران را نسبت به کار خوب کرده بودی علیها اسکار را از آن امیدانستند.

□□
چهارچوب (عقلمیجری بانگوهای است) و الیوریا (آهک نامام) و کاترین هیورتن (عقلی نامانی) با یک قدم غیرتوانو را تعجب میکردند که بالاخره نتایج آرزو بنوع «آمانیانی» نام شد و عاقل بازیگر فیلم «خال گریخ» بهترین آکترس سال ۵۵ شناخته میشود جاسره او را به «ماریاپاوان» که همبازی او بود میبخشد.

□□
مراسم اهدای جوایز اسکار این بار نیز از طریق تلویزیون گرایش مند و از این طریق مردم میخوانند خبر آنرا که در هالیوود و نیویورک میگذشت. در هالیوود و در سینمای سانجیک جری لوئیس رئیس تفریحات است و در سینمای سگری نیویورک نظیر این وظیفه جدید «کلوت کرت» گمانته شده است. خبر آمانیانی بازی بردگان جوایز بازیگری در هالیوود هستند و شخصاً اسکار هسای خود را دریافت می کند.

ارست بورگان که بازیگرانی همچون اسپرترزیسی (روز بد در سلاکترا) و

فرانک سینارا (مرد با زوفاقی) جیمز کاسی (دوشم بدار با ترکم کن) و جیمز دین (شرق بهشت) را کنار گذاشته و برنده اسکار بهترین بازیگر سال میشود. پس از دریافت جایزه اش از مادر خود بسیار گری می کند، بخاطر اینکه مادره منقو او بوده و هم او بود فکر کار بازیگری را برای او پیش آورد.

جیمز دین که یکی از نامزد های جایزه بازیگری است شش ماه قبل در یک حادثه زندگی کشته شده بود اما هنوز حمله او را سینا و دوستانش از یاد نبرده بودند.

«چاندلون» برای بازی در فیلم آقای درازتر و جوان قلبیت برای بازی در فیلم «شرق بهشت» بهترین بازیگر نقش دوم شناخته میشود.

□□
فیلم ماموالتی از ژان برنده جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی زبان میشود. با وجود اینکه هرمان جی محبوب و سرشناسی در این مجلس شرم دادند اما بیشتر توجه به حضور گریس کلی معقول میشود و برای اهدای جایزه بورگان را گریس کلی دعوت عمل می آید تا بازی او مشاهده کنند. و البته توجه عاقل آتسکه او مشاهده اعلام کرده بود که با برین رین سلطان جوانی فرار از زوج گذاشته است - و حضور او در این مراسم در واقع نحوی می توانست جشن عداوتها را او سا دنیای سینما و هالیوود باشد - چون او پس از دوروز امریکا را ترک می کند برای ازدواج با برین رین تمام جوانی میشود. جری لوئیس روی سن در یک لحظه ماسک برای او آرزوی ملامت، خوشحالی و زندگی شیرین می کند.

با اینکه سال گذشته هالیوود در برهه استانه از تکیه بازی برهنه بازی و وسیع نظیر سیمکوب تفریحاتی موفقی داشت اما بهترین جوایز آکادمی نصیب فیلمهای



سند برندگان اسکار جوان قلبیت. جان کولون بر است بورگان و ماریاپاوان که جایزه آمانیانی را گرفت به همراه گریس کلی

معقولی و میاویسید میشود. □□

در اینجا به فستیوال گرایش آوانس پاپایانس خیرنگار محله ستاره سینما در هالیوود توجه می کنیم. ... اسامی بر خلاف ماههای فصل که ریاست اختیاری جشن بجهت بابوب بود (چون بابوب برای شرکت در فیلم بدیش به فرانسه رفته بود) جری لوئیس تنها در پست ریاست شد. درست سرماست ۷۵۰ جلسه توسط جری لوئیس افتتاح شد.

گری لوئیس که در سخنرانی مابین هریسنگان روایت ندارد، براب سربر هریسنگان میگذاشت. هنگامیکه «موران هیوارد» به نالی سن رفت جری با خودش مخصوص خود گفت:

- چهطور او زمست استی، رانسی بدست می آید از کی آموشی؟
و هنگامیکه با جیمز کاسی در حضور گفت:

من هیچ خوشم نیاید اینکه زبهارا کتک زدی (جیمز کاسی در فیلم دوشم بدار با ترکم کن، دوربینی را کشته بود)...

و فی با فرانک سینارا که او هم کاندید اسکار بود، میخوابد شده پرسید:

- آقای سینارا در سال پیش چند فیلم بازی کردی؟
سینارا جواب داد که از تعداد فیلمهای خوری ندارم.

گری فریاد کشید و گفت: اما دولت برای گرفتن مالیات تعداد آنها را بخسوی شمرده است.

... هنگامیکه ارست بورگان برای بازی در فیلم مارنی بهترین هنرمند سال شناخته شد، جری لوئیس، امدادی نقد فریاد زد:

- قصاب هرمد بازیوس شریف نیارود.

ارست بورگان که در فیلم مارنی زن یک قصاب را بجهت بدلت از شوک اسکار از خود بیخوده شده بود، بر صحت ریاست بر صحت خود را از انتهای سال به کسار خود رسانید و اینکه منتظر تفریحات بود اسکار را از دست لوئیس قاپد.

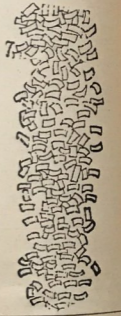
در این موقع نام بهترین فیلم سال اعلام شد و جایزه اسکار آن توسط «اودی هیورتن» هنریسه زبیا هرمد به «هارولد هکن» تهیه کننده فدا شده شد.

اودی که تازه از بازی در فیلم جاک و صلح فرانت حاصل کرده بود، بمسوان تنکر از زحمت جری لوئیس، او را نویسه و جری لوئیس مانند فیلمهایش پس از بومه خود را به بیوشی زده و نشی ریمسین شد.

دریاست در پس از اینکه آوازه های جالی توسط جین ناول، اندی فیشر و دین مایرین خوانا شد این جشن پایان رسید.



پاسخگو



ندارم؟ چرا گهستی و هر کاری که
میکنی خوش باش. یادبخت که همین
تا بلووسط دوتری و رفتاری و عرس کنم
که دستمیشان را بیجوانی. مجلس
مهرت میگذرد خیلی جا
هر حال. بامان خدا

● آقای محسن حبیبی

□ پدرجان، آشنای منبتاری که
ربان مجلس را بنا کرده‌ای. مجلس هم
خیلی منظم است حال نام نوسدگان مجلس
هم خوب است. جنگی گفتند مری او را
«چه لوس و بیوزیر ترند در این راه که او»
شواهدی نمی‌بینم. یا چندین نویسنده
می‌نمایم «چی گفته‌ای»:

- ۱ - عرس خودکامی من جزو
اسرار بود. اما حالا کم‌خوادم جل وایلم
راجعه کنم گفتند ضرر ندارد. بی گزشتان
را جلو بیاور. اسم من «پاسخگو» بود.
- ۲ - فیلهای جوان پیکر تا آشنا
در دایره‌ها بنامش درآمد. عارند از
سریختن و سوزهای طلالی و دام شکن ...
فیلهای بی‌وسلی جان‌تاز. رئیس بزرگ
راه ازدها. ازدها عارده می‌شود بازیگر
سریال‌های انشروت و چندین کاپورازدها.
- ۳ - سلام گرفتار را به فرزند توئی.
گوزگوش. ابرح‌اندازی. سیده. لیل‌اوهر
نوش‌آفرین و معنوداد. حوامم رسانند.
والا از آدرس‌های قبوتوئی و لیل‌اوهر هر خبر
می‌بخشی.

۴ - مهم روی‌بخت را می‌بوسم
و می‌نیم آن بل!
ضمن اینکه میگویم: جان من خوش
باش خدا نگهدار!

● امتهان: آقای علی‌صن‌نونه

□ عرس کم که سلام حالی شما
میجور؟ چه خبری ایفنده گر میجوری!
ایکی نیست بین بگه بنوجه باوقه! از
توخی که بگذریم از لطف می‌اندازد
منوبیم. درباره سوال اولت با بنی‌گویم
منص نگرده‌ای که منصفوت از عرس
هرینه نقش اول دریا ۵۰ که چاپ‌ش
گرفت چکسی بود؟ چیست - کدام
جستواره رامیگویی؟ کارگردان فیلم‌های
که خوانستی:

نوبهای من استایشان «عاری و روی» -
قله عنایه «ایران می‌ماند» خدا حافظ
نامتوای گر بخور!

● اهواز: آقای حسن یاری‌باز

□ خیلی کیف میکنی تو همدوای
گرم اهواز. بخیری از حال ما که هنوز
زمان نشده‌ایم هنوز لوزیک. بارزادان‌امید
عرس کم رفیقان که:

- ۱ - فرزند توئی. داود رشیدی
- ۲ - ستمزده داود رشیدی ۵۰ هزار
تومان است.
- ۳ - فرقیان بحر فیلم‌های که
نامردم‌های در سرباز و وقتی آسمان شکافت
بیز بازی دارد.

● ساری: آقای عباس کرمانی

□ سلام هزار کیلویی شارا آرزای
که خیلی سنگین بود تو انست منوب
بگیرم. اینکه گذاشتم تا به پیم ۴۰

میخورد. فلان تا عیلت‌السلام به یکسوی
سپه مجلس را تحویل بگیرند.
عرس بختوربان:

- ۱ - از فرزند توئی در چندشماره
پیش روی جلد دانستی.
- ۲ - ستمزده مرسی خیلی ۵۰ هزار
تومان! باری هم همین حدود ستمزده-
گیرم.

۳ - احتیاجی نیست برایش عکس
بی‌مفاد خود را بنویسم چونکه ستمزده
منصبات پاسخگو. مجلس را می‌بیند که
در چهارچوب پنجره‌ها عار پیش و پسلا
کرده‌ام!

- ۴ - اگر فیلم هست یا ۱۶ ساخته‌اید
عکس‌اش را بنویسید. در منصبات پاسخگو
چاپ می‌شود.
- ۵ - قیمت یک کاست فیلم هر
دقیقه‌ای ۵ میلی‌متری با پول ظهور ۵۵
تومان است.

سلام شما راهم به پیکار نویسنده‌گان
رساندم. تنگ کردند و لم‌چانه خدایتان!
لطف ستمام. باش‌همینه شیرین کام
«بالاخره»! **● تهران: علی‌اکبر شامی**

□ عرس از منصباتی بیدریت از
«وامه» بیزترین «مرسی» خان است که
جوش را ترکزد و نشت اول پاسخ
فکر می‌کنم بنوم سرفوت پاسخ بهتر است!
نست؟ پس حاضر باش!

۱ - کارگردان فیلم‌های که خوانستی
۲ - ساعت بهرام، مارشتراس - باوی‌زبای
من. حرج کیوگرند-باران‌امید. الیا کاران -
نورش بیدیل. نیکلازری - سراران
پاک‌چشم. مارلون براندو. مکانی در آفتاب.
حرج استیوس - کلاسزما - جانوی -
مرگ در وینز. لوکیو و سکوستی -

باز بومی گروم به مدرسه!



داروش شیری که فعالیت‌های
فاز در سینمای ایران ندارد! اخیراً
پاک فیلم کوتاه «میلی‌متری می‌بوم»
«باز بومی‌گریم» به مدرسه بعدت
۳۰ دقیقه ساخته است. این فیلم
با محمد رحیدی فیلم‌سازی کرده
و در آن امیر و عباس کرمانی -
فرشید و فرشاد شیری - کیورن
بیکند فرک دارند.
شما داروش شیری فیلمی
۱۶ میلی‌متری بنام «صداه درخت»
تیمه دارد که مدت آن صد دقیقه
است.

گویندگان (بقیه)

* برم شعب ه هند ، بقول شاعر - برآمدون من خست دل تمام کیت - که من «خوشبو» و جو در تمام و در زمانه ما...

شهنش خانانی با سرعت مافوق صوت!

انگار تیری آبیان گویندی می کند مثل برق می خواند و می رود / کف بر روی / طیفه ای بادآباد... بر سر بهنگاری جنگلی که...

و قتی بر میخورد بر میگردند که من هم برگردم !!

این طیفه را بصف خام مریب حیوان بگذارد - به حساب خام شهنش خانانی / خام شهنش از همه گویندگانی است که خیلی کم می نیرند (کی بود چنگ...

انگاره تابعی بیشتر نبوده (حیف شد که از زمان رفیق تلوزیونمان در فرودگاه!) ولی خودتویف که شمارا میگوید توانسته راک کند / مزه مزه ساعتگرد برآمده تلوزیون!

تکراری از شما دارم ، ولی خواهش می کنم شما جواب تکراری نمانید.

خودتان در در فیس ساندیک بازیگران امریکایی چه چیز می بینید ؟ / جمع امروز بازیگران سینمای امریکا در کنار هم ، مانند گردنهای آهنی...

توجه! * * * * *

حس خوانندگان عزیز تازه سینما پیش و پیشهای مادراناره گویندگاران میخوانم که بهمان بیرونی کمبودشان اعلام بر نامه می کنند...

دیدید شنیدید (بقیه)

پیشنهاد خوانرا با یک از این خوانندگان جوان خوانندگانش و به اشتغال و ی یکبار این خوانندگان را برای منشن محدود جهت همکاری بااین خوانند آرزو و فرجه ای با یک خود خوانده داد در این مورد...

دلارام کشمیری الهی تیق !!

حرف عربی می کنم خاتم کشمیری - خیلی مغرور می خوام که شناسد در کشور گویندگان زودست نره فوسنی گردید و برگشتند / شنیدید می شناسم در دست گرفتن یک شوی تلوزیونی شنید...

جیمز کابرن (بقیه)

تکراری از شما دارم ، ولی خواهش می کنم شما جواب تکراری نمانید. / خودتان در در فیس ساندیک بازیگران امریکایی چه چیز می بینید ؟

توجه! * * * * *

توجه! * * * * * / حسی خوانندگان عزیز تازه سینما پیش و پیشهای مادراناره گویندگاران میخوانم که بهمان بیرونی کمبودشان اعلام بر نامه می کنند...

توجه! * * * * *

توجه! * * * * * / حسی خوانندگان عزیز تازه سینما پیش و پیشهای مادراناره گویندگاران میخوانم که بهمان بیرونی کمبودشان اعلام بر نامه می کنند...

سینمای کمندی (بقیه)

مقام شوق وری با خودم ناآل می آید - او همچنین موفق می شود در نمایشهای آنهمای بزرگی را ببیند ، کبش از رفیق یکتو خوسا و با آنها تبدیل یک کبودک غرضش وسکالی می شود!

توجه! * * * * *

توجه! * * * * * / حسی خوانندگان عزیز تازه سینما پیش و پیشهای مادراناره گویندگاران میخوانم که بهمان بیرونی کمبودشان اعلام بر نامه می کنند...

در جایزه ۲۵۰ میلیون دلاری بازیگریک در نیویارک ، از سوزی باری و کاترین زیتچ یک جایزه شکرته برای امانی کلبه سینگار ترند / شورای داد که در این میان نقش طغر پشیمان و نور علی مظانی در فیلم خود - در هیچ جریانات فیلم شنیدنا موتوربوند است و قی احرار / رئیس جمهور وقت دستور میدهد که برهمان مبرمه ندین بکافی برای انجام برنامهای سرگرد کند ، اما شاهد لحظی شکوفایی از کورهای این سرافک کتیبه می شود که کشتای عربی به دامهای کتیبه می بارد / از قب شهرمن قارچ سر بیرون آورده است...

توجه! * * * * *

توجه! * * * * * / حسی خوانندگان عزیز تازه سینما پیش و پیشهای مادراناره گویندگاران میخوانم که بهمان بیرونی کمبودشان اعلام بر نامه می کنند...

توجه! * * * * *

توجه! * * * * * / حسی خوانندگان عزیز تازه سینما پیش و پیشهای مادراناره گویندگاران میخوانم که بهمان بیرونی کمبودشان اعلام بر نامه می کنند...

توجه! * * * * *

توجه! * * * * * / حسی خوانندگان عزیز تازه سینما پیش و پیشهای مادراناره گویندگاران میخوانم که بهمان بیرونی کمبودشان اعلام بر نامه می کنند...

توجه! * * * * *

توجه! * * * * * / حسی خوانندگان عزیز تازه سینما پیش و پیشهای مادراناره گویندگاران میخوانم که بهمان بیرونی کمبودشان اعلام بر نامه می کنند...

شاهستان گان (بقیه)

مقتضی راندر «تورفاکت» می گرداند. موضوع نیز از هرزیستانگ معروف باقی بود است. احوالا پس از آنجا فیلساری برآمد چندی کندها را کین، دانانسانزانه، زرسول، چینی کول، دانانلیپزیس، تون کول، چین، ماریش، نو، برنیل، توب، جون کسوت، و لاری هاکس بازنگران بدیدند. مفسران را در نوبی رجوع نمودند. دانشمندی هندو صاحب آنکه دیوسیدونیون باقیان چو نیز آرا تهیه کرده است. از «دایکین» یاد شده است. از اسناد مذکور و رهبر گسترگی که والی مرگ را برورد. جولوس جی استین نیز، «رومی» «شعبه اش» کار تاریخی یکنوا را با «کال» ربط داده است. انگار این مورد، میان با بزرگان، و حتی اگر فیلسوف نیز ربط به آلمان نازی نداشته باشد، بدین حدی که پیش هینر راه با بزرگانیا کلاسیک دارد، از گوشتی کادر بگذرد! ملیت آسین را که فیلسوف تاریخی است و گمانی به پایان رسیدن مراحل فسیرا برنگرداند. «بزرگاری چون جیمز کاربنر، کاسیلیان، جیمز میسون، دیوید رازر و سارنگر جان پشیده اند.

یك ستاره (بقیه)

است. در زمینه سینما بازیگر فیلمهای چون گریه کوچولو، دوست دارم... جانا انگلستان... کامیون خنده... فرشتگان خنده... که در فیلم آخر همبازی روسا با بازی بازیگر سرشناس ایتالیایی بوده است. وی با آنکه مقام در فعالیت هنری است، معهما مانند اکثر بازیگران آمریکائی همه فنون روزمره امور هنری و ورزشها آشنا است. خوب می نویسد... رسانده فوق العادمانی است... اشکی آبی میداند از فزون لب سواری اطلاع دارد و در بین حال یک شوگر لب نظیر است که چندی قبل در نیویورک به فوج جسمی کالری بسیاری از دوستش میون-های اشتباهی او را زهری و مستحکم کرد.

جغد (بقیه)

باشم. از آنجا بیرون آمیخته در حتما کار، به خواب رفته بود. خانه در تاریکی و سکوتی وحشت انگیز غرق بود. از ترس با سرعت با شانلیناری می گریه. چراغ آتش گرم آرام وی صدا، طرف اتاق خواب راه افتاد. حواسم درازم، اجازه نگیرم و بعد وارد رومم گشای خدمت ملازم خوابم گویم خوابم خوب کردم. دلیلش نداشت که خودم باخوش بخندم! از سوخا کفید در، داخل اتاق گریه... جدای من! آسا دیدم صحنی داخل اتاق داشتم دیوانه میشدم. چندبار چشمانم را با یک دست مالیدم. هرگز نمی توانم باور کنم انجام کلمات غیرانسانی آبی می توانست ایستاده بود در حالی که موهای آبی من را به پشت سر خراش می داد. از درون آتش در مرد هریشادی جذاب کالوینز بر تری روی داشت. حالم در آن کج بودم چشم دوخته و میخندیدم. ای ارائه نشستم. می دانستم باید فضا حال باشم با آنکه ایستادم چندانید کرد. سر برآوردم. چشمم درازان کفید دانه چندانم را میخورد. و بیون اینکه خواسته باشم، چند بار مجبورم زانیدم که بر وی نعت افکرم. جای آقا در آن کتیبه و من نیز با آنکه غیرانسانی سرخراش می کردی سید، کوهپوشان کتیبه اش می کشم و او ایستاد میخندد! در آنجا می بینم که مرد میخورد کجور شده ام. رازد آتش میگیرم و همگامی میخوانم مرا میبرد. حالت منم خورده و حسود استراحت می کند. می بینم که پدرم با نایق برادران یکی از زهرای مرد مسلول، پادشاه پادشاه گرم ایستاده و میخواند مسرا بکنند. مگر نه فریاد جانم را شنیدم... و دیگر چه نمی بینم...

ذبح استودیو :



عکاس مخصوص ستاره سینما
تلفن ۸۴۳۴۰

چندانم وسورنم را میان میباید خوش فروم گرش بپوش ساختم. وارثم میگردم. سرور می نویسد او زیر پیرش خوش را پس میگردم. چه وقت آن چنین می باشد هرگز نکرده بود. حالتش را داشت که میباید خوش خوش را از او جدا کرد. ناپاک شاد، به نوجویی وفار و صفا خوشتر از دست میباید. حالتش با نوری مخصوص نوبم بود که با هر احترام و امید داشت. کوهم نرم را بالا آوردم و با بخش چندانم دیدم خوشم. با پوشش زیر نرم گذارتم و لحنی بر پشت چندانم دیدم که «چندانم بود که فریاد کشیدی...» رسیده بودی... خواب دیدی... این دختر کوچولوی من هروف کلمات است، باید پیش ما پیش ما پیش و نگوید که چندانم... چرا درونی... چرا مرا از خواب بیدار نکردی... اصلا چرا ایستادی... تو ویش من بهائی... خوب، حالانکه ایسم چه چیزی باعث شد که فریاد بکنی و بیخوش شوی... هان! آن کجور حریف ناپادار سکوت و تاریکی روحت کرده باشی! ه میفورت است... دلت میخواست بیخ من می آمدی... چندانم! ملازمتها خراسان و لوس، چندانم سرور! رعایت داشت نگارندم و خانم اندام دان:

چندانم در آنجا دیدم که او هریشادی جذاب را در آن وضع زشت و کثیف دیدم باشم و آنوقت دردمند شدم که آرام روی زشتی کلام حس کرده که آرام روی نعت لستوار سنگینی اندام و روشش که با من رفتم. درجام خندم شد و میخندم. وقتی دستش را ترس میزدم حرکت داشتم. وقتی دستش را روی سرم کشید، احساس فرزندم کردم. هر آن در انتظار بودم که گویم رازگشوی خندم کرد. چندبار صدایم کردم تا او صدایم. لحاظ کردم که با او میخندم. دست نگردانم بر وی نشاندیم و با او میخندیم. نام نیز هرفار دست آوردم باشم، او را محکم بغل نمودم

فیلمی که در آن است جینلتر در آن شرکت نمایند. یک فیلم جذاب و پرامنسون زندگی جوانان است که اینک مقتضات آن در خانه فیلم آنرا تهیه میگردند و سایرین آن در دست به دست و هنوز بازیگران ایرانی آن دقیقاً مشخص شده اند.

زرد دلی (بقیه)

ظرف می کردت نیست باید که گشایند و راهها و منوهای نیرباندند. اکثر متفکران باستانی از کوزه پختن لایبش را باه عشق آلا و پاندها می کشند. بی آن که بدخل، انگورها، جوهرهای انسانی و حیوانی و نیش رسد. آهاس نایبند به فرس و زوری. زرد راه کار رجحان دارد و با بی اطلاعی در مورد آنچه که نوشته میشود تعبیر کردن با زهره و مطالب درسی های آخری از زمان سنجانگه می دانیم، «اچرا می خورم نان من... کوزه در گذرین بازی دوستم... توانا در رهبری هریشه...» «دلی ای درست از دست... همه ناقص و ناقصهای نبودند که انگار این چنین نبود و حرم قلب و خوش نادر نظر گرفتم و نشسته رسیده حتمی شد.

گدازگار (بقیه)

۱۹۵۶
بهترین فیلم سال: ماری (یونانید آرژانتین)
بهترین آکتور: فرانتس برتوگان (ماری)
بهترین آکتریس: آمانیا (خال گرش)
بهترین بازیگر مرد برای نقش دوم: جک لئون (آقای وارنر)
بهترین بازیگر زن برای نقش دوم جوان (شرق پشت)
بهترین کارگردان: دلبرت مان (ماری)

صروف ساختن فيلمهاى شده است که در جشنواره معروف ميونخ و بازاری مونتريال دربارت.

بر می گردد به صدا و تامل و اینگونه توند واقع من بايلم «کينج» به وفور پيوسته است. این فيلم از کينجی در طرح آریکار خورده است. در آن به همه چیز اخصت داده شده و پانصد هزار بوجه پست فيلم ناسی. هزینه ميکاز آن شده است.

من با این فيلم ميتوانی زيادی دارم و مناسبه از اینکه. این اولین فيلم من است و زواي را که مي پايست از ابتدای کار می بینم. رشم. اکنون پيدا کرده ام.

زرين دست نا چندی ديگر برای فروش فيلم دربارت کار تازه اش به آمریکا سار خواهد گشت. هدف او آنجا که خوش من گوید، اندامی همین راه است که پيش گرفته: تهیه فيلمهاى برای بازارهای جهانی.

پوستار شب (بقية)

اورا زير نظر داشت. گرج زده شبیار و جاسی بود. ميدانست که برای امير انسانی افقانه است ... بهمين جهت مواظب حرکات و رفتار او بود تا اينچه در عالم باعث نگرانی او شده است. گرج و او با خانق امير بود ... اورا از سيب قندوست داشت ... گرج زان فان و هوش انگيزی بود ... باصورت کتيد، موهای بلند و افشان، و قامت پشاش با هر چه زير دقابت ميگرد. صولي گرج مثل فانی گرمان سمانت. هر چه زمان ميگذشت اورا زير و جادب تر ميداد. اما امير از او خوشش نمي آمد ... امير دوست داشت که گرج مثل همه مادرهای ديگر باک و مزه باشد. او نسيوانت قبول کسي نداشت که گرج با دانتن شوهری نظير منهنس فرزند که از هر مردی خيرا تر و هلاک تر بود، با او اظهار نماي عشق نکند. اما امير از دل گرج آگاه نبود. منهنس فرزند نامم معالجانتي که کرده بود و حتی نيکاي به لندن سفر کرده مسافانه نوانت ملاضی خود را باز يافت فرزند برحال مردعاي ديگر از نعمت چيست دار شد مجرم بود و اين برای پاشن کتيد و دردناک است ... امير نسيوانت امير ايجاد. وقتی باک زن اصلي کند که مردش دليل و تانوان است. خیلی زود اورا از دست ميدهد.

اما گرج نسيوانت منهنس فرزند را که مرد خوب و مهرباني بود از دست ميدهد. گرج از لطفه ای که امير را دیده بود طرف او جلب شده بود. چرا که امير جوان و مهربان داشت. شوخ داشت، همچنان داشت. گرج گزي و زير امير را دوست داشت. همانطور که امير شائق مينمود. گرج هم شائق امير بود. اما با کي شائق مينود در دل گرج نبود. عشق گرج آلوده پس بود. هر چه بود گرج باک در آن س و ويح عشق مانه بود و خواست هاش باک دهر جوان فرق ميکرد. امير نسيوانت اورا درک نکند. چرا که همچنان با او شوي نکرده بود. ولي گرج بهايون مختلف

هميشه به پروياي او پيچيده بود و حتی بارها لهاي تشه و بوسه بطش را روی لهاي امير مائيد و بوسه ميديد و در هاش رازي جذب کرت امير، به رخ او کتيد بود. امير برای اینکه حرفي زده باند رو به زير کرده گفت:

— تو خیلی خوب پيايو ميدي. اگر باند باند به معلم نام آقای صندري دلتی.

با آوردن امير آقای صندري بلافاصله صحنای که آقای صندري ميخواست را بر پشتک تعليم دادند پيايو بوسه درش زير و گلرخ نهادی شد. صحنای که امير با آقای صندري دنوا کرد و چيزی نمادند بود که کار جاعای بارک بکنند. گلرخ برای اینکه درباره این موضوع زياد فکر نکند.

به زير گفت:

— زير جان. پشتو و راي باک آهنگ فنگش بزن.

زير بهاش را داد بغل حميد. و بعد رفت پشت پيايو نشست. خیلی وقت بود که زير پشت پيايو نشسته بود. پنجاه هاش ميبريد. زير برگشت و گفت:

— اگر نتوانستم خوب زير اميدوار که مو بيشيد.

منهنس فرزند خنديد و گفت:

— زير چون ماکه از تونوف بداريم مثل تبهون آهنگيزی. هر چی بشی بزن

همه خنديدند و پنجاهای طريق و حاس زير روی پيايو به حرکت درآمدو طين دلش پاك آهنگ قنديسي در فضا پراکنده شد. همه سکون کرده بودند. زير برای خوش زغمه ميکرد:

امرا بجانم ديوت کن ای همه خوبی ... مرا به سيزمار با چاکا حورشيد با شما که عتاب را ديگر راهی نيست ... دنوت کن ای همه خوبی ميزون لطفه ای داغ عشق را و لطفه ای خوب پرستين را طلب ميکنم ای همه مهربان يکبار ديگر در اين نارنگی مرا بزرمن حورشيد بهرمغ بری قلہ دنيا دنوت کن که از نهاي دنو ميخواهد بر پيچيد تو بگذارم درای مهربانان گزیده کن ...

وقتي زير داشت اين کلمات تر گويه را زير زانش جاری ميباخت، انگ که در چشماش حلقه سته و توجه همه، با وجب شده بود. پس از انباش اين آهنگ همه برای او که زده و وقتی زير آمد کسار شوهرش نشست، حميد صورت اورا بوسيد و گفت:

— خیلی فنگش بود.

نانروب آروز هنگی دور هم جمع بودند ... از زندگي گاهيان گسست به خانوان صحبت ميکردند. آنگاه زير و حميد از بندو مادر خود را امير خدا حافظي کردند و بخانه اش رفتند.

بر نامه امشب سينماهای:

گلدن نسيستی - شهر تماشا

سينما لطفان فراوش نشانی خود را در اين فيلم با دگار گذاشته است. قصه ای از احساسات باک آنها ...



آب نبات پوبی



Lollipop

با شرکت دو کودک هنرمند سیاه و سفید:

نرمون ناکسی دو نتون دبل سنگ با مزه شوگر بال

فرشید رمزی (بقیه)

بسیار در حین خوانندگی - حضرات شهرد و شهرام بود
 در روزی در مقابل کردن این مجنونها میشد
 سحر بهیچور البته به عنوان مجری ، که به بیان
 ... نمایشی آماتور ، کوششش توان بود اجرا. یعنی
 در این روز بود و البته که در برنامه خود میله بهتر
 از آنهایی که در برنامههای بعدی شهرآراییها بشود
 کلمات آن تکلیف خوب فرشید رمزی؟ کماشأن

نوا آوردهای او ؟ یاد چشمک بخیر که چه چیز دیگری بود
 از برنامه دوم بگویم و رقص شش در چهار دوپنجره
 لیلالروم - اصلا معلوم نیست منظور این برنامه چیست؟
 اگر با جدید ها مربوط میشود ، پس حضرات سحر و
 لیلال فرورج ها وسط چنگاره بودند ؟
 واگر برنامه بازم مربوط به آماژورها میشود ، پس
 این شهرام و تهره که هنوز پاندمان زوجه توسط چه کسی
 حمایت میشدند و تری برنامه ها جاری میشدند ، این
 وسطجه سیفهای بودند ؟
 مگر برنامههایی که پیش من بود کتر نشین بود ؟
 مدداری پارازیت های خنک و لوئیس ، در دکوری که گویا

انداز بوجوی هم دارد ...
 و نشان کنید بابا شامه باین آتالهایان ...
 نشانرا بخدا همان چنگ و شامه و تلوحای شبیه
 قریب افتار و فرخارد ونگ مشربانیا بوجوی فرورج
 رایشن کنید و میدان را بنست نورپردگی که نوزده
 نشد موزن ششده و بارند بوجه کلان برنامههای جویورا
 جلیجو میکند ... ندید ...
 واقعا که از فرشید رمزی بآن ایت و کسفرند
 انتقاد دیگری داشته که خیلی کسانگرز و دماغان را
 سوزاند ؟

شش میلیون دلاری (بقیه)

یعنی کنکول "مجرمه" شیرشان کردند
 باهم سازند ؟
 ● و اما توها و ساینات که در همین
 خانه از نروس دارم ، به چندانای از آنها
 راجع بهم ، نشه که بعضی هایتان نا حدی
 این مانرا کرتند دارند . معلول ، سابق
 این نام برنامه های تریخی ماحوا بود
 می و در هر مردمان خودمان بود ،
 در حال حاضر هر برنامه ای را که می بینم ،
 از یک دنیا به سونایی آمدید بداند که
 زار رنگ ما طرح زری نشه و علت
 گر کنوش هم همین است ! آیا هنرمندان
 دانش تری برای اجرا ندانند ؟
 بگرامی صحنی گل آوز رئیس گروه
 نود ... رمزی دیگر نیرداد زنده و حالا
 اصیقلی ، که البته نام این روساری نظر
 جان بیسی کار می کردند . یعنی ایسن
 کابان باید طرح مسافان را نالینمی کردند .
 زان ناال جانی نالید کردن طرحها ، آنها
 آ نالید کردند و مشاهده می فرمائید که
 در حال حاضر جانی دانش فرجرد و دانش
 و نودی و خیاطی و قریب افتار ، آدمهای
 دیگر را داریم .

پنجره ها (بقیه)

ولی چیزی را که میدانم اینست که اگرچه
 شاید خیلیها از این برنامه خوششان آمده
 باشد ، ولی این جدیدها معلوم می آید
 تقلیدی باشه از برنامههای میرطهری
 و خیاطی و واگر خیلی بخواهم سطح
 پایین فکر کنم ، تقلیدی از آتال های
 "دربوه" و آتمهای شهرتاد و چلوچه و
 چه ... میباشند که چشمه را روشن کردند
 و حالمانرا گرفتند !
 البته کمن کرمی کم برادران شیروان
 بیکی تهیه کنندگان روزرت و فصالی
 هستند ، ولی آبارای ساختن نوتی بدینی ،
 فقط تهیه کنندگی فعال وریل لازم است
 کارگردان هنری و کسی که نتیش بدند
 چه چیزی مندل و تکرار است و چه چسب
 نیست ، لازم نیست و یعنی کتک ؟
 برنامه "پنجره" با این نه اصیل ،
 می تواند برنامه ای دیدنی و جالب باشد ، البته
 مشروط بر اینکه در نوع ترانهها گفت و بوی
 در انتخاب جوکها و نمایشها ، مطالبی
 بیشتر شود هر آتالی را که بدست
 میدهند ، بیست تکنند و تحویل ندهند !
 ● از اینکه برکاری که خودم هم
 درش دخالت غیر مستقیم داشته ام ، اسیراد
 گرفتم (البته قطعاً بونک تماشاگر) عرض
 ندارم بحر گوژرد کردن معایب کسار و
 امپوارم که سازندگان آن ، فرهنگ و
 شدت ارزنده ، گوش خود را محسوس
 بهتر شدت برنامه بنمایند و با مطالعه بیشتر
 قعاتی را که در برنامه های سابق دستمالی
 شد ، حذف کنند و در فکر بدید آوردن
 قسمت های جدیدتری باشند . قسمت هایی که
 کارنگاتور برنامه بالاتر از خط باشند .
 قسمت هایی که جوکهای جلال مختلف باشند
 و قسمت هایی که ...

برنامه امشب فقط در سینما:

ادئون

یک فیلم برهیجان پلیسی که شهزاد سینه جیس می کند



پلیس فداکار



dirty o'neil

زمن با سرت: ۹۰ رگان پل
 جین مانسون ، گیتی ایور



انگار این طنزکی هم هوزدیابیونده ، احساس کرده کارخواندیگی خیلی شوخ و بلوغ و هرکی هرکیه و هرکس از هرکجا «فیر» می‌کنه ، مده «خواننده» می‌شاد!

مسابقه بزرگ (بقیه)

هند نشان میدهد . عیبی دارد اگر آن را درمستی پیش کنند که گروه بیشتری نشانگرش باشد ؟
پرحال ، با توجه به شاهکار حالی که فعلا پیش می‌آید ، هیس شاهبزرگ ، که هوز در بر این اولیه است ، خیلی نودندارد دست تهیه کنند اش دردندکده تهیه‌کننده‌ای جوان کخیلی جوان وناخجرا کند نیز هست . محسن تنها...

جشن فرهنگ و هنر (بقیه)

هند ، کوشیدند تا سیمارها عتفا به عنوان حری کمی‌نوند حالی در میان هرهای ملی داشتند ، بلکه به مانه وسطه‌ای برای نقلی آنها ، منتظر قراردهند.
از میان آنها ، چهار فیلم امکسای وسیمز یافتند : مسجد جامع فرهنگساختی ، محمدرضا اسلامی کادر بی چندفیلم‌گشته وی ، بهیک از آثارماندی‌هر معماری‌ایران توجه نشان‌ده‌است .
«براه» ساختهی خسرو پرویزی که چندین‌ساز سیمای فرهنگ‌ای به سوی فیلمهای کوتاه آموزش گرایش یافته‌است ، در چهار قسمت ، مستندی در زمینه‌ی کاربردنوسایل سمی و بی‌سمی‌است .
«یادگیرها» از خسرو سبانی نیز مستندی از فیلم‌سازست که پیش از این‌نیز خودرا در این چهارچوب نشان‌ده‌است . گذرانکاف و تاکید بر یادگیرها و گوشه‌ی جشنی به‌معماری شی .

فیلم دیگر «شیرینی انگور» ساختهی حسن محمدرزاه نیز همچون سه‌فیلم دیگر ، یک مستند نسبتاً تک‌رأما برطول درم‌ساری ست برداشت انگور در لاکستانهای رضائیه است .
بعجز این ، برگزاری جشنواره‌ی سیمای جوان ایران کذاز ۲۷ آبان (امروز) به منت همروز با موضوع «هر واری‌هم‌ساز ایران» ، سومین‌سال برای‌اش را آغاز می‌کند که سیمای خوش برای ارج‌گراری برسیماگران جوان و رضدی زیرک‌ساخته برای امکسای فرهنگ و هنر ایران درسیماست جشن فرهنگ و هنر کفتمی با پایان اولین ده‌باش فاصله دارد ، می‌کوند نیز هرروزه ، نمایش پیشین را برطرف سازد ، نمایشی کمدیستگه ، و سازماهای برگسزار کفتمی آن باوقوف کامل برآنها ، در بی رضمن می‌کوشند تا باچنین نموده‌ی ، همه‌کار جشن فرهنگ و هنر باشد.

۵۵ - ۵۶



پرستار شب (بقیه)

هنس فرهاد همیشه از اینکه می‌باید افراد خانواده‌اش دور هم هستند ، محتال بود ، شب که شد امیر باطاق خوشتر رفت و همنس و گرج هم باطاق خود رفتند ...
آنب برای امیر شب غریبی بود...
شیدر بود و نهالی ... فکر می‌و ، فکر باطنی باک و آسماش لنگه‌ای‌اورا آورده نم‌گذاشت .
صبح روز بعد ، همنس فرهادگفت که برای انجام کارهای شرکت همنس خود مجبور است برای مدت سه روز یا پانزدهن مسافرت کند . گرج خیلی وقت‌بودگه دنبال چنین فرصتی میگفت دلش می‌خواست چند روزی خوش و امیر تنها درخانه بماند تا او بتواند به‌خواستهایش دست‌بازد .
همنس ساعت یازده صبح از امیر و گرج جداحافظی کرد و بهنگام خروج از امیر خواست تا در خیاب او سر به شرکت‌زند و جای حالی او را بگوید . آسنگاه‌امیر صورت بدیش را ببیند و گرج هم‌سازش کرد که رودنر برگردد و پس از هم‌جسدا شد .
بارق همنس گرج و امیر درخانه تنها شدند ...
انده دارد ...

برنامه امشب فقط در سینما :

کاپری

یک پلیس آمریکائی ، با ماهیای زاین اعلام جاتی‌دهد !
فیلمی از «سیدی یولاک»



هدیه هنرمندان

یکدستگاه رادیو ضبط
هدیه هر جان



□ مرجان ستاره موفق سینمای ایران یکدستگاه رادیو ضبط برای خوانندگان ستاره سینما در نظر گرفته است. برای شرکت درقرعه کتی دریافت هدیه مرجان، کوپن زیر را پر کرده و به آدرس صندوق پستی ۱۹۱۷ ارسال نمایید.

کوپن هدیه مرجان

نام
نام خانوادگی
شماره
ادرس

برنده هدیه اکی

□ حامد صفی پورسی (از تهران) محصل حکم قرعه برنده دوربین اکی گردیدند. حامد پورسی می تواند برای دریافت هدیه خود روزهای مشابه یا چهارشنبه به دفتر ستاره سینما مراجعه نماید.

آئینه سر نوشت



متولدین فروردین ماه

در این دوره از زندگی خود شاهد پیشرفت‌های بسیاری خواهید بود بشرطیکه کارهایتان را به پیروی از روش صحیحی انجام دهید، ریسک نکنید و تصمیم به انجام کاری که عواقب آن را نمی‌دانید نگیرید.

متولدین مهر ماه

چون هفته پر جنب و جوشی در پیش دارید به صلاحات آنست که آرامش خود را در هر موقعیتی حفظ کرده، از دنبال کردن بحثها و افتخاهائی نماند و کوشید هر چیز کید نامناسبی جدید روبرو نشوید.

متولدین اردیبهشت ماه

هر چند هم کار و گرفتاری داشته باشید باز باید فستی از اوقات فراغت خود را به رسیدگی به عزیزان اختصاص دهید، به هر نحوی که می‌توانید محبت خود را به آنها ثابت کنید. یکی از دوستان قدیمی خود را پس از مدت‌های مدید ملاقات می‌کنید.

متولدین آبان ماه

برای مسئله‌ای که مدتها بود غیرقابل حل به نظر می‌رسید راه حل مناسبی پیدا می‌کنید. بیشتر از حیواناتی خود کاتر نکنید. مجردا ملاقات‌هایی در پیش دارند. دوستان قدیمی در زندگی شما ایضا کرده و بافت آشنائی شما با آنهائی جدیدتر میشوند.

متولدین خرداد ماه

بهره‌ده در مسائلی که مستقلا شما ارتباط ندارند دخالت نکنید. احتمالاً نفع یک سفر دسته‌جمعی را در هر خود پیروی خواهید داد. یک مسئله خانوادگی به تدریج حل خواهد شد. با متولد مهر ماه تاهم کامل خواهید داشت. قبل از قبول هر پیشنهادی عواقب آن را دقیقاً بسنجید. در این هفته زندگی خصوصیات منور جانی میگرد.

متولدین آذر ماه

به فکر انجام کاری باشید که بگویند زندگی را شوکتیان را از بین ببرد و باعث خوشحالی شریک زندگیشان شود. هر نوعی باعث تقمین سلامت شما میشود. بیشتر مسائل منولشهر بر ما معارضت کنید. از کوچکی شادی زندگی حنا کتر لذت را ببرید. ایس رمز خوشبختی مادرتان است.

متولدین تیر ماه

با متولدین بهمن ماه معارضت کنید. در خانوادگی آرامش و آسایش برقرار می‌گردد. از تغییری که در زمینه نفع شما ایجاد میشود بشنید. بهره‌داری خواهید کرد.

متولدین دی ماه

انتظار نداشته باشید همه اطرافیان شما معاف خوابت و آرامش شما رفتار کنند. آنها هم مثل شما به آزادی فکر و عمل عمل احتیاج دارند. بخصوص به کسانی که ازدواج کرده‌اند توصیه میشود از بحث کردن راجع به مسائلی که شریک زندگیشان را سستی و ناراحت میکند خودداری کنید.

متولدین مرداد ماه

اعتماد بنفس داشته باشید و بیشتر فعالیت کنید تا زودتر شاهد ثمرات کار خود باشید. به همسر یا شمس مورد علاقه خود بیشتر رسیدگی و محبت کنید. بر کار آنها احساس امنیت خواهید کرد. با متولد اردیبهشت ماه تاهم کامل خواهید داشت.

متولدین بهمن ماه

به مجردا توصیه میشود که محتوم ظاهر افراد شوند و قبل از شناسائی آنها به کسی فوئی ندهند. به کسانی که ازدواج کرده‌اند توصیه میشود هر اتفاقی خود داشتند تا از بروز هر اختلاف و سوءنهاد جلوگیری شود. قدم بهر اجتماعی نگذارید. مورد توجه واقع میشوند.

متولدین شهریور ماه

اکثر ما شریک‌تان محبوب شما خواهد شد. برای حفظ این محبوبیت بیشتر خودتان زحمت بدهید. همه مناسبی در پیش است برای اینکه بیشتر به فکر زیبایی خود و منزلتان باشید. به کسانی که ازدواج کرده‌اند توصیه میشود که برای جلب و حفظ اطرافیان همسران بیشتر کوشش کنند.

متولدین اسفند ماه

به کسک اراده قوی و صبر و حوصله موانع کوچکی را که سر راهتان قرار گرفته‌اند از میان بر خواهید داشت. بخلاف هر آنی شما نیکبخت نامتکاملان هستید. روزی شود.

امیر بعد از دیدن عینو کلافه بود . . ولی گلرخ که موجه شده بود برای امیر اتفاقی افتاده است سعی میکرد تا بعنوان مختلف توجه او را بطرف خود جلب کند . . . وقتی مهندس فرات گفت که برای عدت سه روز میخواهد با ابدان مسافرت کند گلرخ بیشتر از همه خوشحال شد . زیرا او و امیر در خانه تنها می ماندند . . .

خلاصه کامل داستان

در حدود یکسال و نیم پیش پس از تمام باورفی دختر کدر هیس مجلد بگروه تلغی مجله بصیاد آمود صیادان زرزان و غم آلود را بنوی گوش تلغی پیچید او از پشت تلغی خیلی برایم حرف زد و از غمها و از شادی های زندگی گفت . . . حویش را با تمام ستار میو معرفی کرد و گفت که پرستار بیمارستان است . . . متعاقب این گفتگوی تلغی ، دو روز بعد ، او همراه شوهرش « امیر » به دفتر مجله آمد و گفت که هر دو توافق کرده ایم با دفتر خاطرات خود را در اختیار شما بگذاریم . ابتدا فکر کردم سرگشتگی من زن و شوهر هم مثل سرگشتگی اغلب آدمهای دیگر بکنواخت و تکراری است اما پس از مطالعه آن شکتم و حدیثی در آن یافتی که من اختیارنامه بنظیر آن حرکت کرد و غمگینم کردم اگر بگویم خاطرات که جنس زرد این باورفی اکنون بیش از هزاران خواننده داردو یکی از خواننده تر دانشان های چند سال اخیر مطبوعات میباشد . داستانی که هم شگفت انگیز است و هم عبرت آورو . . . باهم خوانیم . . . امیر حویش مجله سه ساله ای که در کتب در فتر و بدخشی میگذرد ، پس از تصادف با انومیل مهندس فرات سر بوش ستار میو پیدا می کند مهندس فرات او را با فرزند خود فیروز میباید ، او در بیمارستان مساحتی با نام میو آشنا شود و سه ماه پیش از آن وقت عشق عشق و نوازی محتر می شود . . . او از سوی دیگر پس از اینکه « ریبا » دختر مهندس فرات با حمید معلم یک دبیرستان دخترانه ازدواج می کند مادر او « گلرخ » شد به فرزندخواندگی امیر میبازد و عاشق او میشود . درگیر واد این حوادث مهندس فرات از عشق امیر نسبت به میو آگاه میشود و با تمام حسرت گلرخ ، خانه میو می رود میو از میوه های او را ترک گفت ، پس همراه مانی و زینالی خوابیده رفت می رود و در آنجا با حویش است فریروز ازدواج می کند ، اما پس از مدتی متوجه می شود که فریروز با نامی زهره راهه دارد . میو بخانه زهره می رود و را آنجا ماری می نامد غلام که میوه ها و میو تا جواز بست و رو میو میشود و یا یک مجسمه گچی او را می گذرد در زمان میو با زنی با نام مبین که فاش خانه دارد آشنا میشود



شور انگیز ترین داستان دهه اخیر مطبوعات

خواست پدرش زنده بود ، مادرش پیدایش و همان زندگی فقیرانه خود را همان به جای خوب شهر ادا میباید . . . اما فوس که سالها ازین هم گذشته بود پدرش در فیهو خانه حیاط چمنبندان سر به روی صاحب این وضع چاره او را ناک میبرد . بدون اینکه امیر حاره پدرش را ندیده باشد ، امیر از خوشی هم بنش آمد .

با خودش گفت :
 - چرا انحال برخاک پدرت نرفسی .
 - چرا برای او خیرات نداده ای .
 امیر این کفرها را کرد و انک در چمنش جمع شد . اندیشید که احساس غناقه در وجودش کشته ندهد . . . امیر دانش هوای مادرش را کرده بود . او مسافر واقعی خود را میخواست . . . مادری که در ابد کودکی او را رها کرده بود و رفته بود . امیر گلرخ را میخواست . گلرخ نشه هوس بود ، نشه شوخیاکی با امیر بود ولی امیر امیر امیو است . او در و نهایش دنبال فرشته ای می گشت که دور ازین مسائل باشد . . . ولی آنچه که مهم بود امیر با گلکشش فرق بسیار کرده بود . در طول این دو سال درس خوانده بود . در رفتار اجتماعی خود تجدید نظر کرده بود و برای خودش کلی امروزی شده بود . لیکن بدون امیر ، با گلکشش چندان فرقی نگذاشته بود . امیر شگفتی و آشنه حال روی عمل نشه بود که صدای رنگ در بلند شد

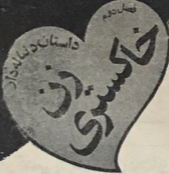
امیر شب زده اطراف را نگریست دانش هوای دندن میورا کرده بود . او خور هم عاشق بود . . . عاشق آن چمنهای پاک . عاشق آن صورت باصاف و معصوم ، عاشق آن اندام طریز و کشنده . . . او هر که می انگاشت که میوه ها فرشته آسان است . برای او نعمتهای الهی آورده است . او پیداست که عشق پر شوکتش در چه جایگاه ای گرفتار شده . . .

امیر آرام و برینان کشد در فتل در اندام و وارد آپارتمان شد . گلخ و دیوانه شده بود ، بارها تصور حشری را که دیده بود جلوی چشم خود مجسم کرده . . . امیر نشانه نگریه بود . او میورا را دیده بود ، اما چرا نزد آن وضع ؟ چرا میو جلوساید ؟ چرا خوش زده بود ؟ امیر هیچ جوابی برای سؤال خود پیدا نکرد در رفت نوی حال و خوشی را انداخت روی عمل احساس خشکی معرفی میکرد . در سبک در طول این دو سال او احساس ناخوشی و رازدست داده است . با خودش می گفت :
 - امیر ، تو باید برای بدست آوردن کسی که دوست داشتی مقاومت میکردی .
 تو نباید میگذاشتی میواتو جانشین .
 امیر از جایش بلند شد . سگاری روشن کرد و دو دان را با نواغ بلعید . حسنه بود .
 غله داشت . احساس بیچارگی میکرد . دانش میوه است همان پیری بود که نوی حیاط حشید پانک است بود با فرزندش زندگی میکرد . برای آن امیر نگذاشته است سر کرد میگفت تلخ و دردناک داشت .

امیر نوی فکر فرو رفت و با خودش اندیشید :
 - تکلیفم برای دیدار او آسوده باشد .
 امیر تصور چند لحظه قبل را که دیده بود بارها و بارها در ذهن خود مرور کرد . او آقا سرع میورا دیده بود که میبایست قبول کند آن رخصت میوه رسیده به میو و انعقد امیر طرف ساورد و گفت :
 - پدر . . . اگر سگت من بر میگردد بخانه . . .
 مهندس فرات و گلرخ مشترکاً در تصمیم ناگهانی امیر حاضر شدند و پرسیدند :
 - چرا ؟
 امیر جوابی نداد و گفت :
 - کار دارم . . . بچیزی روجا گذاشتم .
 گلرخ بنیانه امیر دقیق شد . گلرخ هور هم در آتش عشق امیر میسوخت و در طول این دو سال جانوی مختلف سعی میکرد تا امیر را بسوی خود جذب کند . امیر در بر رخ بر می گرفتار شده بود . نمیدانست که تکلیفش در مقابل گلرخ که مادری او می باشد چیست ؟
 گلرخ گفت :
 - چرا نمی ؟
 امیر گفت :
 - اگر اجازه ، منین برگردم .
 مهندس با نصحی گفت :
 - اشکالی ندارد .
 آنکه امیر میباید در دون دون نوی سوزن بازگشت . اما مسائل دیگر از آن فرست میو



پرستار شب



نوشته: م. صفار

دوال همه چیر تغییر کرده بود اووار گشته‌اش بریده بود و پری خوش آفانی‌شده بود، درس خوانده بود و با کوششهای بی‌پس فریاد یک جوان کامل امروز شده بود اما هیچکدام اینها دلیل نمیداندا و ناطقه‌اش را از دست ندهد.

زودیک ظهر بود که مهندس فرنانو گلج هم از بیرون آمدند. مهندس فریاد چند پاکت پراز میوه در دستش بود و گلج نیز مقداری پارچه خریده بود.

مهندس گلج و گلج نصح داند دختران برنده و او را بل فرزند پاری کوچولو را غرق بوسه کردند. سائتی بعد همه حیدر هشر زیا که در یک دبیرستان دخترانه تدریس میکرد خانه آمد و کانون گرم و صمیمی آنها تکمیل شد. گلج هم زیا گفت:

— زیا جون، چرا صبح‌نشن از بی کسبای اینجا، استوری بده که من امروز نهار درست کردم.

زیا گفت:

— ماما، دلم نمیخواست تورو به زحمت بندازم.

امیر برای اینکه سرخوش را گرم کرده نالند ناری کوچولو را بغل کرده بود و بنا او ناری میکرد. پس از اینکه ظهر نهار حاضری خوردند، هسگر در سالی پانزدهای دو نیمه جمع شدند و ناطق زین از گشته و آندله برداشتند. در طول مدتی که هسگر دو نیمه جمع بودند گلج ناطق به امیر خبره شده بود و حرکات

آن روزهای که امیر و میسو باهم دبیرما و کرما، فتم میدردند و سخن ارشاق و دادندگی میگفتند و سائتها در نگسین چشهای کدنگر خبره میشدند برای هر دو نماند دنیای آن لذت و شادی ارسمغان میاورد ... رسانی آیا ممکن بود که آن خاطرات پاک و فتنسگ دوباره تکرار شود؟ این سوالی بود که امیر بارها و بارها از خود کرده بود.

زیا که دیده بود امیر ناراحت و نگران است و به هیچ عنوان حرف نمیزند، سعی میکرد معاونی مختلف او را حرف‌دها آورد و لهشاش را بحدته نگشاید. امیر که نتوجه شده بود زیا بدجوری پایبج او شده گفت:

— زیا جون، چرا نخوتی ساحت میکنی، واقعا چیزی نیست.

زیا برسد:

— نکته باز خالق شئی.

بارگی کردن همین کلمه امیر را با کلمه تکان داد و رنگش پرید. زیا حیدر و گفت:

— حق پس چرا ازدواج نکنی.

امیر گفت:

— حواجر جون، دست بردار، این حرف‌ها چه، مثل اینکه امروز دلت میخواست مو ادب کنی.

زیا نالند و دیشانی امیر را بوسید.

گفت:

— دلخور نشو امیر جان ... نوحی کردم.

امیر میدانست که دارد خودش را محول میزند. درست بود که در طول این

امیر کمر، گفت:

— من بروخ نگو ... من خوب می فهمم که ناراضی

امیر ماجرا را بخنده برگرار کرد و بروی خودش نیارد. اما در دلتش آتش برپا شده بود ... حرف از خودش میریسه آیا آن زری را که در پوشش چادر دیده بود میسو بود آفتو کله‌های درخت عقابین از یک بزردگی طولانی دوتار میسگه بود. بوی طغر علق بدست نانهاری میریسه بود.

و امیر اسمی ملایم و برطر او نشورا در اطراف خود حس میکرد. دوسال بود که همه چیز بنونه فراموشی میریسه بود اما حالا دوباره حاکسر از روی آتش کار رفته بود و نالند پاک عشق جاودان و پاک پاک عشق زبانی و هسجان انگیز، هویدا گشته بود.

بازگشت به روزهای آشنایی برای امیر کنکدیا خاطر بود ... بازگشت به آن شئی که امیر از سینما بیرون آمده بود و در ناطع حیوان و زرق و عسای آندانیست نورانی ساهرنگ تصادف کرد و بعد مهندس فریاد او را به بیمارستان «اف» برد ... در همانجا بود که پایه و بنیان داشت عشق فراموش نشدی پس یک پسر چه خوب پهنری، پس پشت خالیان درد، پس یک آندون بدرو آواره و یک پسر خاب و چه بران، زیا و لبا کار نهاده شد و از همانجا بود کسر نوشت امیر عوس شد و مهندس فریاد که دیگر از نعم بچادار نالند محروم مانده بود امیر را طرندی قبول کرد و روزهای رشکویی در زندگی او تار شد. یاد آوری آن روزها،

امیر ابتدا صدای رنگ در چندان نوحش نکرد. اما صدای رنگش میسگوش امیر رسید. بر حواجر و نالند در را گشود. پش در «زیا» حواجر نانی او هشر نا بچه کوچکی که در بغل داشت ایستاده بود. زیا نالند امیر سلام کرد. امیر بحدته گشود و گفت:

— سلام زیا جون ... حال نساری کوچولو چطور.

زیا داخل شده و برسد:

— ماما، وایا نیس؟

امیر گفت:

— همین سائته رفت بیرون ... حتما نالکسات دیگر بر میگردن.

زیا بچاش را بر پسن نهاد. ناری بچه زیا بود. هنوز نمیخواست سدرسی روی پاش بایسد. در طول این دوسال که پس میسو و امیر فاصله افتاده بود، خیلی چیزها تغییر کرده بود ... زیا بچدار نالند بود. امیر بررگز شده بود و روحیه و انگارانش هم تغییر کرده بود ... زیا رو به بچه کرد و گفت:

— زیا جون، برو بغل دالی امیر ... بچه کوچولو که بسائت در دهان داشت نگاهش به امیر کرد و نالی فریز و نیش بحدته گشوده شد. امیر او را بغل گرفت و موشش را بوسید. زیا نگاهش به امیر کرد و گفت:

— چه آمل ایسکه ناراضی؟

امیر طرعه رفت و جواب داد:

— نه، نه ...

زیا که جوان بود و سوسائش از

جبر سوزان: آخرین خبر

بیماری هژیر داریوش در آستانه جشنواره جهانی فیلم ...

نصرت کریمی در سریال گل آوور



□ نصرت کریمی برای انبای رلی اسلی سریال جدیدی که مشتمل بر گل آوور می باشد. خواهد برای تلویزیون بسازد. کارگرداننده است. این سریال را یک طنز نویس معروف می نویسند و جوادت و ماجراهای آن بر محور زندگی یک مرد و ماجراهای طرز آبریز زندگی اش، دور می زند.

□ «هژیر داریوش» برگزار کننده جشنواره تهران، دچار بیماری شده است. و بطور که نتواند شرکت بیماریش به اندازه ای است که مجبور سفر گردیده و در فرانسه می ماند.

«داریوش» طی این سالها، مسئولیت سنگین جشنواره را به عهده دارد و با توجه با اهمیت این جشنواره، داریوش دست فراوانی در دست و پیوسته کیفیت آن از خود نشان میدهد. سفرهای متعددش برای دیدار از جشنواره های جهانی فیلم که منجر به گرفتن فیلمها از سوی وی میشود. همچنین برنامه ریزی محکم که جشنواره تهران می باشد، داریوش را با تکلیفاتی بی اندازه و امیدوار کننده گوناگونی رانده، موجب بیماری او گردیده است.

داریوش علاقه افراطی هم به فیلمسازی دارد. حتی از بازیگری هم بیخبر نمی آید. اگر بخاطر داشته باشید داریوش فیلم «هاتم خان» ساخته زینت دست نقی به عهده داشت. حتی

بیماری او پیش از سفر به فرانسه، بویژه در آستانه برگزاری جشنواره مسلمانان آمپوری نیست که داریوش را راضی کند. امیدواریم داریوش هر چه زودتر بهبودی خود را بدست آورد و جشنواره را زیر نظر کامل خود داشته باشد. مثل همیشه ...

مر اتسی احمدی بجای يك نوزاد شیر خواره صحبت امیکند !!

دنیا آمده و شیر خواره هیدر سریالهای تلویزیونی بشوید که البته لازم توضیح است که این تکه را بعنوان نوبی «مراج» بیا آوردیم و امیدواریم چه نتایجی داشته که در عیدهم نیست!

آخر شب تلویزیون بود که کارن بلاک در آن بازی می کرد و از سری فیلمهای با مضامین «وحشتناک» و «هراتالی» تلویزیونی بود! بقولی بعدیست همین روزها صدای مرضی احمدی را بجای یک نوزاد تازه

□ این نوبه فیلمهای تلویزیونی هم خوب معمولی است! آخرین «سنگال» را در این زمینه، هتله پیش (پنجشنبه شب) دوپلاز یک فیلم تلویزیونی شاهد بودیم و آهیم صحبت کردن مرضی احمدی بجای یک جوان کهن و سال در یک فیلم ساخته

آرام خانه دار شده



□ مدتی است که آرام ستاره کسی از فعالیت سینمایی خود گامته است و در کادر محفل هنری و غیر هنری شرکت می کند و بطور که دوستان و آشنایان می گویند اکثر اوقات خود را در منزل سپری می کند. از طرفی شایعات نیز بگوش می رسد مبنی بر اینکه آرام دل در گسرو عشق مردی سپرده و می خواهد بازنواج با او، دورسینا و کار بازیگری را عسقط بکند!

هنر حال آنها غیرعادی بوده که در مورد آرام بگوش رسیدیم است و محبت و محکم آهیم بگردن «راوی»!



تراشه‌های روز

- در یکی دو هفته قبلی، تراشه‌های بهترین نویسندگان را جلب کردند.
- ۱ - تراشه تقدیر با صدای حسن خیابانی.
 - ۲ - تراشه شکوه با صدای سار.
 - ۳ - تراشه مخلوق با صدای گوگوش.
 - ۴ - تراشه آینه عشق با صدای سیرین.
 - ۵ - تراشه افاق با صدای شقایق‌زاده.

* مری آییک : خسته از سینما و تلویزیون ، گرایش به تئاتر...



مری آییک از جوانترین ستارگان تئاتر است. مری فعالیت تئاتری خود را در گروه پرویز سیاد منتر کر نموده است و در اکثر نمایشنامه‌هایی که در تئاتر کوچک تهران بروی سن می‌آید شرکت دارد. مری اخیراً از بازی در فیلم «بست بکارگردانی سیاد فارغ شدت» و خود را برای بازی در یکی دیگر از نمایشنامه‌هایی که قرار است در تئاتر کوچک تهران بروی سن بیاید، آماده می‌کند. از مری برای بازی در چند فیلم دعوت بعمل آمده‌است. ولی وی که هنوز خاطره بازی او در فیلم «دانش‌آنگ» از یاد نرفته‌است، ترجیح می‌دهد که در تئاتر فعالیت داشته باشد و فقط هنگام آگرموردی پیش آمده، همراه گروه پرویز سیاد در تلویزیون و یا در سینما ظاهر شود.

جوانتر بن سناریست و کارگردان سینمای ایران در تلویزیون!

□ سیروس الوند با نوشتن سناریو فیلمهای ایرانی ، کارسناریست‌اش را آغاز نمود و در حالیکه پیش از آن در مطبوعات فعالیت داشت. اولین فیلم الوند در مقام یک کارگردان ، فیلم «سحر» بود و پس از آن ، الوند فیلم «شب آتشی» را کارگردانی نمود که هنوز هیچکس از این فیلمها بروی اکران نیامده‌است.

در حال حاضر الوند سرگرم سناریان



هوشنگ حسامی و جشنواره اسپنتا

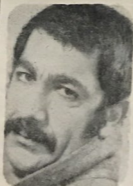


□ هوشنگ حسامی نویسنده و منتقد معروف سینمای چندی است که در مقام دبیرکل جشنواره اسپنتا ، فعالیت بی‌گیری را آغاز نموده‌است.

جشنواره سینما در اردیبهشت ماه سال آینده برگزار خواهد شد و حسامی از هم‌اکنون با پیوستن زیادی ، امور این جشنواره و فیلمهای ایرانی را که بایستی در این جشنواره شرکت کنند ، زیر نظر دارد.

در هفته‌های آینده گفتگویی با حسامی خواهیم داشت و از جنبه نظرها و فعالیتهای او بهرامون جشنواره سینما با اطلاع خواهیم شد.

صمیمیت یک چهره خشن ...!



□ جلال چهره خشن سینمای ایران که توانسته موفقیتی تثبیت شده در زمینه ایفای رلهای منفی کسب کند، اینروزها وقت سرخراشیدن ندارد.

بازی در فیلمهای سینمایی از یکطرفه و فعالیت تلویزیونی از طرفی دیگر، همه وقت جلال را اشغال کرده‌است.

جلال که از پرکارترین بازیگران سینمای ایران است، نمازگی بازی در فیلمون را بیایان رسانیده‌است و سرگرم بازی در سریال تازه تلویزیونی که محمد موسالاسی می‌سازد، میباشد. این سریال «مهرخان» نامدار و جلال در آن نقش «مهرخان» را ایفاء می‌کند.

بهر حال جلال با علاقه و اشتیاقی که دارد، کارهای هنری‌اش را دنبال می‌کند.

ویکنه تمام کسانی که با جلال با او همکاری داشته‌اند، وی یکی از صمیمی‌ترین هنرمندان ایرانی است و از هیچ کوششی درمسار همکاری خویش دریغ نمی‌ورزد.

بهر روز جوانتر بن سناریست و کارگردان سینمای ایران در تلویزیون!

جشنواره جهانی فیلم تهران



جلسات نمایش عمومی فیلمهای پنجمین جشنواره جهانی فیلم تهران از اول تا چهاردهم آذر ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی بشرح زیر برگزار خواهد شد :

سینما دیاموند:

«جشنواره جشنوارهها»: ساعت ۱۳ و ۱۰ - «پرواز بزرگالدار» (مبايقه) : ساعت ۱۶ و ۱۹ -
«سینما چشم و گوش دارد»: ساعت ۲۲

سینما پارامونت:

«پرواز بزرگالدار» (مبايقه) : ساعت ۱۹ و ۱۰ - «هرفیلم دوبار» - «سینما چشم و گوش دارد»: ساعت ۱۶

سینما آتلانتیک:

«جشنواره جشنوارهها»: ساعت ۱۹ و ۱۳ - «هرفیلم دوبار» - «سینما چشم و گوش دارد»: ساعت ۱۰

سینما امپایر:

«آمریکا: نقشی از خود»: ساعت ۱۳ و ۱۰ - «فدریکو فلینی: دنیای يك ساحر»: ساعت ۱۶ و ۱۹

سینما پولیدور:

«چهره های احساس» (فیلمهای هری لنگدون و یاستر کیتون): ساعت ۱۰، ۱۳ و ۱۶ - «داگلاس فرینکس، بت کارخانه رویا»: ساعت ۱۹ و ۲۲

سینما سینه موند:

«افق شرق»: ساعت ۱۰، ۱۳ و ۱۶ - «فانوس خیالها» (بنجاه سال سینمای ایران): ساعت ۱۹ و ۲۲

کلیه بلیطهای سینمای نمایش دهنده فیلمهای جشنواره از يك ساعت قبل از شروع هرسانس در گیشه سینما بفروش میرسد. بلیط بهیچوجه از قبل رزرو نشده و در محل دیگری غیر از گیشه سینماها فروخته نخواهد شد.

جلسات نمایش فیلم در سینما دیاموند فقط بمدعوین رسمی جشنواره اختصاص دارد و گیشه این سینما از فروش بلیط معذور است. علاقمندان میتوانند حدود فیلمهای جشنواره و ساعات نمایش آنها از سینماهای نمایش دهنده دریافت دارند.

روانه انشپ گروه سینمایی یابینخت

نیازگارا - اروپا - مارلیک - سیلوانا مولن روز - میامی -
الوند - کیهان ارنوس - شهرام - شرق و آستارا (تجربش)

خانه فیلم ایران تقسیم میکنند

سیدراد . نوش آفرین
و
آرمان



قاصدک

تعمیرات
تعمیرات
تعمیرات
تعمیرات

حسن رفیعی
فریدون خشمود
چشمه خرمندی
کلی و مرتضوی
از زبان سینمایی پاناسیت

SCHMID
 SCHNEIDTISCH-FILM TONRECORDING
 WILLI SCHMID STRAUBEN

SCHMID - REVOLUTIONARY EDITING & SOUND RECORDING TABLE.

Convertible from 16 mm to super 8 in few seconds. 2 - 4 - 6 - and 8 Discs with 5 input recording channel, mixing and final transferring on to 16 mm or - S - 8 film

FOR STUDIOS - INDIVIDUALS AND EVERY FILMING ORGANIZATION



تحویلی شگرف در کار مونتاز و صدا گزاری فیلم ۱۶ سوپر ۸

این میز مونتاز یک استودیوی کامل ضبط نیز هست. روی این میز شما میتوانید فیلم را مونتاز - صدا

راضبط و میکس کرده و سپس بر روی فیلم ۱۶ سوپر ۸ منتقل نمایند. «اشمید» آلمان غربی باسالتها سابقه

علاوه بر میز مونتازهای معمولی، اینک این پدیده انقلابی را با آنها که با فیلم سروکار دارند، چه حرفه‌ای یا

آماتور تقدیم میکنند.